

مرجع کامل
طراحی داخلی

و

دکوراسیون داخلی

مهندس سعید سعیدی

شامل:

- نور در فضای داخلی
- طراحی اتاق نشیمن
- بررسی کیفیت دکورهای مطرح در آمریکا
- تغییر دکوراسیون تغییر فصل
- دکوراسیون آشپزخانه
- دکوراسیون داخلی منزل
- راهبرد هایی در طراحی داخلی
- طراحی اتاق کودک
- دکوراسیون اتاق انتظار
- عناصر یک اتاق خواب رمانتیک
- طراحی داخلی
- رنگ در معماری داخلی

- هنر باستانی چینی معماری داخلی
- دکوراسیون مدرن
- فضاهای نمایشگاهی
- چگونه به موضوع نما در معماری بیندیشیم
- طراحی نمای ساختمان
- ترندهای محوطه سازی در طراحی فضای سبز
- هدایت نور طبیعی
- انواع پله های ساختمانی
- حفاظت الکتریکی
- ساختمان های مجهز به سیستم لرزه ای
- تهویه مطبوع چیست؟
- پله های فرار
- تعریف پلان عمقی

- طراحی ساختمان ترمینال فرودگاه های تجاری، مسافرتی
- فضای داخلی و نحوه و تقسیم بندی پلان ها
- ضوابط و معیارهای طراحی فرهنگسرا
- طراحی فضاهای آموزشی
- ریز و درشت طراحی مهد کودک
- ایده تا فرم و موضوع طراحی
- فضای انتظار
- ۲۰ نکته درباره ی طراحی در معماری
- معماری فضاهای اداری
- طراحی تالار اطاق عمل بیمارستان

نور در فضای داخلی:

نور در فضاهای داخلی اگر از نور کامل و طبیعی خورشید که گستردگی و کیفیت آن قابل مقایسه با نورهای دیگر نیست صرف نظر کنیم، استفاده از نور آبی مصنوعی و چراغ های روشنایی، به نیازی ضروری و همیشگی تبدیل شده است.

به خصوص نقش نورپردازی در معماری داخلی بسیار مهم و جذاب می نماید. با افزایش کارآیی های صنعت برق و امکانات تکنولوژیک مربوط به آن، استفاده از محصولات وابسته به آن نیز رشد چشمگیری داشته است؛ چنانکه باید اذعان داشت روشنایی، راه را برای یک تحول در شناخت و طراحی معماری باز کرده است. این محصولات که مشتمل بر انواع چراغ ها و سیستم های روشنایی هستند، ابزار اصلی نورپردازی را تشکیل می دهند. با تنوع این ابزار، طراحان با مسئله ای مواجه می شوند و آن انتخاب صحیح وسیله نوری و تعیین محل مناسب برای آن است. چنین مشکلی پیچیده تر از تامین کمی نور است. اگر چه لامپ های عریان قادرند نیازهای کمی نور را به آسانی مرتفع کنند، واضح است که جنبه های دقیق تامین آسایش و نکات ظریف زیبایی شناسی از عهده این وسایل ساده برنمی آید. در حقیقت گره کار در تهیه و تامین نور نیست بلکه تنظیم منابع نوری برای خلق محیط مناسب بصری، مسئله اصلی است.

در بررسی های انجام شده پیرامون استفاده افراد از نور و چگونگی نورپردازی منازل مسکونی خود، اطلاعاتی راه گشا به دست آمده است که راه را برای راهنمایی تولیدکنندگان، طراحان و نهایتاً استفاده کنندگان باز می کند یا باعث سوق دادن آنان به سمت استفاده از منابع نوری مطلوب و راهنمایی عموم به استفاده درست از منابع در اختیار می شود. ابتدا این نکات را مرور کرده و در ادامه، نکاتی را درباره روشنایی عمومی از نظر می گذرانیم. افراد مورد مطالعه در این مبحث در پاسخ به سؤالی در زمینه استفاده از نور عمومی و موضعی در محل زندگی خود اکثراً اذعان دارند که نور عمومی را بیشتر از نور موضعی در محل زندگی خود استفاده می کنند. ۷۵٪ افراد، نور عمومی و ۲۵٪ نیز نور موضعی را مورد استفاده قرار می دهند. در مورد استفاده از انواع مختلف چراغ های

روشنایی، بازار خرید و استفاده به ترتیب با ۵۰٪ و ۳۵٪ و ۱۰٪ در اختیار چراغ های سقفی، دیواری و پایه دار زمینی قرار می گیرد که این خود می تواند موید استفاده بیشتر مردم از نورهای عمومی در محل زندگی خود باشد. رنگ غالب نورهای مورد استفاده نیز حکایت از این دارد که نورهای با رنگ سرد، بیشتر از رنگ های گرم در بین مردم طرفدار دارد. اکثر مصرف کنندگان و خریداران چراغ های روشنایی هنگام خرید محصول مورد نظر، اولویت هایی را برای آن مدنظر دارند که زیبایی منبع نوردهنده، کیفیت نوردهی آن، قیمت و نصب و نگهداری آن، به ترتیب از عوامل دخیل در خرید و جذب مشتریان به محصولات است.

در اینجا به بررسی عواملی می پردازیم که عوامل اصلی در روشنایی محیط هستند. قابلیت دید در ناحیه تامین روشنایی، مهمترین نیاز استفاده کننده در محیط است. این قابلیت به عواملی بستگی دارد که به بعضی از آنها اشاره می کنیم. شدت روشنایی: برای هر ناحیه تامین روشنایی خاص باید میزان منابعی از شدت روشنایی ایجاد شود. شدت روشنایی در سراسر ناحیه ای که تامین روشنایی آن مدنظر است باید به طور معقولی یکنواخت باشد. این بدان معنی است که سر تا سر اتاق باید به میزان مناسبی روشن شود. این امر به منظور اجتناب از ایجاد نواحی تاریک با وسعت زیاد است که ممکن است در حالتی که شخص بایستی از ناحیه تامین روشنایی مربوط به خود به اطراف نگاه کند بر تپابق چشم اثر بگذارد. شدت روشنایی باید با استانداردهای مربوطه انتخاب شود. سطوح مجاور: از تفاوت زیاد در شدت روشنایی سطوح مجاور باید اجتناب شود. تفاوت بین شدت روشنایی سطوح مجاور نباید از نسبت ده به یک تجاوز کند. از این رو درخشندگی اطراف ناحیه تامین روشنایی باید کمتر از درخشندگی خود ناحیه تامین روشنایی باشد؛ در غیر این صورت، قابلیت دید در این ناحیه، مختل می شود. همچنین ممکن است باعث خستگی چشم شود، زیرا در این حال باید خود را دو برابر شرایط جدید تطبیق دهد. (مثل هر بار که چشم از صفحه تلویزیون به اطراف منحرف می شود و دوباره به صفحه برمی گردد).

در صورت تداوم این کار، چشم خسته شده و منجر به ناراحتی هایی از قبیل سردرد، خستگی مفرط و غیره می شود.

حفظ شدت روشنایی: به منظور اطمینان از اینکه شدت روشنایی مورد نظر همواره تامین می شود، باید تدابیری برای حفظ شدت روشنایی، تعمیر و نگهداری و تمیز کردن چراغ ها اتخاذ شود.

شدت روشنایی نباید هرگز به کمتر از ۸۰ درصد مقدار توصیه شده افت کند. در طراحی های خوب روشنایی، برای جبران تقلیل نوردهی در نتیجه کهنگی لامپ و تجمع آلودگی روی چراغ ها، شدت روشنایی اولیه، بیشتر از مقدار لازم در نظر گرفته می شود. کنترل خیرگی چشم: به منظور پیشگیری از ایجاد خیرگی ناراحت کننده چشم ناشی از منابع نوری، درخشندگی آنها در زاویه های دید معمولی باید محدود شود. لامپ های بدون پوشش، باعث ایجاد خیرگی ناراحت کننده چشم می شوند زیرا درخشندگی آنها معمولاً خیلی زیاد است. این امر در مورد لامپ های فلورسنت بدون پوشش در حالتی که کار مداوم در زیر نور این لامپ ها مورد نیاز است نیز صادق است. چراغ هایی همانند لامپ فلورسنت از نوع بلند با پایه های باریک، بدون استفاده از وسایل کنترل چشم از قبیل پخش کننده های منشوری یا شبکه ای به کار می روند. با این حال، در حالی که مدت زمان قرارگیری در زیر نور لامپ های فلورسنت بدون پوشش برای مثال در راهروهای اتاق استراحت و غیره کم باشد، استفاده از آنها قابل قبول است. انعکاسات ناخواسته: برخی از انعکاسات ممکن است در کارایی یا راحتی اشخاص، اختلال ایجاد کنند؛ مثلاً انعکاس نور از روی سطوح براقی که روی آنها مطالبی نوشته شده است. معمولاً این امر خارج از کنترل طراح روشنایی است؛ زیرا به وضعیت قرارگیری در ناحیه تامین روشنایی نسبت به منبع نوری بستگی دارد. توزیع روشنی سطوح داخلی اصلی: علاوه بر کنترل درخشندگی منابع نوری، روشنی سطوح داخلی اصلی از قبیل دیوارها، سقف ها و غیره از طرق زیر حاصل می شود:

- ۱- در نظر گرفتن ضرایب انعکاسی مناسب برای سطوح
- ۲- تامین روشنایی مناسب برای سطوح

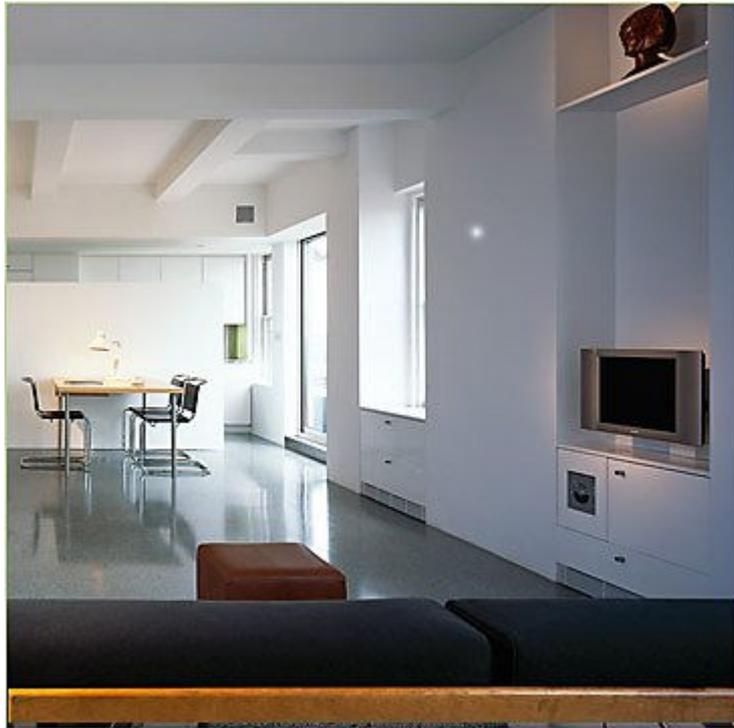
هدف از اتخاذ این تدابیر، اجتناب از تفاوت های بیش از حد روشنی سطوح وسیع است

که در میدان دید قرار دارند. تفاوت های خیلی زیاد در روشنی سطوح همانند و درخشندگی بیش از حد منابع نوری باعث خستگی مفرط چشم ها می شود. از طرفی در صورتی که روشنی، خیلی یکنواخت باشد، تاثیر آن ایجاد محیط خسته کننده یا افسرده کننده است. با اینکه توزیع روشنایی عمومی عامل اصلی است ولی شدت سایه ها نیز در محیط تاثیر می گذارد. شدت سایه ها به وسیله نوع توزیع نور تعیین می شود. مثلاً نوردهی با زاویه بسته باعث ایجاد سایه هایی با شدت زیاد می شود؛ در حالیکه لامپ های فلورسنت سایه هایی ملایم ایجاد می کنند. سایه های با شدت زیاد، معمولاً مناسب نیستند؛ به جز مواردی که هدف، ایجاد جلوه های ویژه باشد.

نور در فضاهای داخلیاگر از نور کامل و طبیعی خورشید که گستردگی و کیفیت آن قابل مقایسه با نورهای دیگر نیست صرف نظر کنیم، استفاده از نور آبی مصنوعی و چراغ های روشنایی، به نیازی ضروری و همیشگی تبدیل شده است. به خصوص نقش نورپردازی در معماری داخلی بسیار مهم و جذاب می نماید. با افزایش کارآیی های صنعت برق و امکانات تکنولوژیک مربوط به آن، استفاده از محصولات وابسته به آن نیز رشد چشمگیری داشته است؛ چنانکه باید اذعان داشت روشنایی، راه را برای یک تحول در شناخت و طراحی معماری باز کرده است. این محصولات که مشتمل بر انواع چراغ ها و سیستم های روشنایی هستند، ابزار اصلی نورپردازی را تشکیل می دهند. با تنوع این ابزار، طراحان با مسئله ای مواجه می شوند و آن انتخاب صحیح وسیله نوری و تعیین محل مناسب برای آن است. چنین مشکلی پیچیده تر از تامین کمی نور است. اگر چه لامپ های عریان قادرند نیازهای کمی نور را به آسانی مرتفع کنند، واضح است که جنبه های دقیق تامین آسایش و نکات ظریف زیبایی شناسی از عهده این وسایل ساده برنمی آید. در حقیقت گره کار در تهیه و تامین نور نیست بلکه تنظیم منابع نوری برای خلق محیط مناسب بصری، مسئله اصلی است. در بررسی های انجام شده پیرامون استفاده افراد از نور و چگونگی نورپردازی منازل مسکونی خود، اطلاعاتی راه گشا به دست آمده است که راه را برای راهنمایی تولیدکنندگان، طراحان و نهایتاً استفاده کنندگان باز می کند یا باعث سوق دادن آنان به سمت استفاده از منابع نوری مطلوب و راهنمایی عموم به استفاده درست از منابع در اختیار

می شود. ابتدا این نکات را مرور کرده و در ادامه، نکاتی را درباره روشنایی عمومی از نظر می گذرانیم. افراد مورد مطالعه در این مبحث در پاسخ به سؤالی در زمینه استفاده از نور عمومی و موضعی در محل زندگی خود اکثراً اذعان دارند که نور عمومی را بیشتر از نور موضعی در محل زندگی خود استفاده می کنند. ۷۵٪ افراد، نور عمومی و ۲۵٪ نیز نور موضعی را مورد استفاده قرار می دهند. در مورد استفاده از انواع مختلف چراغ های روشنایی، بازار خرید و استفاده به ترتیب با ۵۰٪ و ۳۵٪ و ۱۰٪ در اختیار چراغ های سقفی، دیواری و پایه دار زمینی قرار می گیرد که این خود می تواند موید استفاده بیشتر مردم از نورهای عمومی در محل زندگی خود باشد. رنگ غالب نورهای مورد استفاده نیز حکایت از این دارد که نورهای با رنگ سرد، بیشتر از رنگ های گرم در بین مردم طرفدار دارد. اکثر مصرف کنندگان و خریداران چراغ های روشنایی هنگام خرید محصول مورد نظر، اولویت هایی را برای آن مدنظر دارند که زیبایی منبع نوردهنده، کیفیت نوردهی آن، قیمت و نصب و نگهداری آن، به ترتیب از عوامل دخیل در خرید و جذب مشتریان به محصلات است.

در اینجا به بررسی عواملی می پردازیم که عوامل اصلی در روشنایی محیط هستند. قابلیت دید در ناحیه تامین روشنایی، مهمترین نیاز استفاده کننده در محیط است. این قابلیت به عوامل بستگی دارد که به بعضی از آنها اشاره می کنیم.



شدت روشنایی: برای هر ناحیه تامین روشنایی خاص باید میزان منابعی از شدت روشنایی ایجاد شود. شدت روشنایی در سراسر ناحیه ای که تامین روشنایی آن مدنظر است باید به طور معقولی یکنواخت باشد. این بدان معنی است که سر تا سر اتاق باید به میزان مناسبی روشن شود. این امر به منظور اجتناب از ایجاد نواحی تاریک با وسعت زیاد است که ممکن است در حالتی که شخص بایستی از ناحیه تامین روشنایی مربوط به خود به اطراف نگاه کند بر تطابق چشم اثر بگذارد. شدت روشنایی باید با استانداردهای مربوطه انتخاب شود. سطوح مجاور: از تفاوت زیاد در شدت روشنایی سطوح مجاور باید اجتناب شود. تفاوت بین شدت روشنایی سطوح مجاور نباید از نسبت ده به یک تجاوز کند. از این رو درخشندگی اطراف ناحیه تامین روشنایی باید کمتر از درخشندگی خود ناحیه تامین روشنایی باشد؛ در غیر این صورت، قابلیت دید در این ناحیه، مختل می شود. همچنین ممکن است باعث خستگی چشم شود، زیرا در این حال باید خود را دو برابر شرایط جدید تطبیق دهد. (مثل هر بار که چشم از صفحه تلویزیون به اطراف منحرف می شود و دوباره به صفحه برمی گردد).

در صورت تداوم این کار، چشم خسته شده و منجر به ناراحتی هایی از قبیل سردرد، خستگی مفرود و غیره می شود. حفظ شدت روشنایی: به منظور اطمینان از اینکه شدت روشنایی مورد نظر همواره تامین می شود، باید تدابیری برای حفظ شدت روشنایی، تعمیر و نگهداری و تمیز کردن چراغ ها اتخاذ شود.

شدت روشنایی نباید هرگز به کمتر از ۸۰ درصد مقدار توصیه شده افت کند. در طراحی های خوب روشنایی، برای جبران تقلیل نوردهی در نتیجه کهنگی لامپ و تجمع آلودگی روی چراغ ها، شدت روشنایی اولیه، بیشتر از مقدار لازم در نظر گرفته می شود. کنترل خیرگی چشم: به منظور پیشگیری از ایجاد خیرگی ناراحت کننده چشم ناشی از منابع نوری، درخشندگی آنها در زاویه های دید معمولی باید محدود شود. لامپ های بدون پوشش، باعث ایجاد خیرگی ناراحت کننده چشم می شوند زیرا درخشندگی آنها معمولاً خیلی زیاد است. این امر در مورد لامپ های فلورسنت بدون پوشش در حالتی که کار مداوم در زیر نور این لامپ ها مورد نیاز است نیز صادق است. چراغ هایی همانند لامپ فلورسنت از نوع بلند با پایه های باریک، بدون استفاده از وسایل کنترل چشم از قبیل پخش کننده های منشوری یا شبکه ای به کار می روند. با این حال، در حالی که مدت زمان قرارگیری در زیر نور لامپ های فلورسنت بدون پوشش برای مثال در راهروهای اتاق استراحت و غیره کم باشد، استفاده از آنها قابل قبول است.



انعکاسات ناخواسته: برخی از انعکاسات ممکن است در کارایی یا راحتی اشخاص، اختلال ایجاد کنند؛ مثلاً انعکاس نور از روی سطوح براقی که روی آنها مطالبی نوشته شده است. معمولاً این امر خارج از کنترل طراح روشنایی است؛ زیرا به وضعیت قرارگیری در ناحیه تامین روشنایی نسبت به منبع نوری بستگی دارد. توزیع روشنی سطوح داخلی اصلی: علاوه بر کنترل درخشندگی منابع نوری، روشنی سطوح داخلی اصلی از قبیل دیوارها، سقف ها و غیره از طرق زیر حاصل می شود:

- ۱- در نظر گرفتن ضرایب انعکاسی مناسب برای سطوح
- ۲- تامین روشنایی مناسب برای سطوح

هدف از اتخاذ این تدابیر، اجتناب از تفاوت های بیش از حد روشنی سطوح وسیع است که در میدان دید قرار دارند. تفاوت های خیلی زیاد در روشنی سطوح همانند و درخشندگی بیش از حد منابع نوری باعث خستگی مفرط چشم ها می شود. از طرفی در صورتی که روشنی، خیلی یکنواخت باشد، تاثیر آن ایجاد محیط خسته کننده یا افسرده کننده است. با اینکه توزیع روشنایی عمومی عامل اصلی است ولی شدت سایه ها نیز در محیط تاثیر می گذارد. شدت سایه ها به وسیله نوع توزیع نور تعیین می شود. مثلاً نوردهی با زاویه بسته باعث ایجاد سایه هایی با شدت زیاد می شود؛ در حالیکه لامپ های فلورسنت سایه هایی ملایم ایجاد می کنند. سایه های با شدت زیاد، معمولاً مناسب نیستند؛ به جز مواردی که هدف، ایجاد جلوه های ویژه باشد.

انتخاب مستقیم روشنایی: سیستم های روشنایی باید به گونه ای انتخاب شوند که توزیع روشنی مورد نیاز را ایجاد کنند. این بدین معنی است که در مورد آویز یا چراغ هایی که روی سطوح نصب می شوند، در دفاتر کار و اماکن، حداقل ۳۰ درصد نور منتشره باید به طرف بدن باشد. در این صورت می توان از کافی بودن روشنی سقف اطمینان حاصل کرد.

روشنایی غیرمستقیم: نحوه عمل این نوع روشنایی به صورت توکار است. در این روش همه نورها به طرف سقف هدایت می شود و سایر سطوح در اتاق به وسیله انعکاس متقابل روشن می شود. نتیجه این امر، خسته کننده است؛ زیرا توزیع روشنی بیش از حد

یکنواخت است. همچنین این نوع روشنایی کارایی خوبی ندارد و فقط در موارد خاص باید از آن استفاده کرد. محل قرارگیری چراغ‌ها: ترتیب قرارگیری چراغ‌ها به منظور نیل به توزیع روشنی دلخواه لازم است به گونه‌ای باشد که نور کافی به قسمت‌های بالایی دیوارها و سقف برسد.

این امر عموماً نیاز به یک طرح قرارگیری چراغ‌ها در فواصل یکنواخت دارد تا بدین ترتیب شدت روشنایی مورد نیاز در صفحه مربوط به ناحیه تامین روشنایی حاصل شود. در حالی که ترتیب قرارگیری به صورتی است که فواصل بین چراغ‌ها از مقدار حداکثر نسبت به فاصله به ارتفاع نصب تجاوز نمی‌کند و فاصله از دیوارها نصف این فاصله است. در مورد توزیع با زاویه بسته: به منظور حصول اطمینان از اینکه روشنایی دیوار کافی است چراغ‌ها را لازم است حتی نزدیک تر به دیوارها قرار داد. در مورد چراغ‌های با نوردهی به طرف بالا لازم است آنها را در فاصله حداقل ۱۵۰ سانتی متر از نصف و حتی بیشتر از آن قرار داد؛ به طوری که نور به طرف بالا به خوبی روی سقف توزیع شود. رنگ و ترتیب رنگ‌ها: علاوه بر انعکاسات مناسب، سطوح باید دارای رنگ‌های مناسبی باشند. به طور کلی رنگ‌ها نباید قوی یا خیلی ضعیف باشند. رنگ‌های قوی می‌توانند باعث خستگی مفرط چشم شوند. مخروط‌های چشم در اثر خسته شدن باعث دیگرگونی تاثیر رنگ‌ها می‌شوند. رنگ‌های ضعیف نیز به همین صورت باعث خستگی چشم می‌شوند.

ترتیب رنگ‌ها در قسمت اصلی داخل اماکن بایستی ساده و غیر مزاحم باشد. به کمک مراکز آسودن بصری به شکل صفحات آویزان از دیوار مثل تقویم و ... محیطی که از نظر بصری رضایت بخش است، ایجاد می‌شود. از پنجره‌ها نیز برای این منظور استفاده می‌شود.

رنگ‌های گرم عبارتند از: قرمز، زرد، کرم، قهوه‌ای و ...
رنگ‌های سرد عبارتند از: آبی، سبز و سفیدها و ...
انتخاب رنگ به محیط احساسی که تمایل به ایجاد آن است، بستگی دارد. رنگ‌های گرم از لحاظ بصری مهیج هستند؛ در حالی که رنگ‌های سرد، آرامبخش و متعادل هستند. تاثیر دیگر رنگ‌های گرم یا سرد روی اندازه‌های ظاهری اتاق است که کوچک تر و

بزرگ تر از مقدار واقعی به نظر برسند. رنگ های گرم باعث کوچک تر به نظر رسیدن اتاق می شوند؛ در حالی که رنگ های سرد، اتاق را بزرگ تر نشان می دهند. انتخاب رنگ نور منبع نور به عوامل زیر بستگی دارد:

- ۱- کاری که در ناحیه تامین روشنایی انجام می شود.
- ۲- شرایط داخلی اماکن
- ۳- سازگاری با سایر منابع نوری موجود مثل لامپ های نور زرد

برخی از کارهایی که در ناحیه تامین روشنایی انجام می گیرند، نیاز به منابع نوری با بازده رنگ بسیار خوب دارند. مشخصه های منابع نوری در هر دو مورد بازده رنگ و دمای رنگ برای این کاربردها معمولاً در استانداردهای مربوطه تعیین می شوند. انتخاب دمای رنگ به شدت روشنایی بستگی دارد. در شدت روشنایی کم، نیاز به دمای رنگ پایین است و در شدت روشنایی زیاد، نیاز به دمای رنگ بالا. این انتخاب احتمالاً پیرو این مسئله است که نور روز معادل دمای رنگ بالا با شدت روشنایی زیاد پنداشته می شود، در حالی که دمای رنگ پایین که بشر هنگام شب در اطراف آن می نشست، برابر با شدت روشنایی کم تصور می گردید. انتخاب صحیح منابع نوری و ترتیب رنگ ها یک امر تجربی است، زیرا در مورد اینکه رنگ های مختلف در زیر نور منابع نوری مختلف و در محیط های مختلف چگونه به نظر خواهند رسید جز با تجربه شخصی نمی توان نظر داد.

رنگ نور آن تاثیر حسی است که به وسیله مجموعه طول موج های مختلفی که توسط چشم دریافت می شود، ایجاد می گردد. رنگ نور را نباید به عنوان یک مشخصه سطوح منعکس کننده نور تلقی کرد. رنگ نورهای منعکس شده از سطوح، به انتخاب نوع منبع نوری بستگی دارد. نهایتاً اینکه تصمیم گیری در مورد اینکه یک سطح رنگی در زیر نور یک منبع نور خاص چه رنگ به نظر خواهد رسید با استفاده از تجربیات عملی ممکن می گردد.

مبلمان و نمادهای زندگی امروز
مازیار قاسمی نژاد- نمادهای زندگی امروز چیست؟ آیا طرح باید در خدمت این نمادهای

نوین قرار گیرد و پاسخ این سؤال چگونه باید عملی شود؟ شاید برخی از مردم به خاطر نفرت از زندگی ماشینی، بیشتر به اشکال کلاسیک علاقه مند باشند، اما آیا این فرم‌ها (در ذات خود) آرمش لازم را برای کاربر فراهم می‌کنند؟ فرم‌های نمادین نوین چه مآخذ تاریخی دارند و آیا باید لزوماً دارای چنین منابعی باشند؟ راه‌های خلاقیت با نمادهای نوین چیست؟ معیارهای نقد این گونه آثار چه باید باشد؟ ذهنیت فرد ایرانی نسبت به زندگی مدرن چیست؟ آیا مدرن همان ماشینی است؟ موضع ما در قبال تاریخ مان چیست و آیا وظیفه‌ای در باب آن داریم؟ آیا باید به روش‌های دستی و تولید خرد مقیاس روی آوریم؟ و سؤال‌های فراوانی که باید به بحث و آزمایش گذاشته شوند تا فلسفه لازم برای تفکر در این زمینه یافته شود.

در تولید صنعتی، طراحی مبلمان وظیفه متخصصان و هنرمندان طراحی صنعتی است. در طراحی مبلمان گاهی مهارت طراح به صرف یک ایده خلاقانه با ساختمانی بی‌عیب به رخ کشیده می‌شود. گاه نمادهای صنعتی، ماشینی یا ریاضی چنان در طرح یک مبلمان تاثیر می‌گذارند که بعید به نظر می‌رسد بتوانند آرامش طولانی مدت را ایجاد کنند. گاه طرح‌ها اشاره یا کنایه‌ای از یک مفهوم (مثل پرواز) هستند، شاید بتوان به تعبیری دیگر آنها را نیز در آثار سبلیک طبقه‌بندی کرد.

در تولید انبوه، زبان و گویش یک طرح به واسطه جزییات و مصالح آن از ذهن طراح به ذهن مصرف‌کننده منتقل می‌شود و واژگان آن چیزهایی از قبیل بازاریابی، مواد اولیه و سیستم‌های تولید، مونتاژ، حمل و نقل، و انبار است. اما از زاویه دیگری نیز می‌توان به طراحی مبلمان نگاه کرد؛ تولید دستی. در این سیستم، نمادهای تاریخی کاربرد گسترده‌تری دارند زیرا با نوعی از خلاقیت در طرح و اجرا به طور همزمان سر و کار دارند. سازنده (اغلب، نجار) همان طراح است و با کارفرمای (مخاطب، مشتری) خود به طور مستقیم ارتباط دارد پس گاهی مجبور می‌شود برای جلب توجه وی و گاه برای دل خود یا اثبات مهارت‌هایش به همکاران، فرم‌هایی را به تجربه بگذارد که در سوزن دوزی یا گچبری کاربردهای بیشتری دارند، یا متعلق به سبک خاصی در طراحی معماری هستند.

طراحی اتاق نشیمن:

یکی از زیباترین و ساده‌ترین اتاق‌های هر خانه، اتاق نشیمن است. چگونگی چیدن و تزئین این اتاق می‌تواند آینه‌ای از طرز تفکر و نوع زندگی‌ای باشد که برگزیده‌اید. ارتباط قوی و سالم بین اعضای مختلف خانواده، احساس آرامش در کنار خانواده و استراحت بعد از یک روز کاری و انجام امور متفرقه مانند تماشای تلویزیون، مطالعه کتاب و روزنامه در محیطی صمیمی و دوستانه تا حد زیادی به انتخاب‌های شما در آراستن این اتاق بستگی دارد. اصل مهم برای ایجاد چنین محیطی استفاده از بافت‌های مختلف، رنگ‌های متفاوت و دکورهای متنوع است. در این تصویر نمونه ساده‌ای از این اتاق را می‌بینید که با دقت در انتخاب رنگ‌ها و بافت‌های متنوع توانسته است به فضایی شاد و رنگارنگ دست یابد.

● رنگ‌ها و نشانه‌ها

اولین نکته‌ای که در تصویر جلب توجه می‌کند استفاده از رنگ‌های متضاد در کنار همدیگر است. این تضاد توانسته است محیط داخلی اتاق را شادتر و زیباتر کند. هر چه تنوع رنگی بیشتری در این اتاق به کار رود، صمیمیت بیشتری القا می‌شود. یادتان باشد که این رنگ‌های متنوع و شاد موجود در طبیعتند که باعث می‌شوند ما انرژی‌های فزاینده و حس مطبوعی از مشاهده مناظر طبیعی به دست آوریم. پس بهتر است با تکرار همان رنگ‌ها در محیط خانه به نشاط و آرامش برسیم.

همان‌طور که در این نمونه مشاهده می‌کنید، رنگ دیوارها با رنگ کف در یک طیف هستند و این نوع پوشش رنگی برای کف و دیوارها، رنگ کلی و زمینه‌ای را برای اتاق تعریف می‌کند. این اصل برای چیدمان دکور داخلی هر اتاقی یک اصل مهم محسوب می‌شود.

در این تصویر، برای ایجاد حس تعادل، از مبلمانی به رنگ آبی که مکمل رنگ نارنجی و

زرد است استفاده شده است. برای تاکید بیشتر بر روی حس تعادل، از کوسن‌های نارنجی رنگ کمک گرفته شده که هم مکمل رنگ آبی مبلمان است و هم با تکرار رنگ نارنجی، یعنی رنگی مابین تک‌مبل و پوشش کف و دیوار، بر تعادل فضا افزوده شده است.

برای برقراری ارتباط بیشتر با رنگ دیوار و کف و همچنین برای تنوع بافتی (در دکور مبلمان اتاق) در این عکس، تک‌مبلی با بافت و رنگی متفاوت می‌بینید که الهام گرفته از سبک سایر اتاق‌های خانه است. شما هم برای برقراری و هماهنگی دکور اتاق‌های مختلف یک خانه می‌توانید از دکورها و وسایلی مشابه در اتاق‌های دیگر استفاده کنید. اگر همانند تصویر بالا انتخاب مبلمان اتاق تلویزیون شما هم بر محور تضاد رنگی است، بهتر است که حتما در جایی از اتاق به تکرار یکی از رنگ‌ها و یا یک نوع از بافت‌ها پردازید تا هماهنگی و تعادل به طور کامل رعایت شود. تکرار الگوهای مورد علاقه، باعث ایجاد حس تعادل به هنگام ارتباط چشمی شده و سبب می‌شود نگاه‌ها به آرامی بر روی تک تک اجزای داخلی دکور خانه، حرکت کنند.



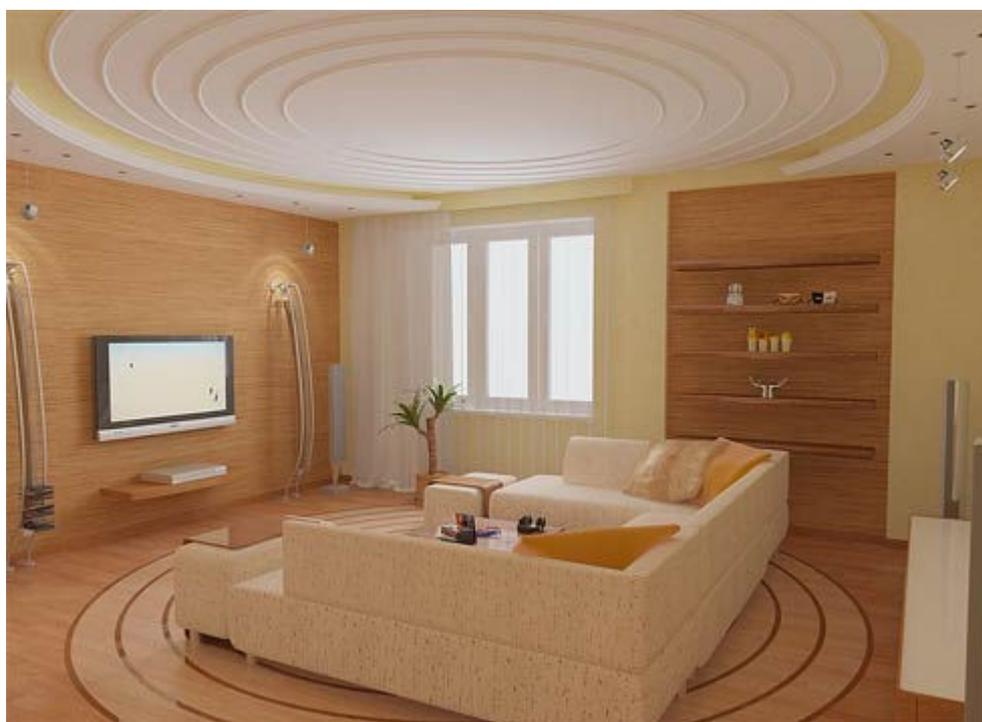
● تلویزیون در خدمت سلامت

همان طور که در تصویر می‌بینید، چیدمان اتاق بر اساس تمرکز بر تلویزیون طراحی شده است. ضمن آنکه دستگاه تلویزیون رو به پنجره و نیز پشت به آن قرار نگرفته است. اگر این نکته ساده رعایت نشود، یعنی تلویزیون پشت به پنجره و یا رو به آن باشد، برای

تماشای آن دچار مشکل شده و حتی ممکن است سردرد و خستگی و ناراحتی و چشم درد متعاقب آن شما را بیچاره سازد .

علاوه بر این، چشم ما برای تفکیک و تشخیص دو نوع نور از یک سمت در طولانی مدت خسته می‌شود .

در نتیجه اگر محل مناسبی برای تلویزیون در نظر نگرفته باشید، به هنگام تماشا فقط تصویر آن را نمی‌بینید بلکه سایه‌ها و نورهایی را که بر شیشه تلویزیون منعکس می‌شود می‌بینید و این اتفاق باعث سردرد و کلافگی شما خواهد شد. توصیه می‌شود از وسایل تزئینی در اطراف تلویزیون و پس زمینه آن استفاده نکنید تا تمرکز چشمی و ذهنی فقط بر تلویزیون باشد .

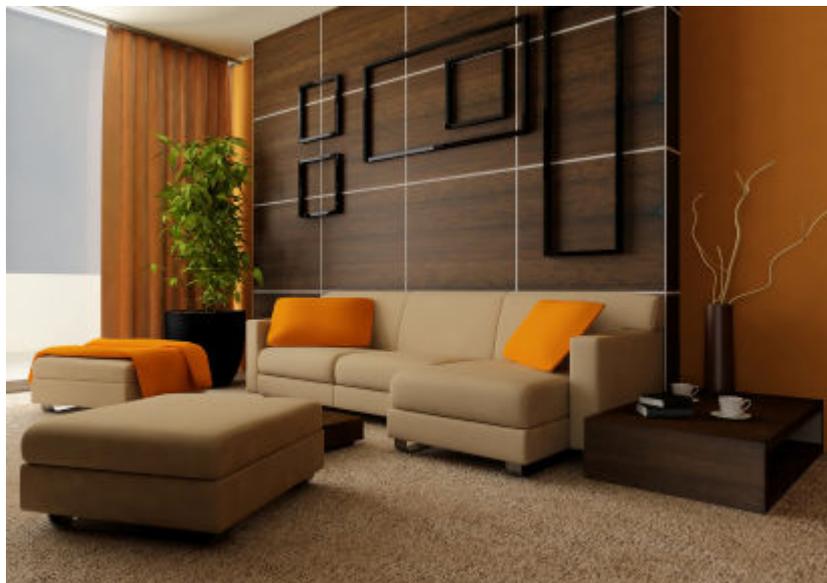


● تزئین دیوارها

نصب تابلوهای نقاشی و خوشنویسی و قاب عکس‌های مختلف مورد علاقه‌تان بر دیوارهای اتاق نشیمن نیز می‌تواند فضایی را به وجود آورد که هم برایتان آشنا و دلپذیر است و هم حس صمیمیت را به اطرافیان منتقل می‌کند .

همیشه یک سبک مشخص را برای آویزان کردن تابلوها در نظر بگیرید. اگر قرار باشد که همه تابلوها به صورت افقی در کنار هم باشند، از تعداد تابلوهای کم با پهنای زیاد استفاده

کنید تا دیوار عریض تر به نظر برسد. اگر دیوارها را با تابلوهای طولی و بلند تزئین می کنید، می توانید آنها را با یک اختلاف سطح در کنار یکدیگر به صورت اریب قرار بدهید .



بهترین محل آویختن تابلو بر دیوار جایی است که تابلوها تقریباً در مقابل چشمان شما قرار بگیرند، یعنی نه خیلی بلندتر و نه خیلی کوتاه تر از قدتان .با در نظر گرفتن قد میانه در خانواده، تابلوها را بر دیوار نصب کنید. برای زیباتر شدن دکور دیوار منزل بهتر است که تابلوهایی را که بر روی یک دیوار به کار می برید در یک سایز و اندازه انتخاب کنید. اگر دوست دارید تابلوهای افقی و عمودی را در کنار یکدیگر استفاده کنید، بهتر است با یک نظم و هماهنگی این کار را انجام دهید. مثلاً اگر از یک تابلوی افقی و در کنار آن از یک تابلوی عمودی استفاده می کنید، این الگو را لااقل یک بار دیگر بر همان دیوار و یا بر یکی دیگر از دیوارهای اتاق تکرار کنید .

در اتاق تلویزیون حتماً جعبه و یا سبدهای را برای گذاشتن مجلات و روزنامه در نظر بگیرید. اختصاص دادن گوشه‌ای از اتاق به کتابها و مجلات مورد علاقه یکی از اصول مهم برای احساس راحتی و آرامش در اتاق است.

بررسی کیفیت دکورهای مطرح در آمریکا:

در ۲۰ سال گذشته تحولات بنیادینی در عرصه هنر صورت گرفته است. نقاشی، معماری و دیزاین (طراحی دکوراسیون داخلی، طراحی لباس، کیف و کفش) تحت تاثیر جنبش های پیشرو که ارتباطات اجتماعی و تغییر نظام ارزشی که ظهور مدرنیسم را باعث شده بود زمینه ساز ظهور آن ها شده اند

به خلاقیت و نوآوری هایی دست یافتند که بستر اصلی آن را سلیقه های حاکم بر جامعه تشکیل می داد. تغییر فضای شهری در نیویورک به عنوان پایتخت هنری جهان از سال ۱۹۸۰ نوعی دگرگونی در فضای هنری اروپا نیز به وجود آورد. به طوری که هنرمندان اروپایی برای تبادل تجربیات و ارتقای درک هنری خود همه به نیویورک تغییر مکان دادند. امروز کمتر کمپانی های معتبر و معروف دکوراسیون داخلی و تولید کیف و کفش را می بینیم که در نیویورک شعبه نداشته باشند. در میان این کمپانی های مشهور که زمینه ظهورشان ابتدا در ایتالیا و فرانسه شکل گرفته بود، آرمانی و ورساچه در همان سال های دهه ۸۰ نسخه آمریکایی خود را در نیویورک پایه گذاری کردند. بعد از حضور ورساچه در آمریکا و ساخت خانه ورساچه در نیویورک به عنوان محلی برای نمایش و عرضه دکوراسیون های نو و خلاقانه که نه فقط با تمایلات آمریکایی ها سازگار بود بلکه به ذائقه اروپایی ها هم می نشست دیگر کمپانی های دکوراسیون داخلی به تبعیت از ورساچه نیویورک را به عنوان مقر دوم برگزیدند. به تازگی نیز فندی پس از آنکه سال ها در نیویورک در عرصه طراحی کیف و کفش و جواهر آلات به فعالیت می پرداخت جدیدترین شعبه خود را در عرصه تولید مبلمان، میز نهار خوری و آباژور تاسیس کرده است. فندی (fendi) یکی از قدیمی ترین مراکز مد ایتالیاست که در سال ۱۹۲۵ توسط ادواردو و آدله فندی تاسیس شد. در سال های اولیه بیشترین فروش آن ها مربوط به کیف و کفش های دست دوز و آدله بود. کمتر از ۱۰

سال بعد فندی با همکاری کارلا لاجرفلد، مدیست معروف به یکی از مراکز معتبر در دنیای مد بدل شد که طراحان از آن به عنوان یکی از پیشرفته ترین مراکز مد اروپا نام می بردند که نه تنها در زمینه طراحی که حتی برگزاری شوهای کیف و کفش نیز بسیار مطرح شد. در سال ۶۶ اولین خط تولید کیف و کفش فندی در آمریکا و پس از آن ژاپن راه افتاد و در سال های بعد نام جهانی به خود گرفت .

پس از سال های ۸۰ همگام با روی کار آمدن سبک های مختلف هنری و ظهور تحولات گسترده تولیدات فندی نیز از زمینه کلاسیک خارج و گرایشی مدرن به خود گرفت . در آخرین سال های دهه ۹۰ کارلا لاجرفلد با همکاری سیلویا فندی خط تولید لباس های جین و عینک آفتابی فندی را نیز راه انداخت که دومی با استقبال فراوانی در اروپا مواجه شد. کمپانی فندی با گذشت ۸۳ سال و در حالی که تجربه های مختلفی که در زمینه طراحی لباس، کیف و کفش و عینک آفتابی کسب کرد، بیش از هر چیز در طراحی کیف و کفش مهارت دارد و امروز بدون شک یکی از موفق ترین کمپانی های دنیا در این زمینه است. البته آن چه که باعث شده فندی بدون در نظر گرفتن کیف و کفش هایش بر سر زبان ها بیفتد، و در آمریکا مطرح شود تاسیس خانه فندی توسط نوه دختری ادواردو فندی است. دلفینا دلترز فندی دختر سیلویا فندی و برنارد دلترز، جواهر ساز فرانسوی است که سال ها قبل طراحی جواهر آلات فندی را برعهده داشت و تا پیش از تصمیم فندی ها برای طراحی داخلی منازل، جواهر فروشی شماره ۶۷ در میدان Navona شهر رم را اداره می کرد. البته ایده اصلی طراحی دکوراسیون داخلی فندی مربوط به امسال نیست و به گفته سیلویا از سال ۱۹۹۰ تا کنون یکی از دغدغه های اصلی فندی ها به شمار می رفت.

سیلویا می گوید: «راه پیدا کردن در قلب شهری که سرچشمه تمامی جنبش های هنری به شمار می رود و هر کدام از نمایشگاه های آن الگو برای هنرمندان اروپایی است، بسیار سخت و کمی هراس انگیز است.» تنها دختر خانواده فندی معتقد است «: سال هاست اروپا از رویکردهای هنری جدید عقب افتاده است. هنر در اروپا به نوعی روزمرگی بدل شده است ولی در آمریکا این روزمرگی در فضای زندگی افراد به دلیلی برای خلق و ثبت ایده های نو و ناب بدل شده است.» سیلویا می گوید: «تصمیمی که هنرمندان آمریکایی در

طراحی اتخاذ می کنند همه از جریان های فکری بر اجتماع سرچشمه می گیرد و از افکار جاری در اذهان مردم دور نیست. به اعتقاد وی هنرمندان اروپایی همچنان بر اسلوب ابتدایی و ظاهری پست مدرن پای بندند و برای ایجاد تغییرات در الگوهای فکری شان راه گریزی جز این شایوه هنری نمی بینند.»

به گفته سیلویا جنبش های هنری که به اسامی مختلف ظاهر شدند آن قدر که در اروپا مسحور کننده اند، در آمریکا نیستند و این دقیقا همان دلیلی است که نیویورک را به عنوان یک نمایشگاه گروهی منسجم از هنرمندان صاحب سبک در دنیا معرفی می کند. تنها بازمانده نسل فندی ها معتقد است در اروپا ارزش های خانوادگی و اجتماعی در حال گسست و روبه نابودی است. در حالی که در آمریکا این موضوع خیلی کمتر دیده می شود و نسبت به اروپا که از هنر برای اشاعه اخلاقیات بی روح استفاده می کنند، آمریکایی ها هنر را برای ارزشگذاری نظام اجتماعی به خدمت می گیرند و از آن برای بیان اعتراض نسبت به بروز شرایط ناگوار اجتماعی و اثبات ارزش ها استفاده می کنند. درحقیقت باید گفت موفقیت بزرگی که فندی ها این روزها از آن خود کرده اند دقیقا از همین تفکرات سرچشمه می گیرد. خانه دکوراسیون فندی با نگاهی تازه به دکوراسیون در مدت کمتر از یک ماه توانسته گوی سبقت را از دیگر طراحان داخلی برآید. اساس دکوراسیون فندی آثار و ترویج هنر کلاسیم در قالب مدرن است .



دلفینا که یکی از مراکز فروش مبلمان فندی در لس آنجلس را برعهده دارد می گوید: « در سال های اخیر طراحی دکوراسیون های خانه هیچ شباهتی به سینما ندارد. گذاشتن دو،

سه مبل تک نفره جلوی تلویزیون تنها حسی که می تواند به آدم منتقل کند حس رفتن به سینما است که باید در آن جا ساکت بنشیننی و فقط به جلو خیره شوی. به عقیده دلفینا، این نوع طراحی هایی که در قالب فضاهاى سرد و بی روح صورت می گیرد به نوعی فرهنگ بی تفاوتی را رایج می سازد.» اومی گوید: « در عصر ما آدم ها به اندازه کافی نسبت به یکدیگر بی تفاوت و سرد هستند بنابراین طراحی خانه به عنوان مرکزی برای تجمع آدم هایی که همه از هم گریزان هستند باید به گونه ای باشد که این حس بی روح اما تهاجمی و ستیزه جویانه را از بین ببرد.» دلفینا که هنوز وارد ۳۰ سالگی نشده می گوید: «ارتباط ما انسان ها در جامعه امروزی با کسانی که بدرود حیات گفته اند بیشتر از افرادی است که در کنارمان زندگی می کنند و به نظر من این وظیفه دیگر به عهده هنرمندان است که با خلق آثار خودشان این غم و هجران را از بین ببرد و احساسی مالمال از سرخوشی را به بیننده القا کند.» او که خود یکی از طراحان مبلمان و میز نهار خوری های فنندی به شمار می رود اصرار دارد که یکی از علت های اوج گرفتن سردی در بین خانواده ها عدم توجه به دکوراسیون خانه است. مبلمان های طراحی شده با اینکه رنگ های تیره دارند ولی به لحاظ تلفیق سبک های کلاسیک و مدرن بسیار مورد توجه قرار گرفته اند. چهار نمونه از لوازمی که او طراحی کرده و در آمریکا از فروش بالایی هم برخوردار بودند مبلمان، تخت خواب و جا نواری دو کاره ای است که در تصاویر نشان داده شده اند Filippo . نام مدل مبل سه نفره ای است که شبیه مبل های قدیمی که روی دسته های آن ها بالشتک قرار می گرفت ساخته شده است. رویه آن از پارچه خز راه راه تهیه شده است . به گفته یکی از مشتری هایی که برای خرید این مدل به خانه فنندی شعبه نیویورک آمده معنی کامل دیزاین یعنی راحتی و شیکگی در این مدل مبل خلاصه شده است . مبل دیگری که مشتریان خانه فنندی را مجذوب خود کرده است Albione نام دارد؛ مبلی دو نفره که کناره های پهن و رویه ای شبیه به پتو دارد. جنس آن از چرم است و در ساخت پایه های آن فلز کرم به کار رفته است. جا نواری هفت طبقه موسوم به Canova نیز از دیگر لوازم طراحی شده جدید خانه فنندی است که به لحاظ دو کاره بودن فروش خوبی تاکنون داشته است Canova . علاوه بر اینکه به صورت جای سی دی ، کتاب و روزنامه قابل استفاده است، به صورت میز جدا در کنار مبلمان کارآیی دارد. مشکی براق ، بژ، قرمز

رنگ های دیگر این جا نواری هستند که سفید عاجی آن در تصویر مشاهده می شود .
The Wall هم اسم مدل تختخوابی است که به لحاظ نوع طراحی تکیه گاه تخت که شبیه به دیوار است و میزهای کناری آن که دیگر کمتر در مدل های امروزی دیده می شود، در خانه فندی جزو محصولات پرفروش به شمار می آید. این تختخواب به نوعی مبل تختخوابشو است که به هر دو صورت استفاده می شود .
بالش و کوسن های آن از جنس خز است و در ساخت آن هم از چوب و هم از آلیاژ استفاده شده است. طرح های دیگری از مبلمان و تختخواب نیز در خانه فندی به چشم می خورد که اگر چه از طراحی های خلاقانه برخوردارند مثلاً شبیه به صدف باز شده ساخته شده اند و لسی

به دلیل میزان فضایی که اشغال می کنند از اقبال کمتری برای خرید برخوردارند .
اصولاً یکی از دلایلی که به نظر می رسد باعث شده دکورهای فندی در نظر آمریکایی ها محبوب واقع شود، توجه به فضا در دکوراسیون است. طراحی و ساخت تختخواب و میزهای چند کاره سهیل در امر حمل و نقل و جابجایی برای خانه هایی که از کمبود فضا صاحب خانه را به ستوه آورده اند و نیز طراحی مبلمانی که به لحاظ ترکیب رنگ و فرم القای کننده حس آرامش و صمیمیت بوده و گرمابخش اهالی خانه هستند، بدون شک یکی از مهمترین دلایل موفقیت فندی هاست که از انگیزش این خاندان ایتالیایی از قواعدی که برای فرار از محدودیت ها و قید و بند های جریان های هنری سال اخیر در پیش گرفتند سرچشمه می گیرد.

تغییر دکوراسیون تغییر فصل:

وقتی تصمیم می گیرید دکوراسیون منزل را تغییر دهید بی تردید باید به عوامل و عناصر متعددی در یک اتاق بیندیشید و برنامه ریزی قابل اجرا و مناسبی جهت مقابله با محدودیت های گوناگونی که در برابر شما وجود دارند داشته باشید علاوه بر یافتن راه حلی عملی برای هر یک از موانع باید در فکر هماهنگی و رابطه صحیحی میان این راه ها نیز باشید تا در آخر، نتیجه کار شما مجموعه ای درهم، شلوغ و ناهمگون نباشد. از سوی دیگر، زمان و انرژی که شما جهت برنامه ریزی اولیه برای تغییر دکوراسیون یک اتاق صرف می کنید پشیمان نخواهید شد.



مخارج مادی و همچنین محدودیت های ناشی از ویژگی های معماری یک اتاق اغلب دو محدودیت اصلی در تغییر دکوراسیون محسوب می شوند. محدود بودن بودجه گرچه مانعی در جهت انتخاب بسیاری از وسایل و روش های تغییر دکوراسیون است اما از آن جا که شما را به فکر وامی دارد تا به راه حل های کمی دور از ذهن تر نیز بیندیشید خود می تواند بخشی از لذت ایجاد این تغییرات در منزل باشند زمانی که شما مبلغ مشخصی را به عنوان بودجه مورد نظر برای اجرای تغییرات دکوراسیونی منزلتان در نظر می گیرید لازم است این بودجه را میان عوامل مختلفی که قرار است تعویض شوند و یا به شکلی

تغییر یابند تقسیم کنید و به راههایی بیندیشید که از بودجه مورد نظر به بهترین شکل و
بیشترین میزان بهره‌رسانند.

یکی دیگر از عوامل ثابت و تاثیر گذار در دکوراسیون ویژگی های معماری غیر قابل تغییر
اتاق و میزان نورگیری آن است به عنوان مثال بزرگی و کوچکی یک اتاق و یا نورگیری
خوب یا تاریکی آن ویژگی هایی هستند که به راحتی قابل تغییر نیستند و شما فقط می
توانید با انتخاب صحیح رنگ ها و سایر لوازم دکوراسیونی تاثیرات بصری بر روی آنها
داشته باشید.

در تصاویر اتاقی را قبل از تغییرات دکوراسیونی چشمگیر آن ملاحظه می کنید که پس از
تغییرات نمایی کاملاً متفاوت یافته است. در این فضا که به عنوان اتاق نشیمن مورد استفاده
قرار می گیرد علاوه بر مبلمان راحتی و تلویزیون یک جعبه محتوی اسباب بازی هم جای
گرفته است. مبلمان اتاق با پارچه صورتی پررنگ پوشانده شده است و پنجره نیز پرده ای
از همان پارچه دارد.

پنجره کوتاه چهار گوش در فرورفتگی دیوار قرار گرفته است و در این فرورفتگی یک
مبل و یک جعبه محتوی اسباب بازی جای داده شده اند. رنگ کرم دیوارها در کنار
موکت سبز تیره و مبلمان صورتی ترکیبی کسالت آور یافته اند.
طراح پیش از هر چیز رنگ دیوارها را به زرد روشن و کفپوش موکت را به کفپوش چوبی
تغییر داده است. انواع سایه های رنگ زرد، رنگی مناسب برای پوشش دیوار در اغلب
فضاهای منزل هستند. زیرا این رنگ از انرژی و شادابی خاصی بهره مند است که حتی
تاریک ترین و کسالت آورترین اتاق ها را نیز روشن و پرانرژی می کند ضمن آن که به
فضا، گرمی و صمیمیت می بخشد.

شومینه در این جا با رنگ تیره رنگ آمیزی شده است و با تعدادی شمع و یک گلدان گل
سبز زینت یافته و به کانون توجهی در اتاق تبدیل شده است. پر کردن شومینه با برگ های
سبز طبیعی یا مصنوعی و یا انواع شمع از روش های مناسب استفاده تزئینی از شومینه در
فصل گرماست. در دو طرف شومینه دیوار کمی عقب نشینی دارد که طراح به بهترین
شکل از آنها سود برده است و با ساخت و نصب جعبه های چوبی در این بخش از دیوار
فضای کافی و مناسب را جهت به نمایش گذاشتن وسایل دکوراسیونی ظریف که باید از

محوطه بازی بچه ها دور باشند تا تامین کرده است . علاوه بر این وسایل جعبه های چوبی تلویزیون را نیز در خود جای داده اند این جعبه ها در اندازه های متفاوت و از چوب MDF ساخته شده اند و با رنگ کرم رنگ آمیزی شده اند (با ارتفاع میان ۳۰ تا ۶۰ سانتی متر) و سپس بدون رعایت ترتیب خاص و قرینه ای در فرورفتگی دیوار در دو سوی شومینه نصب شده اند ترتیب غیرمنظم این جعبه ها در دو طرف شومینه نوعی بافت و جذابیت بصری بر روی این بخش از دیوار ایجاد می کند و خطوط صاف و هندسی این جعبه ها نمایی مدرن به اتاق می بخشد . یک جعبه دیگر از MDF با ابعادی به اندازه عقب نشینی دیوار در محل قرار گرفتن پنجره ساخته شده است این جعبه نه تنها اسباب بازی های کودکان را در خود جای داده بلکه با یک تشک ابری و چند کوسن به یک نیمکت دو نفره تبدیل شده است که ضمن افزایش جای نشستن در اتاق اسباب بازی ها را نیز به روشی هوشمندانه در خود پنهان کرده است. تشک ابری به در جعبه چوبی چسبانده شده است تا هنگامی که در جعبه باز و بسته می شود از آن جدا نشود .

مبلمان راحتی قبلی با تعویض روکش نمایی جدید یافته است. در بسیاری از موارد اگر ساختمان چوبی یا فلزی مبلمان شما هنوز محکم و سالم است تنها با عوض کردن پارچه روکش آن می توانید صاحب مبلمانی نو و جدید شوید و نیازی نیست با صرف هزینه بیشتر کل مبلمان را عوض کنید. ممکن است حتی روکش مبل را به صورتی بدوزید که مثل پیراهن مبل از آن جدا شود و به راحتی شسته و تمیز شود .

به خصوص این ویژگی برای مبل هایی که روکش روشن دارند راهکاری مناسب و کارآمد است. در این جا روکش کرم رنگ ساده برای مبلمان انتخاب شده است که با فضای روشن اتاق هماهنگی کامل دارد. میز دو طبقه وسط اتاق نیز با تغییر کوچکی در میان اتاق جای داده شده است .

طبقه پایین نیز بریده شده و به جای آن دو لوله فلزی نقره ای رنگ به صورت متقاطع در زیر میز نصب شده اند. رنگ میز هم به آن بافتی شبیه سنگ بخشیده است. این بافت در جاشمعی های روی میز و همچنین قاب های چوبی نصب شده به دیوار تکرار شده است . برای پوشش پنجره ها به جای پرده های بلند و معمولی که نصب شان بر روی پنجره های

زاویه دار با فرم پنجره این اتاق مشکل است از سایبان یا شید استفاده شده است که تنها روی قاب پنجره را می پوشانند. انتخاب سایبان به جای پرده امکان نشستن و استفاده از نیمکت داخل فرورفتگی پنجره را نیز فراهم می کند ضمن آن که نمایی مدرن به اتاق می بخشد

چنان که ملاحظه می کنید بیشترین تاثیر گذاری در این تغییر دکوراسیون شامل تغییر رنگ کلی اتاق و مجموعه رنگی به کار رفته در آن است همچنین با یک برنامه ریزی صحیح بدون صرف هزینه بسیار زیاد از ویژگی های غیر قابل تغییر اتاق مانند عقب نشینی دیوارها به بهترین نحو استفاده شده و آنها را به ویژگی های چشمگیر اتاق تبدیل کرده است.

دکوراسیون آشپزخانه:

علی رغم توجه به مسائل استاندارد، هنوز هم طرز ساخت و ابعاد لوازم آشپزخانه بصورت قابل ملاحظه ای در حال تغییر و تحول است. معمولاً اندازه ۲۰ تا ۱۲۰) cm در سطح ۵ سانتی) با ارتفاع ۸۵ سانتیمتر مناسب ترین اندازه است.



در یک آشپزخانه مهندسی ساز، تمام وسایل طوری چیده می شوند که غیر قابل تغییر بوده و دارای سطوح کاری و ذخیره مواد باشند. در این نوع آشپزخانه ها یک اجاق برقی و یک سطح پوششی دیگری وجود دارد .
 مواد مورد استفاده در آشپزخانه، معمولاً از جنس چوب-تخته چندلا-نئوپان و پلاستیک هستند .

روی سطوح چوبی رو باز را می توان با پوششی از لاک چوب یا روکشی از پلاستیک پوشاند. قفسه های آشپزخانه بصورت چوبی یا تخته ای با روکش پلاستیکی هستند، استفاده از قفسه های فلزی برای قرار دادن قابلمه و ماهی تابه بهتر است .
 در صورت کوچک بودن فضای آشپزخانه نصب درهای کشویی یا تاشو توصیه می شود .
 زیرا این درها در هنگام باز شدن فضای چندانی را اشغال نمی کنند .
 از کابینت های طبقه دار برای نگهداری ظروف بزرگ - سنگین یا وسایلی که از آن ها به ندرت استفاده می شود، می توان بهره گرفت. کابینت های دیواری عمق کمی دارند

بنابراین از سطوح کاری زیر آنها می توان بدون هیچ مشکلی استفاده کرد. با گذاشتن ظروف چینی داخل این کابینت ها فرد می تواند بدون خم شدن، آنها را بردارد و به آنها دسترسی داشته باشد. کمد های یکسره بلند برای نگهداری مواد پاک کننده و جارو و ... مناسب هستند. می توان یخچال های خانگی کوچک، اجاق گازها یا ماکروویوها را با ارتفاع مناسب روی آنها قرار داد .

سینک های ظرفشویی و تخته های آبگیری ظروف باید متناسب با داخل کابینت های طبقه دار باشند چون در داخل این کابینت ها می توان یک سطل زباله ماشین ظرفشویی و چیزهای مصرفی دیگر را (در صورت لزوم یک آبگرمکن برقی) جای داد .

وجود دستگاه مکش هوا در بالای اجاق الزامی است هودهای مکنده برای این کار بسیار مناسب هستند. یک تفاوت عمده بین سیستم مکش هوا و سیستم چرخشی وجود دارد و آن اینکه در سیستم های مکنده، باید حفره ای رو به بیرون تعبیه شود . این سیستم ها نسبت به سیستم های چرخشی کارآمدتر بوده و بیشتر مورد توجه افراد واقع می شوند .



ایجاد فضای کافی برای نگهداری و ذخیره مواد در آشپزخانه، باید به ابعاد کابینت ها و لوازم داخل آنها توجه کرد اجاق های گازی و برقی مدرن باید طوری طراحی شوند که متناسب با لوازم دیگر بوده و در مجموع باعث سهولت روند کار در آشپزخانه گردند. در

چنین محیطی باید از پریز به حد کافی استفاده کرد .
یعنی برای هر منطقه کاری و آماده سازی مواد غذایی یک جفت پریز کافی است .
استفاده از سینکهای ظرفشویی دو لنگه مناسب تر است چون از یک طرف آن رای
آبگیری ظروف و از طرف دیگر برای قرار دادن ظروف کثیف استفاده می شود .
علی رغم توجه به مسائل استاندارد، هنوز هم طرز ساخت و ابعاد لوازم آشپزخانه بصورت
قابل ملاحظه ای در حال تغییر و تحول است. معمولاً اندازه ۲۰ تا ۱۲۰) cm در سطح ۵
سانتی) با ارتفاع ۸۵ سانتیمتر مناسب ترین اندازه است .
در یک آشپزخانه مهندسی ساز، تمام وسایل طوری چیده می شوند که غیر قابل تغییر بوده
و دارای سطوح کاری و ذخیره مواد باشند .
در این نوع آشپزخانه ها یک اجاق برقی و یک سطح پوششی دیگر وجود دارد .
مواد مورد استفاده در آشپزخانه، معمولاً از جنس چوب-تخته چند لا- نئوپان و پلاستیک
هستند

روی سطوح چوبی رو باز را می توان با پوششی از لاک چوب یا روکشی از پلاستیک
پوشاند. قفسه های آشپزخانه بصورت چوبی یا تخته ای با روکش پلاستیکی هستند،
استفاده از قفسه های فلزی برای قرار دادن قابلمه و ماهی تابه بهتر است. در صورت
کوچک بودن فضای آشپزخانه نصب درهای کشویی یا تاشو توصیه می شود. زیرا این
درها در هنگام باز شدن فضای چندان را اشغال نمی کنند .
از کابینت های طبقه دار برای نگهداری ظروف بزرگ - سنگین یا وسایلی که از آن ها به
ندرت استفاده می شود، می توان بهره گرفت .



کابینت های دیواری عمق کمی دارند بنابراین از سطوح کاری زیر آنها می توان بدون هیچ مشکلی استفاده کرد. با گذاشتن ظروف چینی داخل این کابینت ها فرد می تواند بدون خم شدن، آنها را بردارد و به آنها دسترسی داشته باشد. کمدهای یکسره بلند برای نگهداری مواد پاک کننده و جارو و ... مناسب هستند. می توان یخچالهای خانگی کوچک، اجاق گازها یا ماکروویوها را با ارتفاع مناسب روی آنها قرار داد. سینکهای ظرفشویی و تخته های آبگیری ظروف باید متناسب با داخل کابینت های طبقه دار باشند چون در داخل این کابینت ها می توان یک سطل زباله ماشین ظرفشویی و چیزهای مصرفی دیگر را (در صورت لزوم یک آبگرمکن برقی) جای داد. وجود دستگاه مکش هوا در بالای اجاق الزامی است هودهای مکنده برای این کار بسیار مناسب هستند. یک تفاوت عمده بین سیستم مکش هوا و سیستم چرخشی وجود دارد و آن اینکه در سیستمهای مکنده، باید حفره ای رو به بیرون تعبیه شود. این سیستم ها نسبت به سیستمهای چرخشی کارآمدتر بوده و بیشتر مورد توجه افراد واقع می شوند. ایجاد فضای کافی برای نگهداری و ذخیره مواد در آشپزخانه، باید به ابعاد کابینت ها و لوازم داخل آنها توجه کرد اجاق های گازی و برقی مدرن باید طوری طراحی شوند که متناسب با لوازم دیگر بوده و در مجموع باعث سهولت روند کار در آشپزخانه گردند. در

- . چنین محیطی باید از پریز به حد کافی استفاده کرد .
- . یعنی برای هر منطقه کاری و آماده سازی مواد غذایی یک جفت پریز کافی است .
- استفاده از سینکهای ظرفشویی دو لنگه مناسب تر راست چون از یک طرف آن رای
- آبگیری ظروف و از طرف دیگر برای قرار دادن ظروف کثیف استفاده می شود.

دکوراسیون داخلی منزل:

همه ایده های تغییر دکوراسیون مستلزم صرف وقت و هزینه زیاد نیست. اگر به دنبال چند ایده برای طراحی دکوراسیون داخلی برای تغییر دادن خانه تان هستید، این ۱۰ مورد می تواند کمک تان کند.

۱ (چیدمان مبلمان و لوازم خانه را تغییر دهید؛ مبلمان را از کنار دیوار برداشته و سعی کنید آنها را در زوایای جدیدتر و گیراتر بچینید. مثلاً قرار دادن کاناپه به صورت مورب در یک اتاق نشیمن باریک باعث می شود که اتاق وسیع تر نشان دهد .

۲ (یک دیوار را رنگ کنید؛ یکی از دیوارهای مهم خانه که در معرض توجه نیز هست را به رنگ دلخواهتان رنگ کنید. تابلوها و لوازم هنری از آن آویزان کنید و مبل جدید و زیبایی در آن قسمت قرار دهید. (البته دقت داشته باشید که رنگ آن با سایر لوازم خانه هماهنگ باشد _____).

۳ (از گل و گیاه استفاده کنید؛ گل و گیاه می تواند حال و هوای تازه یی به خانه بیاورد. اگر علاقه یی به رسیدگی به گل و گیاه ندارید، می توانید از گل ها و درختچه های

- مصنوعی استفاده کنید. کیفیت گل های مصنوعی هم آنقدر خوب شده است که به سختی می توان آنها را از گل طبیعی تشخیص داد .
- ۴ (یک قالیچه محلی در نقطه یی بیندازید؛ قالیچه های محلی وسیله بسیار خوبی برای اتاق های گفت و گو و نشیمن به شمار می رود. قالیچه یی متناسب با اسباب و لوازم اتاق انتخاب کنید و آن را پایین میز بیندازید .
- ۵ (تابلو و آینه از دیوارها آویزان کنید؛ تابلوهایی آویزان کنید که شخصیت و روحیه شما را منعکس کند. سعی کنید از قاب های تزئینی تر و زیباتر استفاده کنید. هنگام آویزان کردن دقت کنید که تابلو از هر قسمت خانه قابل مشاهده و گیرا باشد .
- ۶ (مجسمه ها را در یک جا جمع کنید؛ مجسمه ها و پیکره های کوچک و مرتبط با هم را در قسمتی از خانه که مورد توجه است کنار هم قرار دهید. این مجسمه ها را به صورت های فانتزی و متنوع بچینید .
- ۷ (از کوسن های تزئینی استفاده کنید؛ این بالشک ها و کوسن های تزئینی به سادگی رنگ و بوی جدیدی به خانه می دهد و مبلمان منزل را نیز باشکوه تر جلوه می دهد .
- ۸ (لامپ ها و لوسترها را عوض کنید؛ لوسترها و لامپ ها جزء وسایلی هستند که خیلی زود بر بیننده آشکار می کنند که سبک چیدمان خانه تان قدیمی است یا جدید. به دنبال لوسترهایی باشید که جدیدتر و فانتزی باشند و ضمناً با لوازم و رنگ بندی خانه تان نیز هماهنگ باشند .
- ۹ (لحاف ها و روانداها نیز مثل کوسن های تزئینی به اتاقان رنگ می دهد . این روانداها و روتختی ها در انواع جنس ها و رنگ ها موجود است. با توجه به روحیه و سلیقه خود زیباترین را انتخاب کنید .
- ۱۰ (لوازم اضافی را از جلوی دید بردارید؛ وسایل و لوازم اضافی باعث از بین رفتن جلوه اتاق می شود. برای برکه ها، اسباب بازی بچه ها و سایر اسباب و وسایلی که شکل اتاق را برهم می زند، جای مخصوصی تدارک بینید .
- تزئین اتاق کودک

تزئین اتاق کودک باید مهیج و فانتزی باشد. اولین چیزی که باید در دکوراسیون بندی اتاق کودکتان به آن توجه داشته باشید، این است که این تزئینات باید مطابق با سن و

روحیه کودکان تان انجام گیرد. نباید اتاق فرزند ۳ ساله تان را مثل اتاق دختر ۱۳ ساله تان تزئین کنید. البته منظور این نیست که باید هر سال با بالا رفتن سن فرزندتان تزئین اتاق او را به هم بزنید. منظور این بود که باید اتاق کودکان را با توجه به گروه سنی آنها دکور بندی کنید

● رنگ های متناسب برای اتاق کودک

بینید کودکان به چه رنگی علاقه دارد. اگر هنوز سنش به حدی نرسیده که بتواند به خوبی صحبت کند، یک جعبه مداد رنگی در جلویش بگذارید تا خود یکی از رنگ ها را که دوست دارد انتخاب کند. کودکان بزرگتر خود می توانند به شما بگویند که دوست دارند اتاق شان چه رنگی باشد. یادتان باشد که اولویت با علاقه خود بچه هاست. سعی نکنید مدل و رنگ دلخواه خودتان را به زور به بچه ها تحمیل کنید. شخصیت آنها از همین سنین شکل می گیرد و اتاق شان می تواند آینه خوبی برای نشان دادن شخصیت شان باشد. البته منظورم طرح و رنگ های غیر معقول آنها نیست. باید محدودیت تعیین کنید اما باز آنها را در انتخابشان آزاد بگذارید

● اتاق کودکان را با ابتکار تزئین کنید

از تخیل و ابتکارتان استفاده کنید و از کودکان نیز برای رنگ کردن اتاق ها کمک بخواهید. دیوارهای اتاق می تواند به طرز مبتکرانه یی با نقاشی های کودکان تزئین شود. می توانید از آلبوم ها و عکس های ویژه در مجلات و اینترنت در این زمینه کمک بگیرید. دکوپاژ نیز برای خلق یک اتاق رویایی و خاص برای کودکان کار جالبی است.

● مبلمان اتاق کودک

با وجود طراحی های جالب و خاص برای مبلمان اتاق کودک موجود در بازار، کار شما کمی ساده تر شده است. می توانید اتاق دخترتان را مثل اتاق پرنسس ها صورتی و رمانتیک تزئین کنید. می توانید اتاق پسران را شکل قهرمانان یا اتومبیل سواران طراحی کنید که مثلاً تختخوابش به شکل ماشین مسابقه باشد. یا بسیاری طرح های دیگر که مطابق با علاقه و روحیه کودکان نیز باشد. دقت کنید که بسیاری از اثاثیه اتاق را خودتان نیز می توانید بسازید. پس زیاد تو خرج نمی افتید.



راهبرد هایی در طراحی داخلی:

کلمه وسیله ایست برای شاعر تا احساسات و نقطه نظرهای خود را بیان کند , صوت ابزاری است برای تحلیل هیجانات روحی و الهامات آهنگ ساز و بلاخره خط , شکل , فضا , بافت , نور و رنگ عواملی هستند برای عینیت بخشیدن به درون مایه نقاشان , پیکر تراشان و معماران. نقاش در صفحه دو بعدی , پیکر تراش بر حجم سه بعدی و بلاخره معمار داخلی در فضای درونی ساختمان با بکارگیری همین عوامل در معنا دادن به فضا و کار خود میکوشد .



از معماری رحم تا گور , انسان پیوسته خود را در فضاها می یابد , اما کمتر فضائی را می یابد , که از شان بالقوه انسانی نشات گرفته باشد. پس از انقلاب صنعتی معماری در شکل کلی و شهری جلوه خود را از دست داد ; معماری شکل سطحی و غیر کالبدی به خود گرفت و روح بلند فضاهاى داخلی به حس غریبی بدل شد. که حتی نیاز های اولیه برای انجام فعالیت های روزمره را نیز بر آورده نمی ساخت. بی گمان معماری داخلی , ماهیت خود را از ارتباط با درونی انسان به دست می آورد. از این رو , با روحیه انسان رابطه مستقیمی دارد و توان تاثیرات عمیق تری را نیز میتواند دارا باشد. پس امروزه باید با نگاهی تازه تر به اطراف نگریم انسان فقط یک وجود فیزیکی ساده که به جا و مکان نیاز داشته باشد نیست , بلکه پاسخهای احساسی وی نیز از اهمیت فراوانی برخوردارند. همچنانکه که دانش انسان نسبت به خود و محیط اطرافش گسترش می یابد , حوزه دید او از زندگی و امکانات آن نیز وسیع تر میگردد و به دنبال ایجاد نظم در دنیای اطراف خود میگردد و آنگونه نظمی , منظور و مطلوب خواهد بود که بتواند بیشترین سازگاری را با طبع و روح انسان برقرار کند. روابط زیبا ترین اجزاء گوناگون همیشه به روح انسان اثری ذلپذیر می گذارد , وجوه زیبایی نظم فع الواقع در هنر فشرده گردیده , واجد معنی ویژه ای می

گردند و این تجمع عناصر زیبایی شناسی و انسانی است که به فضا شخصیتی ویژه اعطاء می کند .



انسان در طول تاریخ اشیائی را با استفاده از تناسبات مرتبط با بدن خود خلق نمود تا مورد استفاده قرار دهد و این مسئله باعث پیدایش علم طراحی شد گسترش و پیشرفت سریع تکنولوژی و شهرنشینی موجب شد تا علم طراحی نیز دائماً در حال تغییر و تحول باشد. اگر مدل و یا طراحی در یک دوره مورد توجه قرار گیرد به این دلیل است که بر اساس نیازهای زمان خود طراحی شده است از این رو طرحهای دکوراسیون و الگوهای آن همواره با تغییراتی کلی و جزئی هموار هستند باید به گونه ای طراحی شود که منطبق با خواسته های درونی انسان باشد ، هدف اصلی از انجام دکوراسیون ، بالا بردن زیبا سازی فیزیکی و هماهنگی آن با احساسات درونی انسان میباشد که جز با تاکید بر روابطی چون عاملیت و عملکرد با فرم و... و همچنین به وسیله عناصر متعلقه و مرتبطی چون رنگ ، بافت و... میسر و مقدور نمی باشد. طراحی داخلی با بکارگیری عناصر فوق سعی در بهینه سازی فضاها و دست یابی به کار آیی و کارکرد مناسب در کنار زیبایی و معانی و معناها می باشد. طراحی داخلی با ایجاد مجموعه ای از بایدها و نبایدها ، کثرت ها و کاستی ها ،

و قرار دادن فرم در برابر فرم و فضا، هندسه در برابر طبیعت، داخل در برابر خارج و همچنین قدرت و منطق مردانه از یک سو و احساسات زنانه از سوی دیگر می‌کوشد ارتباط معنایی و فرمال (formal) را مفهوم بخشد. در واقع طراحی داخلی به وسیله این ترکیب می‌خواهد به اهداف مورد نظر خود در طراحی فضا دست یابد. طراحی داخلی در ایجاد فضایی مطلوب و دلنشین برای افراد جامعه نقش موثر دارد. محیط مناسب یعنی فضایی که بشر در آن بتواند فارغ از فشارهای ناخواسته روانی رشد کرده و شکوفا شود و این از خواسته‌های عقلانی و منطقی هر جامعه است. بنابراین، هدف طراحی داخلی بهبود عملکرد فیزیکی و روانی و دست‌یابی به اصول زیباشناسی فضای داخلی است. در این میان، اصولی که در طراحی با هدف ایجاد فضائی معمارانه در نظر گرفته می‌شود، در ۹ عنوان زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:



۱. **فرم:** بافت و فرم مهمترین نقش را در آذین و دکوراسیون بر عهده دارند آنها زیبایی و عملکرد را به برنامه خود می‌افزایند. انتخاب بافت و فرم از سبک معماری و محدودیتهای محیطی و همچنین اولویتهای شخصی متأثر خواهد شد. بدون شک گزینه‌های امکانپذیر زیادی وجود دارد که وظیفه تعیین فرم را دارند اگر به نقش این قواعد

توجه کنیم آنگاه میتوانیم انتخابی آگاهانه و هوشمندانه داشته باشیم و بدین گونه خطاهای بصری را میتوان شناسائی کرد. فرم‌ها می‌توانند در نگاه ما به تناسب اثر بگذارند. به وسیله دنباله این قواعد خردمندانه خواهیم توانست فرم مناسب را برای افزایش فضا انتخاب کنیم.

۲. رنگ: یکی از ملاحظات روانشناختی رنگ که در کاربرد هنری رنگ اهمیت دارد، بررسی تأثیر متقابل رنگ‌ها است. جلوه یا اثر هر رنگ در جوار رنگ دیگر تغییر می‌کند هر رنگ نسبت به دیگری میزان تیرگی یا روشنی ذاتی‌اش را می‌نمایاند. معکوس کردن این ترتیب طبیعی، ناسازگاری رنگی به بار می‌آورد. رنگ‌های سرد، مختصر کاهش در دمای بدن نگرنده ایجاد می‌کنند و رنگ‌های گرم باعث مختصر افزایش دمای بدن می‌شوند. به لحاظ بصری، رنگ گرم پیش می‌آید و رنگ سرد پس می‌نشیند. رنگ‌های درخشان به تنهایی جذاب هستند اما اگر در یک الگو یا ردیفی منظم قرار گیرند از نظر بصری تأثیر بیشتری خواهند داشت. این نوع آرایش یک ساختار ساده را بر این رنگ‌ها حاکم میکند و در نتیجه یک مفهوم و یا نوعی نظم را، ورای حضور محض رنگ‌ها، منتقل خواهد کرد. همچنین رنگ‌ها میتوانند به نگاه ما نسبت به بافت‌ها تأثیر بگذارند. بافت‌هایی با کنتراست بالا یک احساس فعال و پرنرژی ایجاد می‌کنند و رنگ‌ها را برای ایجاد محیطی آرام محصور میکنند.



۳. بافت: کلیه مواد و اجسام دارای نوعی بافت داخلی و ساختمانی هستند. بافت را توسط دو حس لامسه و بینایی میتوان تشخیص داد. در کارهای هنری بافت های ملموس و بصری ممکن است با هم تلفیق شوند و یا از یکدیگر متمایز گردند. نیاز به بافت در محیط اطراف احتیاجی برای انسان است. طبیعت، مملو از اثرات بافتی زیبا است. اماکن پر بافت موجب فشار ذهنی و آشفتگی خاطر میگردند و متقابلاً محیط های یکنواخت اثرات بدی و کسالت باری بر انسان باقی می گذارند. بکارگیری طبیعی مواد، لذت بصری بیشتری دارد. پاره ای بافت ها، ظریف و زیبا و برخی دیگر خشن و ناهنجار بنظر میرسند. تضاد، بر میزان زبری یا ظریف، به نظر آمدن یک بافت، اثر می گذارد. بافتی که در برابر یک پس زمینه صاف دیده میشود، شفاف تر از هنگامی است که در مجاورت بافتی مشابه قرار داده می شود؛ کما اینکه هنگام دیده شدن در برابر یک پس زمینه زبر تر، نرم تر و با مقیاسی کوچکتر به نظر خواهد رسید.

۴. نور: نور اصلی ترین عامل پویایی یک فضای داخلی است. بدون نور، فرم، رنگ، و یا بافت قابل دیدنی وجود نخواهد داشت. و نه هیچگونه حصار مریی جهت فضای داخلی. بنابراین، نخستین عملکرد طراحی نور، روشن کردن فرم ها و فضای یک محیط

داخلی و نیز اجازه به کاربردهای فضا است تا فعالیت ها و وظایف خود را با سرعت و دقت و راحتی در خود انجام دهند. نور بر ادراک ما از بافت تاثیر میگذارد و در عوض و خود هم توسط بافتی که آن را روشن می کند ، تحت تاثیر قرار می گیرد. نور مستقیم که روی سطحی با بافت فیزیکی می تابد ، بافت دیداری آن را افزایش میدهد ؛ در حالی که نور پراکنده ، بافت فیزیکی را تشدید کرده و حتماً می تواند ساختار سه بعدی آن را مبهم نماید. نحوه چیمان منابع نوری و الگوهای روشنایی ساطع شده توسط آنها بایستی با جنبه های معمارانه ی یک فضا و الگوهای کاربردی آن ، هماهنگی داشته باشند. از آنجا که چشمان ما همواره در جستجوی درخشنده ترین اشیاء و پرتحرکترین تضادهای سایه و روشن در میدان دیدشان می باشد ، این هماهنگی در طراحی نورپردازی متمرکز سطح کار ، اهمیت ویژه ای می یابد.

۵. بازشوها: بازشوها ، سطوح را از نظر بصری مجزا می کنند و آنها را به طور انفرادی تفکیک مینمایند. هر چه بر اندازه و تعداد این بازشوها افزوده شود ، بسته بودن فضا کمتر احساس می گردد ، فضا بازتر می شود و شروع با ادغام با فضای مجاور می کند. تاکید بصری بیشتر روی سطوح محصور کننده است تا حجم تعریف شده توسط این سطوح. و از آنجا که شدت تابش نور خورشید برای ما تقریباً و جهت آن قابل پیش بینی می باشد ، چگونگی تاثیر آن بر وجوه ، فرم ها و فضا های یک اتاق از نظر بصری به وسیله اندازه ، محل قرار گیری ، و جهت پنجره ها و نور گیری آن اطاق تعیین میشود. برای تعیین نوع نور طبیعی ای که یک اتاق میگیرد و جهت پنجره یا نور گیری میتواند مهمتر از اندازه آن باشد.

۶. خط دید در فضا: آسمان در روز توسط خط افق از زمین جدا می گردد. در شب اشکال سماوی و ستارگان وجه تمایز آسمان از زمین هستند. فضای داخلی نیز توسط دیوار ها و سقف شکل گرفته ، از فضای بیرون مجزا می شود. فضا و شکل دو عنصر جدا ناشدنی اند ، زیرا تمام اشکال در فضا تحقق می یابند و در همان حال فضا را اشکال ، شکل می دهند. در معماری ، تفاوت های ناگهانی شکل ها در جهات بالا و پایین و یا در عرض و طول ، فضایی پر هیاهو و فعال بوجود می آورند. به وسیله دکور و مبلمانی که بر ارتفاع خاصی تاکید ندارند و با تعادل و نظم و وحدتی بدیع در میان کف و سقف می توان

تحرك بیشتری در فضا ایجاد کرد و از کسالت فضائی کاست و همچنین اثرات بیانی آنها نیز وسیع تر خواهد شد. آنها چشم و روح را به سرعت و به طریقه الهام بخشی به بالا هدایت می نمایند و بر راسی استوار میگردند. وضع بی دوام یافته و کسالت آور را پایان می بخشد و گویای کنشی مستمر خواهند بود. اشکال اگر بزرگ و منظم و یکسان باشند فشار قابل توجهی به وجود می آورند، اگر کوچک و نا منظم باشند ممکن است قدرت خود را با دفع شدن نیروهای شیئی بلند تر از دست بدهند. بهمین سبب مقیاس و تناسب در رابطه با مبلمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۷. مبلمان: از این رو با مبلمان و رنگی متناسب خواهیم توانست ترکیب بندی با ثبات داشته باشیم. هر ترکیب بندی را میتوان کارآمد دانست به شرط این که عناصر صحنه به طور موثر با بینندگان مورد نظر آن، ارتباط برقرار کند. در اغلب موارد، نکته اساسی در شناسایی عناصر کلیدی صحنه نهفته است تا با نظم مبلمان و میزان نور، آنها را از دل سایر عناصر تصویری متفرقه، بیرون بکشید. همین اشیاء مزاحم، صحنه ها را مخدوش میکنند و همچنین، بهتر است به جای تمرکز زیاد روی جزئیات خیلی خاص، تنها روی ساختار کلی صحنه تمرکز کنید. چرا که تاثیر آنها در مقابل ترکیب بندی عمومی، بسیار سطحی است. منظور از مبلمان کارآمد مبلمانی است که نه تنها فضا را تزئین کرده و آن را از لحاظ زیباشناختی میاراید، بلکه دارای کارایی و عملکرد مناسب و متناسب باشد. این عناصر می توانند از لحاظ دیداری برای چشمان ما لذت بخش، برای قوه لامسه ما جالب و یا محرکی برای ذهن باشد.

۸. عملکرد فضائی و محدودیت ها: عنصری که در شروع باید مدنظر قرار گیرد عملکرد و نحوه استفاده از فضای داخلی است. یک چهار دیواری میتواند به عنوان اطاق خواب "نشیمن" اطاق بچه "اشپزخانه" یا دفتر کار شخص معین برای فعالیت مشخص قرار گیرد ضروری است با استفاده از عواملی چون نورپردازی و چیدن مبلمان تقسیم گردد تا عملکرد هر یک دقیقاً مشخص گردد. شکل و نظم اثاثیه می تواند همچون دیوارها در یک فضای بزرگ ایجاد نوعی محصوریت کرده و الگوهای خاصی را به نمایش بگذارد. حتی یک عنصر تنها قادر است از طریق فرم، اندازه و شکل خود، فضای را تحت الشعاع قرار داده و حوزه فضایی را نظم بخشد. همچنین نور و الگوهای تاریک و

روشن آن باعث می شود تا قسمتی از فضا جلب نظر کرده و در عوض از اهمیت سایر قسمت ها کاسته شود و در نتیجه ، فضا از این طریق تقسیم بندی می شود. بنابراین با افزایش عناصر یک طرح ، روابط فضایی نیز تنوع می یابند. این عناصر ، درون مجموعه ها و دسته هایی قرار میگیرند که هر کدام نه تنها فضا را اشغال میکنند بلکه بیانگر یا مشخص کننده فرم فضایی نیز هستند. در نهایت شکل گیری فضا به نحوه ی استفاده ما از آن فضا بستگی قاطع دارد. ماهیت فعالیت های ما و نحوه انجام آنها بر طرح ، نظم و سازمان دهی فضای داخلی تاثیر میگذارد .



به سائز و مقیاس د.ر فضا توجه نمائید.امكانات و حس فضائى بزرگ در فضائى كوچك به ما احساس عظمت میدهد.

۹.مقیاس در فضا : به سائز و مقیاس در فضا توجه نمائید.امكانات و حس فضائى بزرگ در فضائى كوچك به ما احساس عظمت میدهد.مقیاس انسانی ، به حس بزرگی اطلاق میشود که یک شی به ما میدهد.اگر ابعاد یک فضای داخلی یا اندازه ی عناصر داخل آن برای ما حس کوچکی القاء کنند ، می توانیم بگوییم آنها فاقد مقیاس انسانی هستند.از طرف دیگر ، در صورتی که عناصر یک فضا از طریق نیازهای ابعادی مربوط به دسترسی

و فواصل ایمن یا حرکت ، تناسب راحتی را برای ما فراهم کرده یا به نظر کوتاه نیایند ،
میتوانیم بگوییم دارای مقیاس انسانی است .

این یاداشت در مجله تجهیزات ساختمان (ویژه نمایشگاه معماری داخلی) شماره دی
ماه ۱۳۸۴ و همچنین چکیده ای از آن در روزنامه همشهری مورخ پنج شنبه ۸ دی ۱۳۸۴ با
عنوان خانه دلپاز به چاپ رسیده است.

طراحی اتاق کودک:

چگونگی به دنیا آوردن فضای معماری به گونه ای که بتواند برانگیزاننده غرور شود و
میان آنچه ماده یی شده و میان آن کس که به بهره وری از آن پرداخته، پلی بسازد که بر
روی آن بتوان دو سویه حرکت کرد، مشروط از عاملیت و عملکرد است که بدون کنش
, تدبیر و ابداع تحقق نمی یابد. عاملیت و عملکرد فضاها را تغییر میدهند و نهایتاً کنش به
سوی آن تجربه های انسانی و زیبایی شناسی را دگرگون خواهد کرد.



امروزه ، کنش ، تدبیر و ابداع و مفهوم گرایی ، در نمودها و دغدغه های انسانی که هستی اش را می سازد اهمیتی خاص یافته است و دیگر جایی برای کسانی که خود را اربابان تفکر و معمار می دانستند ، وجود ندارد. امروزه از مهمترین نمودها و دغدغه های جامعه رشد ، تعالی و پویایی انسانهاست. انسانی که بدون شک آینده ساز فردا خواهد بود. انسانهایی که در ایجاد محیطی جهت رشد و تعالی کودک که همانا پایه و اساس آن از بدو تولد شروع به شکل گیری میکند ، در فراهم کردن محیطی مناسب برای او میکوشد. فرآیند رشد انسانها ، در کودکی ، تاثیر بسزایی در شخصیت آنان دارد. عقیده بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این است که شخصیت هر انسان در ۷ سال اول زندگی او شکل می گیرد ، فرآیند رشد کودک در سالهای اولیه زندگی متاثر از عوامل بسیاری است. فعالیت ، به عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک فرآیندی است که در ارتباط با فضا و محیط کودک ، رشد همه جانبه او را موجب می گردد. فضاهای مرتبط با فعالیت کودکان باید دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ، ذهنی ، عاطفی و اجتماعی آنان باشد. تحقق این امر از طریق بکارگیری المانهای طراحی معماری ای که منطبق با شرایط جسمی و روانی کودک باشد ، امکان پذیر است.



طراحی اتاق کودک می بایست با روحیه کودک در تطبیق باشد و باید طوری طراحی شود که تا مدرسه رفتن کودک مورد استفاده قرار گیرد از این رو در طراحی فضاهای کودکان، شناخت کودک اهمیت خاصی می یابد. و از آنجائی که کودکان دنیای تخیلی خاص خویش را دارند، بسیاری از آنان در سنین زیر ۷ سال، دنیا را آنطور که باید باشد مجسم می کنند، نه انگونه که هست. و همین امر باعث میشود محیط کودکان آن فضائی نباشد که معمار بدون شناخت، آن را طراحی می کند. آنچنان که وقتی معماری بر نمود های سنتی زندگی از طریق تفاوت های مفهومی تاثیر می گذارد، بر خوردهایی مطرح می شود که قبل از آن بطور کامل پنهان بودند و این چنین است که آشکار و هویدا می شوند.

شکل کلی فضای معماری کودکان از عناصری منحصر بفرد، برجسته و آنچه بر انگیزنده احساسات وی است، سرچشمه می گیرد. اشکال خالص هندسی رفتار ادراکی کودک را مورد توجه قرار می دهند و اجازه نمی دهند تا مفاهیم گوناگون در جزئیات تصویری کودکان مدفون بماند. نقاشی های کودکان نشان میدهد که کودکان در تصوراتشان، فضا را چگونه می بینند. آنها بطور دقیق و کامل، (بعنوان کاربر) فضا را قبول کرده و آن را با جزئیات در ترسیماتشان بیان می کنند، که خود مایه تعجب است.

کودکان معمولاً دوست دارند در مورد اینکه که اتاقشان چگونه دیده میشود ، بحث کنند. آنها اظهارات مهمی می نمایند و نظراتی در باره رنگ اتاق و دیوارها و مبلمان مناسب خود را بیان می کنند و میخواهند در مورد آنها تصمیم پذیری شود. بدینگونه کودکان فرضیه طراحان را قطعی خواهند کرد. این فرضیه اساس طراحی خواهد بود که تصور کودکانه ، اشکال معماری و شاخص مخصوص به خود را بر می انگیزد ، مثل آنچه که ، اینگونه توسط کودک بیان می شود : شبیه به ماهی است ، سر و چشم دارد ، مثل قایق است است اما بدون پارو . اتاق کودک قلمروئی مخصوص به آنان است. آنجا برای آنان همچون جهان بزرگ تصور می شود. آنان در آنجا به موسیقی گوش فرا می دهند ، بازی می کنند ، در رویاهای خود فرو می روند ، کتاب می خوانند و.....



از این رو کودک هواره در حال جنبش و جنیدن است و دوست دارد کنجکاوی و کاوش را همراه با بازی در دنیای خود انجام دهد ، بنابراین محیط اطرافش باید مطابق با فعل و انفعال درون کودک باشد و حواس و حس کنجکاوی او را بر انگیزد. از این رو بهترین فضاها جهت کودکان می بایست ، رنگارنگ ، جاذب ، پر مشغله و منظم ، پر

نشأت ولی با این حال آرامش بخش و در عین حال بی خطر باشد. نائل گشتن بدانها تنها بوسیله برنامه ریزی دقیق میسر خواهد بود. از این رو با مد نظر گرفتن المان های زیر خواهیم توانست در ایجاد محیطی مناسب و متناسب با حال و هوای آنان و هر آنچه در رشد و تعالی آنان تاثیر گذار است ، فائق گردیم.

۱.مشورت: با کودک خود صحبت کنید. و فعالیتهای مورد علاقه او را بیابید و توجه نمائید او از چه چیزهایی لذت می برد. از صفات منحصر بفرد او به دقت مطلع شوید. و بیابید که دوست دارد محیطش چگونه آراسته شود. کودکان باید کمک کنند تا محیط خود را بیا فرینند ، بدین گونه آنها یاد می گیرند ، مسئولیت پذیر بوده و برای بشمر رساندن کیفیت استعداد و جودی خود کوشش نمایند.

۲.قیاس و مبلمان: طراحی فضای منطبق با شرایط کودک کان به طور قطع بستگی به شناخت کافی از ویژگی های رشد آنان دارد. خصوصیات جسمی و روانی کودک کان در مراحل مختلف رشد ، اساس برنامه ریزی فضا و طراحی برای آنان است. اندازه میز و صندلی ، کمد های اسباب بازی و نیز ارتفاع مناسب دستگیره درها ، دستشویی ها ، شیر ها و .. ضروری است. اگر فضا و عناصر آن متناسب با اندازه های کودک کان باشد ، آن ها به سادگی می توانند از فضا ها و وسایل مربوط به خود استفاده کنند. قطعات متنوع مبلمان ، نیمکت ، میز و صندلی ، تابلوها ، قفسه ها و غیره ای که با مقیاس و در حد و اندازه آنان ساخته می شود ، اغلب برای هر بازی شکل ویژه ای بخود می گیرند.

۳.تقسیمات فضا: اتاق کودک باید به طریقی چند منظوره طراحی شود و از آنجائی که کودک کان از اتاقشان برای بسیاری از فعالیتهای در کنار استراحت و خواب استفاده می کنند ، تقسیمات و قلمرو های خاص و مشخص خود را طلب می کند. از قبیل فضائی برای مطالعه و بازیهای مهیج و همچنین فضائی برای سرگرمی. فضای بازی باید در کنار فضای خواب و استراحت کودک و در ارتباط مناسب با آن طراحی شود. تجهیزات مورد نیاز در فضای بازی شامل: قفسه و صندلی ، پارک کودک و است.

۴. محدودیت ها: کودک در این مرحله کنجکاو و بی باک است. تا آنجائیکه آنها هیچگونه اطلاعی از خطر ندارند. از این رو با ایجاد قفسه ها نه تنها اشیائی مانند بطری و دارو در ارتفاعی مناسب و بدور از دست کودک در امان است بلکه محیط نیز نظمی دوچندان می یابد.

۵. رنگ: رنگهای روشن به چشم بچه ها با شکوه هستند. برای دیوارها از کاغذ دیواری رنگی و یا رنگ شاد استفاده کنید. و رنگ و بافت را به آنها اضافه نمائید. میتوانیم حریم ها و همچنین لبه های دیوار را مشخص و برجسته نمائیم. و ابرها و ستارگان را بر سقف اضافه نمائیم. کودکان رنگهای تابناک و درخشان را دوست دارند. اما شما میتوانید با به کار بردن رنگهای شاد و تابناک در روی هر دیوار محدودهای رنگی را نیز معین کنید. رنگهای شاد و شفاف و آزاد، تصور کودکان را بر می انگیزند و آنان را به آفرینش و خلاقیت را تشویق می کنند. همچنین پیدایش یا ظهور دیوارهای روشن از قبیل استفاده از کارکترهای کارتونی و مانند آن در دیوارهای اتاق های کوچک می تواند بسیار مفید باشد.

۶. روشنایی: فضاهائی با نور طبیعی و شفاف اثر مثبت بر کودکان دارند. بعبارت دیگر اتاق های تاریک با نور مصنوعی و نامناسب اثر منفی در پی خواهند داشت. از این رو گزیدن نحوه و میزان روشنایی در اتاق کودک اهمیتی بس مهم را ایفا مینماید و تاثیر مهمی در خواندن و نوشتن و ایجاد آرامش و تمرکز آنان دارد. نور مناسب فضا را جهت محیطی آرام و مناسب جهت مطالعه محصور می نماید. بررسی تاثیر میزان نور در شب نیز در روحیه آنان حائز اهمیت است.

۷. پنجره ها: پنجره و جهت آن در اتاق کودک اهمیتی ویژه دارد. از طریق آن نور شمالی به داخل می تابد و شادابی و سحرخیزی را به بار می آورد. کودکان پنجره هایی را که در تقابل و مرتبه چشمانش است را بیشتر دوست میدارد، بطوریکه ایشان مجبور نیستند برای نگاه کردن به خارج قد بکشند. از سوی دیگر کودکان از میان پنجره ها حرکت

خورشید را دنبال می کنند تا زمانیکه به محل مشخصی برسد و غروب کند ، فعالیت های خود را خاتمه می دهند.

در گردهاگرد این عناصر کودکان بازی می کنند و از این طریق از تصوراتشان بهره می برند تا دنیای خودشان را بیافرینند. از این رو با ایجاد کنش و واکنش و ایجاد کنجکاوی خواهیم توانست کودک خود را به فکر فرو ببریم. ایجاد کنش دنیای جدیدی را بر روی کودک خواهد گشود. و او را در شناخت هر چه بیشتر پیرامون و دنیای پر رمز و راز خود تشویق خواهد نمود. آنجنانکه که معماری و عناصرش برانگیزنده نیروی حرکتی و تشویقی خواهند بود و آن هنگام دیگر پایانی بر این باور نخواهد بود.

دکوراسیون اتاق انتظار:

معمولا با مطرح شدن موضوع دکوراسیون، همه اذهان به سمت و سوی شرایط محیطی یک خانه سوق داده می شود در حالی که دکوراسیون موضوعی گسترده است که می تواند تک تک فضاهایی را که ما در طول زندگی مان با آنها سروکار داریم پوشش دهد. یکی از همین مکان ها را که به بهانه روز پزشک به آن خواهیم پرداخت، اتاق انتظار مطب پزشکان و یا مراکز درمانی است .

در دکوراسیون محیط های درمانی، موارد گوناگونی همچون پوشش های فضاها، لوازم گرمایشی و سرمایشی، لوازم دکوراسیونی، نورپردازها و غیره همگی می بایست تا حد امکان با نیازهای بیماران مراجعه کننده مطابقت داشته باشد .

- پوشش های فضا: به طور کلی برای پوشش سطح دیوارها و کف یک محیط درمانی

که انواع و اقسام آلودگی ها و میکروب ها در آن وجود دارند، قابل شست و شو بودن، از جمله مهم ترین و ضروری ترین خصوصیت مورد نیاز محسوب می شود. بنابراین طبیعی است که کاربرد رنگ های پلاستیکی و همچنین کاغذهای دیواری برای اغلب مکان ها رد خواهد شد مگر آنکه کاغذ دیواری تا حدودی قابل شست و شو بوده و در سطح بالای دیوار و دور از دسترس همگان به کار برده شده باشد و فضای زیرین آن را پوشش های قابل شست و شویی مانند رنگ های روغنی و یا دیوارپوش های پلاستیکی و یاسنگ و سرامیک در بر گرفته باشند .

البته رعایت این موضوع در مورد مطب های پزشکان به اهمیت اتاق انتظار در مراکز درمانی بزرگ مانند بیمارستان ها و درمانگاه ها نیست. در میان رنگ ها نیز رنگ روغنی آن هم از نوع براق تر مناسب ترین انتخاب رنگی جهت پوشش دیوارهای این قبیل مکان ها است. زیرا هر چه میزان رنگ روغنی براق نسبت به مات بیشتر باشد، سطح صیقلی تر بوده و در نتیجه شست و شوی آن راحت تر امکان پذیر خواهد بود .



● توصیه: با نصب زه های چوبی و یا پلاستیکی بر روی دیوارهایی که پوشش رنگی برای آنها انتخاب شده است، آن هم در ارتفاع متناسب با ارتفاع پشتی صندلی و محل برخورد

احتمالی با دیوار، از آسیب دیدگی های حاصل از این گونه برخورد ها می توان جلوگیری کرد

از دیوارها که بگذریم کف ها نیز از جمله مهم ترین سطوحی هستند که به راحتی در معرض آلودگی قرار می گیرند لذا می بایست به پوشش قابل شست و شوی آنها نیز توجه کرد. در همین راستا سنگ و سرامیک بهترین انتخاب به حساب می آیند . البته در مورد مطب های خصوصی، پوشش کف با کفپوش های HDF لمینیت شده نیز بلامانع است زیرا امکان استفاده از مواد شوینده و ضد عفونی کننده به وسیله انواع و اقسام تی ها برای تمیز کردن آنها وجود دارد به شرط آنکه آب به طور مستقیم استفاده نشده و نسبت به خشک کردن سطح آن نیز به سرعت اقدام شود .

● لوازم دکوراسیونی و کاربردی: در اتاق انتظار یک مطب و یا مرکز درمانی به طور قطع تعدادی صندلی و چند میز برای همراهان و خود بیماران لازم است که راحت تر بودن این صندلی ها برای نشستن حتی طولانی مدت، به صبوری در انتظار کمک می کند. بنابراین برای چنین محیط هایی صندلی ها و یا مبلمان هایی مناسب هستند که ارتفاع سطح نشیمنگاه تا زمین زیاد نباشد. هر چه این میزان در محدوده استاندارد خود کمتر باشد، فرد به هنگام نشستن احساس راحتی بیشتری می کند .

■ نکته ۱: با توجه به نوع بیماری و وضعیت جسمی اغلب بیماران مراجعه کننده و تخصص پزشک، در صورت نیاز می بایست تختی نیز برای بیماران بدحال در گوشه ای از سالن و یا در اتاق دیگری در نظر گرفته شود .

■ نکته ۲: به جای پارچه برای روکش صندلی ها و یا مبلمان، چرم های مصنوعی را برای این منظور انتخاب کنید تا شست و شو و ضد عفونی آن امکان پذیر بوده و آلودگی ها به راحتی تمیزی شوند

رنگ پوشش ها: هنگامی که در مورد رنگ یک فضا بحث می کنیم، تنها به رنگ سطوح ثابت آن مکان یعنی دیوارها، درها و کف محدود نمی شود بلکه پالت رنگی یک محیط تمام رنگ های به کار رفته در لوازم و سطوح را در بر می گیرد لذا برای انتخاب لوازم دکوراسیونی و کاربردی، علاوه بر موارد لازم جهت در نظر گرفتن نوع کاربرد آنها، به زیبایی ظاهری و رنگ شان نیز توجه کنید زیرا همان طور که می دانید رنگ تاثیر

مستقیمی بر روی روحیه افراد می گذارد. بنابراین در چنین مکان هایی از رنگ های شاد، ملایم و آرام بخش استفاده کرده و از به کار بردن رنگ های افسرده کننده و حتی تند صرف نظر کنید به عنوان مثال بهترین انتخاب برای پالت رنگی محیط های درمانی رنگ های سبز، سبزآبی، آبی کم رنگ، آبی سبز، صورتی کم رنگ، گلبهی، کرم، لیمویی و یا تلفیقی از آنها با هم است ولی برعکس کاربرد رنگ های بنفش، خاکستری، قهوه ای، مشکی و مانند اینها هرگز توصیه نمی شود .

● عناصر تزئینی: با کاربرد عناصر صرفاً تزئینی و دکوراسیونی مانند تابلوها، گل و گیاه طبیعی و یا حتی مصنوعی و شمعدان فضایی ایجاد شده و به همین طریق کمی از اضطراب و ناراحتی بیمار می توان کاسته و آرامشی هر چند موقتی را در او پدید آورد .

لوازم سرگرم کننده: مراجعین یک مطب پزشک و یا یک مرکز درمانی می بایست مدت زمانی که معمولاً چندان هم کوتاه نیست را برای مراجعه به انتظار سپری کنند . گذشت این مدت زمان هنگامی قابل تحمل تر می شود که افراد به کاری سرگرم باشند. به عنوان مثال تماشای برنامه های تلویزیونی که بر روی دیوار نصب شده و یا در گوشه ای قرار گرفته یا گوش دادن به موسیقی متن ملایم و آرامبخش و یا رادیو و همچنین حل جدول و مطالعه مجله و یا روزنامه می تواند از جمله این سرگرمی ها باشد .



● نورپردازی: از آنجا که نور غذای روح است، در یک محیط درمانی که اغلب

بیماران با ناراحتی های جسمی یا روحی ناشی از مشکل جسمی شان مراجعه می کنند،
وجود نوری مناسب و کافی ضروری است .
● تسهیلات گرمایشی و سرمایشی: وجود تسهیلات مناسب فصل برای گرم کردن و یا
خنک کردن فضا برای افزایش آستانه تحمل بیماران و همراهان در یک انتظار چندساعته
بسیار موثر است .
● سرویس های بهداشتی: در فضای ساختمان یک مطب وجود یک سرویس
بهداشتی ضروری است. در این سرویس نیز می بایست تسهیلات لازم در قالب توالت
فرنگی و دستگیره های مورد نیاز برای بیمارانی که دچار معلولیت جسمی بوده و یا به
جهت دردهای مفاصل پا امکان استفاده از توالت های معمولی برایشان وجود ندارد، در
نظر گرفته شود.

عناصر یک اتاق خواب رمانتیک:

ایجاد یک اتاق خواب راحت و رمانتیک به معنای کنار هم قرار دادن اجزا به صورتی
است که هم شما و هم همسرتان احساس آرامش و راحتی نمایید . بعضی از این اجزا
عبارتند از رنگ ، نور ، مبلمان و دکور . برای ایجاد اتاق خواب رمانتیک به احساسات
خود دقت کنید و ایده های مختلف را آزمایش نمایید و به احساسات شریک خود به این
تغییرات نیز توجه نمایید



رنگ:



رنگ اثر عمیق و موثری بر ذهن شما دارد . حتی نگاه کردن به رنگها احساسات متفاوتی را در ما ایجاد می کند ، بنابراین در انتخاب رنگ برای اتاق خوابتان حساس باشید . قرمز رنگ عاشقانه و رویایی می باشد . استفاده از روتختی یا کوسن های قرمز در اتاق خواب به ایجاد محیط عاشقانه کمک می کند . البته اگر انسان عصبی مزاجی هستید از رنگ قرمز دوری کنید چون علاوه بر عشق ، قرمز تحریک کننده عصبانیت نیز می باشد .

سبز و آبی ، رنگهای خودمانی و آرامش بخشی هستند و در اتاق خواب ایجاد حس راحتی می نمایند . سبزه رنگ سنتی ازدواج و باروری است . رنگ هایی که چندان مناسب یک اتاق خواب رمانتیک نمی باشند عبارتند از : سفید ، خاکستری ، صورتی و زرد . البته استفاده از آنها در بعضی وسایل موردی ندارد اما به عنوان رنگ اصلی ایده جالبی نمی باشند . سفید و خاکستری رنگ های بسیار ساده ای هستند و نوعی احساس خلسه و بی حالی ایجاد می کنند رنگ زرد به مقدار زیاد ، چشم را اذیت کرده و حس عصبانیت را برمی انگیزد . رنگ صورتی باعث آرامش و شادیت اما در نظر عموم این رنگ بسیار دخترانه است و ممکن است مرد از این موضوع احساس نارضایتی کند .



نورپردازی:

نورپردازی یک راه سریع برای ایجاد احساسات در یک اتاق است . نورپردازی های درخشان و روشن اتاق را شاداب کرده و در فرد احساس شور و شادی ایجاد می کند اما اگر هدف شما ایجاد یک اتاق رمانتیک و خصوصی است استفاده از نورهای تیره مناسب تر می باشد .

یکی از راحت ترین راه ها استفاده از چراغهای رنگی به رنگهای تیره است . بعضی از این چراغها قابلیت تغییر رنگ دارند و می توانید هر زمان رنگ دلخواه را امتحان کنید . می توانید از اباژورها و چراغ های تزئینی به رنگ های مختلف در اتاق استفاده نمایید بهترین گزینه رنگ های قرمز و سیاه می باشد . دقت کنید که نور سبز یا ابی اثر جالبی ندارد و حالت بیماری را القا می کند . در صورت تمایل به استفاده از این رنگ ها سعی کنید آنها را در کنار مجموعه ای از رنگ های دیگر به کار ببرید . استفاده از شمع های رنگی و معطر نیز ایده خوبی می باشد .

دکوراسیون:



برای ایجاد یک اتاق خواب رمانتیک در انتخاب وسائل دقت نمایید . تمام وسائل انتخابی باید زیبا و جذاب باشند . استفاده از بعضی آثار هنری اتاق عاشقانه ای را ایجاد خواهد نمود . دیدن مناظر طبیعی و یا پرتره ها و تصویرهای انسانی جذاب و یا مجسمه های خوش فرم احساس خوبی را ایجاد خواهد نمود . از مناظر تخیلی و ناخوشایند پرهیزید .

مبلمان:

مهم ترین وسیله در اتاق خواب همان تخت خواب می باشد. در یک اتاق خواب رمانتیک نقش این وسیله مشخص تر نیز خواهد بود. تخت باید زیبا و راحت باشد. به تخت به چشم بوم نقشی نگاه کنید که با کوسن ها، ملافه ها و تشک ها در حال نقاشی آن هستید. استفاده از پارچه های اطلسی یا ابریشمی ایده خوبی خواهد بود. از تشک های کوتاه تر استفاده کنید و در اطراف تخت میزهای کوچک زیبا بگذارید و وسائل بزرگ مانند کمد را چشبیده به دیوار قرار دهید. استفاده از سایبان برای تخت نیز ایده جالب و جذابی است.



در طراحی یک اتاق خواب رمانتیک بهترین راه در نظر گرفتن روحیه و خواسته های خودتان است و با پیاده سازی آنها در محیطی آرام و رمانتیک خواهید بود. در زیر نکاتی است که به شما کمک خواهد کرد:

-به هیچ عنوان از نورهای درخشان و زننده استفاده نکنید.

-مبلمان اتاق را تا حد ممکن راحت و ساده انتخاب کنید

-یک ظرف قشنگ محتوی شوکلات های زیبا یا میوه های خوشرنگ و ریز مثل توت فرنگی بر روی میز توالی زیبایی و آرامش خاصی به همراه دارد.

-بر روی میزهای کنار تخت یا بر روی میز توالی شمع های معطر قرار دهید.

-از تخت های دارای سایه بان استفاده کنید و حریرها و دراپه های زیبا برای آن انتخاب نمایید

-یک اتاق خواب رمانتیک باید محل ساکتی باشد که به شما حتی اجازه شنیدن نفس های همسرتان را نیز بدهد پس هیچ گاه تلویزیون را در چنین اتاقی قرار ندهید و تا حد امکان از پرده های زخیم و چندلایه استفاده کنید.

-موسیقی رمانتیک مناسب اتاق خواب رمانتیک است پس دستگاه سی دی خود را در دسترس قرار دهید.

-از پارچه های مخملی و حریر قرمز رنگ ، البالویی یا رنگ هایی با مایه قرمز استفاده کنید.

-بر روی تخت کوسن های نرم و زیادی قرار دهید.

-می توانید از چراغ هایی با نور قرمز ملایم یا صورتی استفاده نمایید

-از عود و سایر چیزهای خوشبو استفاده نمایید

-می توانید عطر مورد علاقه خود را در صورت ملایم بودن بر روی تخت پاشید

چگونه فضای اتاق خواب را بزرگتر نشان دهیم ؟

(1) در فضای اتاق از کمدهای آینه دار استفاده کنید، چون اتاق را بزرگتر نشان می دهند.

(2) برای انعکاس منظره بیرون، آینه را درست مقابل پنجره قرار دهید.

(3) آینه انعکاس و جلوه نور را مضاعف می کند، پس برای روشنایی بیشتر از جلوه آن به

خوبی استفاده کنید.

(4) آینه می تواند یک فضای تاریک را به فضایی دلپذیر و روشن مبدل کند.

(5) آینه به فضای اتاق هویتی خاص می بخشد. پس چرا از آن بهره نبرید؟

(6) سعی کنید از رنگ های روشن برای فضای اتاق خواب استفاده کنید، چون این رنگ

ها فضای اتاق را بزرگتر نشان می دهند.

(7) برای اتاق خواب، کاغذ دیواری با طرح و نقش ظریف انتخاب کنید.

(8) اتاق را با موکت طرح ساده کفپوش نمایید.

(9) وسایل خود را با هماهنگی بچینید تا اتاق خیلی شلوغ نشود.

10) از انتخاب رنگ های تندی مثل نارنجی و قرمز تند خودداری کنید، چون این رنگ ها دیوارها را به ظاهر به هم نزدیک می کنند و فضای اتاق را کوچک می نمایند. رنگ های روشن و شادی مثل آبی کم رنگ و سبز روشن، فضا را بزرگتر نشان می دهند.

چند توصیه برای دکوراسیون اتاق خواب :



اتاق خواب جایی است برای آسودن و کسب آرامش و انرژی مجدد برای یک روز کاری دیگر. انتخاب لوازم اتاق خواب و همچنین نوع چیدمان آن کمک زیادی به کسب این آرامش و استراحت واقعی می کند.

در این نوشتار سعی داریم مهم ترین نکات مربوط به دکوراسیون این منطقه با اهمیت خانه را توضیح دهیم.

یکی از اصول اولیه چیدمان در اتاق خواب می گوید محل تخت باید به گونه ای انتخاب شود که پنجره نورگیر حتما در سمت راست آن قرار گیرد.

استفاده از کوسن های فراوان بر روی تخت هایی که لبه بالایی بلندی دارند، بر زیبایی تخت می افزاید. در سبک های کلاسیک بهتر است که این کوسن ها از همان جنس و بافت رو تختی باشند.

به هماهنگی موجود در بین اشیا و مبلمان بیشتر دقت کنید. بافت‌های روتختی و والان‌های پرده بهتر است از یک نوع، از یک طرح و از یک طیف رنگی انتخاب شود و حتی رول‌بوردهای (نوارهای تزئینی دیواری) در قسمت بالایی دیوارها نیز از همان طیف رنگی باشد.



هماهنگی میان بافت‌ها یک سبک کلاسیک به محیط اتاق می‌دهد. البته اگر در میان این هماهنگی، گاهی یکی از بافت‌ها و رنگ‌ها، کاملاً متضاد و مکمل دیگر بافت‌ها باشد، بر تنوع دکور اتاق افزوده شده و آن را از یکنواختی در می‌آورد.

توجه داشته باشید استفاده از روتختی‌های زیبا تنها ملاک زیبایی و راحتی اتاق نیست بلکه باید به نرمی و لطافت آن هم توجه کنید. همه این موارد منجر به افزایش حس آسایش و راحتی در اتاق خواب می‌شود.

فرض کنید رنگ زمینه اتاق، کرم شکلاتی و گلبهی است. استفاده از دکورهای چوبی تیره و متمایل به زرشکی، مکمل رنگ فضای زمینه است. استفاده از روتختی براق، مانند

هر بافت براق دیگر، علاوه بر اینکه نوعی حس تجمل‌گرایی را به بیننده القا می‌کند، با قرار گرفتن در کنار دکور چوبی تیره باعث می‌شود زیبایی این نوع چیدمان جلوه‌ای چند برابر بیابد. رنگ و طرح بافت‌های پارچه‌ای نیز مابین رنگ زمینه اتاق و دکور چوبی آن است.

همین امر سبب شده است تا در محیط، تعادل برقرار شود. یادتان باشد که یکی از ویژگی‌های سبک کلاسیک، استفاده از بافت‌های براق در کنار دکور چوبی تیره است. هر چه پهنای قاب تابلوها بیشتر باشد آن تابلو با دکور اتاق، هماهنگ‌تر شده و هر چه پهنای قاب کمتر باشد، تنها نقاشی یا سایر آثار داخل قاب جلوه بیشتری خواهد داشت. همچنین، استفاده از تک‌مبل کمک می‌کند تا فضایی صمیمی و دلنشین در قسمتی از اتاق فراهم آید. برای تفکیک این فضا در کنار تک‌مبل می‌توان از نور موضعی (آباژور) استفاده کرد. بهترین آباژورها در کنار تک‌مبل‌ها، آباژورهایی هستند که نورشان به سمت پایین باشد.

به این ترتیب فضایی مناسب برای مطالعه و استراحت در شب پدید می‌آید. هر چه تعداد نورهای موضعی در داخل اتاق بیشتر باشد، تفکیک فضاهای داخلی بیشتر شده و به نظر می‌رسد که رعایت این نکته برای اتاق خواب، مناسب است. استفاده از چراغ‌های آباژور کوتاه بر روی پاتختی‌ها، می‌تواند فضایی رومانتیک به وجود آورد و ضمناً این امکان را به وجود می‌آورد تا بتوانید قبل از خواب به مطالعه بپردازید.



استفاده از فضای سبز (گلدان، فلاور باکس و ..)، قاب عکس های شخصی و تابلوهای خط یا نقاشی مورد علاقه تان در اتاق خواب باعث افزایش نشاط و روحیه تان شده و روبهرو شدن با این عناصر به ویژه در آغاز هر روز می تواند انگیزه شروع یک روز کاری را دو چندان کند.

بهتر است قاب عکس و تابلو نیز مطابق با دکور چوبی اتاق، چوبی انتخاب شود و همین امر باعث ایجاد هماهنگی بیشتر بین اجزای داخلی اتاق می شود. استفاده از قاب های فلزی متعدد در اتاق هایی که دکور فلزی و فرفورژه دارند کاملا مناسب است و توصیه می شود . معمولا برای زیباتر شدن جایگاه تخت های دو نفره در اتاق خواب بهتر است از تابلوهای نقاشی بر روی دیوار بالایی تخت استفاده کنید.

اگر دوست دارید که با یک تابلو و یا تنها یک قاب عکس، دیوار بالایی تخت را تزئین کنید ترجیحا آن تابلو را پهن و به اندازه عرض بالای تخت انتخاب کنید. ولی اگر می خواهید از تعداد تابلوهای بیشتری برای تزئین دیوار استفاده کنید، مناسب تر این است که از تابلوهای طولی یعنی تابلوهایی با عرض کم و طول زیاد استفاده کنید. در این نوع انتخاب، ترجیحا باید سعی کنید اندازه طولی تابلوها تقریبا برابر ارتفاع تخت از سطح زمین باشد.

طراحی داخلی:

طراحی داخلی چیست؟

طراحی داخلی مجموعه دانش " فن و هنری است که با عناصر متعلقه و مرتبطش از قبیل فرم رنگ بافت و سعی در بهینه سازی فضاها و دست یابی به کارائی و کار کرد مناسب در کنار زیبایی " معانی و معناها میباشد.



طراحی داخلی با ایجاد مجموعه ای از بایدها و نبایدها "کثرت ها و کاستی ها" و قرار دادن فرم در برابر فرم و فضا " طبیعت در برابر هندسه (معماری ارگانیک) " داخل در برابر خارج و همچنین قدرت و منطق مردانه از یک سو و احساسات زنانه از سوی دیگر (که در اوج وجود به تفاهم رسیده اند) می کوشد ارتباط معنایی و فرمال (formal) را مفهوم بخشد. در واقع طراحی داخلی به وسیله این ترکیب می خواهد به اهداف مورد نظر خود در طراحی فضا دست یابد.

در طراحی داخلی با ایجاد ضرب و آهنگ در هندسه می توان احساسات انسانی را بیدار ساخت در تمامی ابعاد نفوذ کرد و حرکتهائی غیر از حرکتهای عمودی و افقی ایجاد کرد. ما در معماری با فرکانس های نوری که طول و عرض و ارتفاع را تعریف می کنند، سروکار داریم و موقعی که این سه به موجزترین شکل واقع شود، شما احساس زیبایی می کنید.



Memarha.Com CALAMATO

مجموعه ای از اشکال هندسی، که به صورت مجرد و بی هیچ واسطه ای در فضایی دو بعدی تعین یافته اند. تناسبات، ابعاد، غلظت، تونالیتة رنگ های استفاده شده و تحریکات حسی موجود در هر اثر، بیانگر هماهنگی دقیق در اجزاء است.

انسان به واسطه گرافیک محیطی در کنار طراحی داخلی با محیط پیرامون خود سخن می گوید، و با دیگران ارتباط برقرار می کند. طراحی داخلی در ایجاد فضایی مطلوب و دلنشین برای افراد جامعه نقش موثر دارد.

محیط مناسب یعنی فضایی که بشر در آن بتواند فارغ از فشارهای ناخواسته روانی رشد کرده و شکوفا شود و این از خواسته های عقلانی و منطقی هر جامعه است. گرافیک " محیط زیبایی بصری و نظم و هماهنگی مطلوب فضا است.

مقصود از تمام طرح های گرافیکی برای محیط داخلی و خارجی - ایجاد فضایی برای زندگی پر نشاط و سالم و قانع کننده است.

مشخص کردن یک مکان از مکانی دیگر، زیبا سازی، نظم و انسجام بخشیدن به فضای و گسترش حیطه فعالیت طراحی داخلی، از اهداف گرافیک محیطی به شمار می رود.



طرح اجرایی:

هر فضای داخلی اعم از محل کار تفریح یا سکونت قابلیت زیبا شدن را دارد تنها بایست چگونه از اصول و عوامل سازمان بندی صحیح بعلاوه کمی ذوق و سلیقه استفاده کرد تا شرایط مناسب و دلخواه پدید آید. شروع کار در فضا سازی و تزئین باید عاری از جنبه های ذهنی و خیال پردازی غیر واقعی باشد. برخورد اول با مسئله لازم است با در نظر گرفتن عینیات و امکانات خارجی صورت پذیرد. ساختن خانه ای در رویا آسان اما در عمل سخت و دشوار است هدف از این مقدمه نفی اهمیت و نقش تخیل نیست بلکه منظور ارائه طریقتی است که تخیل نیز مانند سایر عوامل تحت نظم در آید و شکل عنصری سازنده به خود گیرد. به خاطر عوامل متعددی که در شکل گیری یک طرح موقت

دخالت دارند اجرای کار نیازمند برنامه‌های دقیق و منظم است. پیشرفت قدم به قدم و حساب شده از اتلاف وقت و هزینه می‌کاهد و در نتیجه حاصل کار را پر ثمر می‌سازد لذا در طرح اجرائی عواملی چند لازم است مورد نظر قرار گیرد.

عملکرد:

اولین عنصری که در شروع باید مدنظر قرار گیرد عملکرد و نحوه استفاده از فضای داخلی است. یک چهار دیواری میتواند به عنوان اطاق خواب "نشیمن" اطاق بچه "اشپزخانه" سالن ورزش "فروشگاه یا اداره شخص معین برای فعالیت مشخص قرار گیرد ضروری است با استفاده از عواملی چون نورپردازی و چیدن مبلمان تقسیم گردد تا عملکرد هر یک دقیقاً مشخص گردد.

افراد:

نیازهای یک خانواده پر جمعیت با احتیاجات فردی مجرد یکسان نیست. وجود اطفال خردسال قهرآ نوع خاصی تزئین را دیکته میکند خصوصیات روانی افراد خانواده و زمانی را که با هم یا جدا از هم در منزل صرف میکنند نیز از عواملی مهم در آرایش خانه بشمار میرود لذا منظور داشتن سلیقه کلیه اعضای خانواده ضروری است.

آسایش:

در نظر گرفتن آسایش ساکنان خانه بیش از زیبایی در دکوراسیون واجد اهمیت است. اطاق زیبا اما غیر قابل استفاده تدریجاً به جایگاه ارواح بدل میگردد محل کار زندگی یا استراحت چنانچه شرایط مناسب و راحتی فراهم ننماید دارای فضای سنگین و کسالت بار شده افراد را از خود گریزان خواهد نمود نقش عمده معماری و تزئین داخلی در حقیقت ایجاد محیطی مناسب برای زیستن و فعالیت های انسانی است.

ویژه گیها:

منظره اطاق "میزان نور طبیعی" خصوصیات معماری ساختمان از دیگر عواملی هستند که قبل از شروع تزئین باید مدنظر قرار گیرند. این عوامل اجزاء ثابتی را تشکیل میدهد که تغییر آنها و پس از اتمام کار دیگران امکان پذیر نیست لذا ترکیب بندی را طوری باید انجام داد که از جنبه های مثبت این ویژگیها حداکثر بهره برده شود.

نقشه:

انجام کار چه در ساختمانی نو و چه تغییر دکور یک ساختمان کهنه باشد باید با در نظر گرفتن شکل فضا و پیاده کردن نقشه آن صورت گیرد. کشیدن نقشه یکی از ضروری ترین اقدامات میباشد. جابجائی مبلمان یا تغییر رنگ بر روی نقشه امری ساده و بدون فرج است اما ارتکاب هر اشتباه پس از اتمام کار به قیمت صرف هزینه اضافی و دوباره کاری است. نقشه نه تنها فضای قابل استفاده را پیشاپیش نمایش میدهد بلکه به کمک آن میتوان تعداد و اندازه اثاثیه مورد نیاز را نیز مشخص کرد.

نور:

ضمن کشیدن نقشه مناطقی که از آن جا نور طبیعی به داخل تاییده می شود و نواحی تاریک همچنین تعداد چراغهای سقفی و آباژور با تعیین محل دقیق آنها لازم است مشخص گردند محاسبه روشنائی عمومی و نقاطی که احتیاج به نور بیشتری برای مطالعه یا کار دارند واجد اهمیت خاصی است.

سطوح:

سطوح اصلی اتاق شامل سقف و کف و دیوارها می باشد پرده ها روکش مبیل و صندلی " سطح درها و پنجره ها نیز سطوح کوچکتر را تشکیل می دهند. رنگ " نقش " بافت در بزرگ یا کوچک جلوه دادن اتاق موثر است نقوش درهم و رنگهای تند بر سطوح مذکور قدرت جلب توجه بیشتری داشته و فضا را شلوغ و کوچک خواهند کرد.



رنگ در معماری داخلی :

بررسی تاثیر متقابل روانشناختی رنگها در کاربرد هنری رنگ اهمیت بسزایی دارد و استفاده متناسب از هر رنگ می تواند کاربرد ویژه ای در طراحی داخلی داشته باشد. شکوه و جلوه هر رنگ در کنار رنگ دیگر، اثر واقعی خود را نشان می دهد و هر رنگ نسبت به رنگ دیگر میزان تیرگی یا روشنی اش بهتر نمایان می شود. تغییر دادن این ترتیب طبیعی ، ناهماهنگی رنگها را به دنبال دارد و استفاده از این ترکیب ناسازگار، می تواند تغییرات زیادی در دکوراسیون داخلی به وجود آورد.

هر رنگ دارای ۳ صفت تغییر پذیر است: فام ، درخشندگی و پرمایگی. فام ، صفتی از رنگ است که جایگاه آن را در سلسله رنگی (از قرمز تا بنفش) معادل با نور طول موج های مختلف در طیف مرئی مشخص می کند. قرمز، زرد و آبی را فام های اولیه می نامند و چون مبنای سایر فام ها هستند، جزو رنگهای اصلی نیز به شمار می آیند.

گروه دوم فام های ثانویه عبارتند از: نارنجی ، سبز و بنفش که از مخلوط مقدار مساوی دو فام اولیه به دست می آید و سومین دسته فام ها نیز از اختلاط فام های اولیه و ثانویه به دست می آیند: زرد و نارنجی (پرتقالی)، نارنجی و قرمز، قرمز و بنفش (ارغوانی)، بنفش و آبی (لاجوردی)، آبی و سبز (فیروزه ای)، سبز و زرد (مغز پسته ای). ۱۲ فام نام برده با

ترتیبی معین در چرخه رنگ، قرار می گیرند. در چرخه رنگ، فام های گروه دوم و سوم که بین یک زوج فام اولیه جای گرفته اند، دارای روابط خویشاوندی هستند و در کنارهم ساده ترین هماهنگی رنگی را پدید می آورند. هنگامی که این رنگها با رنگهای خالص سفید و سیاه ترکیب شوند، رنگها و سایه های مختلفی را ایجاد می کند.

درخشندگی که دومین صفت رنگ است، درجه نسبی تیرگی و روشنی را مشخص می کند. اغلب نقاشان اصطلاح رنگسایه را نیز در همین معنا به کار می برند و معمولاً _درخشندگی رنگهای فام دار را در قیاس با رنگهای بی فام می سنجند. در چرخه رنگ، زرد بیشترین درخشندگی (معادل خاکستری روشن نزدیک به سفید) و بنفش کمترین درخشندگی (معادل خاکستری تیره نزدیک به سیاه) را دارد.

پرمایگی (اشباع)، سومین صفت رنگ است و میزان خلوص فام را مشخص می کند (گاه واژه شدت را نیز در این مورد به کار می برند). فام های چرخه رنگ صد در صد خالص اند، ولی در طبیعت بندرت می توان فام خالصی یافت. رنگهای درخشان به تنهایی جذاب هستند، اما اگر در یک الگو یا ردیفی منظم قرار گیرند، از نظر بصری تاثیر بیشتری خواهند داشت.

رنگ در معماری داخلی

استفاده از این نوع آرایش یک ساختار ساده را بر رنگها حاکم می کند و در نتیجه یک مفهوم یا نوعی نظم خاص را، ورای حضور محض رنگها، منتقل خواهد کرد. استفاده متناسب از رنگ در دیوارها و پیش زمینه های روشن تاثیر زیادی در محیط به وجود می آورد. رنگهای سرد می تواند کاهش مختصری در دمای بدن ایجاد کنند و رنگهای گرم باعث مختصر افزایش دمای بدن می شوند. به لحاظ بصری، رنگ گرم پیش می آید و رنگ سرد پس می نشیند. استفاده از پنجره ها و مبلمان با زمینه رنگ مطلوب و سائز متوسط تاثیر بسزایی در دکوراسیون داخلی دارد. همچنین مبلمان و پنجره هایی با سائز بزرگ باعث می شود که رنگ آنها با یکدیگر مخلوط شود و از لحاظ تاثیر گذاری بر

محیط غالب خواهند شد و ثبات از بین خواهد رفت و نوعی تکان بصری ایجاد می شود. بنابراین با مبلمان و پنجره های متوسط و با رنگی متعادل و متوسط خواهیم توانست ترکیب بندی با ثبات داشته باشیم.

هر ترکیب بندی را می توان کارآمد دانست به شرط این که عناصر صحنه به طور موثر با بینندگان مورد نظر آن ، ارتباط برقرار کند. در اغلب موارد، نکته اساسی در شناسایی عناصر کلیدی صحنه نهفته است تا با نظم مبلمان و میزان نور، آنها را از دل سایر عناصر تصویری متفرقه ، بیرون بکشید. همین اشیای مزاحم ، صحنه ها را مخدوش می کنند و همچنین ، بهتر است به جای تمرکز زیاد روی جزئیات خیلی خاص ، تنها روی ساختار کلی صحنه تمرکز کنید. چرا که تاثیر آنها در مقابل ترکیب بندی عمومی ، بسیار سطحی است. ملحقات تیره نیز باعث می شود چشمان شما به سمت رنگ تیره تر کشیده شوند و شما در روشی قادر خواهید بود ملحقات و اثاثیه ها را نظم دهید تا هادی دید و کیفیت بصری روان باشند.

هنر باستانی چینی معماری داخلی:

فنگ شویی در سال های اخیر در ایران طرفداران زیادی پیدا کرده است و بسیاری از طراحان داخلی اقدام به آموزش و معماری داخلی براساس اصول فنگ شویی کرده اند و ۵-۶ جلد کتاب با این عنوان در ایران ترجمه شده است. ولی فنگ شویی واقعا چیست؟ فنگ شویی هنر ۶۰۰۰ ساله و قسمتی از تعالیم مذهبی- فلسفی تائوئیسم در چین است. ترجمه لغوی فنگ شویی باد و آب است و مفهوم آن این است که هر آنچه در پیرامون ماست از انرژی فعال به وجود آمده است. حتی اشیایی بی جان مانند صندلی، میز و

ساختمان اداری دارای انرژی سیال هستند .

فنگ‌شویی هنر و علم زندگی متعادل و هماهنگ بین انسان و طبیعت پیرامون اوست . از هزاران سال پیش چینی‌ها خانه‌های خود را به کمک فنگ‌شویی مکانی برای خوشبختی می‌ساختند و می‌آراستند. تا چندی پیش فنگ‌شویی تنها در جنوب آسیا و بیش‌تر در هنگ‌کنگ، ژاپن، تایوان، کره، تایلند، سنگاپور و مالزی رواج داشت . به‌طور مثال ایالت هنگ‌کنگ در معماری کاملاً تحت تاثیر فنگ‌شویی بوده است، چنانکه ۹۰ درصد خانه‌ها و حتی ساختمان‌های بلند با بهره‌گیری از قواعد فنگ‌شویی ساخته شده‌اند. امروز در اروپا نیز بسیاری از مردم برای ساخت و به‌ویژه طراحی اتاق‌های کارشان از روش‌های فنگ‌شویی بهره می‌گیرند یا طراحی آن را به متخصصان فنگ‌شویی می‌سپارند. خانه، آپارتمان‌ها و دفاتر هم که قبلاً ساخته شده‌اند توسط مشاوران فنگ‌شویی چنان مرتب می‌شوند که نویدبخش خوشبختی باشد. تعالیم فنگ‌شویی بر اصول انرژی «چی»، یین و یانگ و عناصر پنجگانه و جهات هشتگانه متکی هستند. برخلاف دنیای غرب که ماده را نقطه مرکزی همه چیز می‌داند، از دیدگاه چین باستان انرژی و قدرت زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد. انرژی چی در نقطه مرکزی قرار گرفته است. این انرژی در جهان هستی و کائنات جریان می‌یابد و تمام موجودات جاندار و بی‌جان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. چی در بدن انسان‌ها، جانوران، گیاهان و در ساختمان‌ها جریان دارد. چی هم به طرف خارج و هم به درون بدن جریان دارد. هر انسان، حیوان، گیاه و ساختمانی چی منحصر به فرد خود را دارد که با چی محیط پیرامون آن درهم می‌آمیزد. بنابراین، هر یک از ما نه تنها با محیط پیرامون خود بلکه در نهایت با تمام هستی و کائنات در ارتباط قرار داریم. انرژی چی به محیط، احساسات و عواطف درونی و همچنین بر وضع روحی و جسمی ما بستگی دارد. چی از میان ساختمان‌ها جریان می‌یابد و از در و پنجره‌ها به ساختمان داخل و از آن خارج می‌شود، حتی کمی به مواد سختی مانند دیوار نیز نفوذ می‌کند؛ بنابراین فرم ساختمان، وضعیت درها و پنجره‌ها و به‌خصوص نوع مواد مصرفی در ساختمان می‌تواند جریان چی را تغییر دهد . بزرگ‌ترین هدف فنگ‌شویی یافتن مکانی است که سلامت روحی و جسمی و به‌طور کلی زندگی ما در آن از انرژی چی به‌طور مثبت تاثیر پذیرد .

ایده آل آن است که این انرژی همچون رودخانه کوچکی از خانه ما عبور کند، به هیچ وجه نباید آن را مسدود کنیم یا جریان آن را تسریع سازیم. برخی از مواد به خصوص مواد مصنوعی انرژی چپ منفی منتشر می کنند. تاریکی، بی نظمی، گرد و خاک و رطوبت نیز باعث توقف جریان چپ می شوند. جریان چپ بسیار شدید ممکن است باعث برهم خوردن تعادل شود، بنابراین در ساخت خانه ها باید از راهروهای باریک و بلند اجتناب شود و اتاق ها در خط مستقیم قرار نگیرند.

در آپارتمان ها و خانه هایی که دارای گوشه ها و زوایای تیز هستند جریان چپ مخدوش می شود و به انرژی مخرب (شا) تبدیل می شود و ممکن است روی سلامتی تاثیر منفی داشته باشد. همه کتاب هایی که در ایران با نام فنگ شویی ترجمه شده اند توسط نویسندگان غربی نوشته شده اند که نشان دهنده توجه غرب به فقدان معنویت است که حاصل معماری خشک و بی روح مدرن است و تلاش برای پر کردن آن. و به نظر می رسد این از فیلتر غرب شدن لطماتی به پیکره فنگ شویی وارد آورده است و همین طور مسلما درک ما از آن آنگونه که واقعا در چین و کشورهای شرق آسیا معنا دارد نخواهد بود. همان گونه که پیش جامه ما بعد از سفر به غرب پیرامه می شود و به ایران بازمی گردد. فنگ شویی از دل تاریخ و فرهنگ چین بیرون آمده است و منطقی به نظر نمی رسد که در کشوری با فرهنگی غنی مانند ایران هم همان گونه به کار گرفته شود. نتیجه این کار این است که امروزه فنگ شویی در غرب و ایران کاملا سطحی نگریسته می شود و نقشی مانند کتب روان شناسی عامه پسند بازی می کند.

توسط معماران جدی گرفته نمی شود و مخاطبان آن هم بیشتر طرفداران و دوستداران طبیعت و فرهنگ و تمدن چین باستان است. اینکه امروزه چقدر خانه ها و آپارتمان های مان از روح و احساس خالی است و به جای آنکه خانه مان را دوست داشته باشیم آن را تحمل می کنیم و در فکر خانه ای مجلل تر هستیم و به جای معماری به ساختمان سازی می پردازیم ضرورت توجه به معنویت در معماری را بیش از پیش آشکار می کند. ولی برای جبران این کمبود به نظر نمی رسد که دست به دامن فنگ شویی شدن راه مناسبی باشد. با توجه به این همانی ها معماری سنتی خودمان بسیار کاربردی تر است. معماری که از دل فرهنگ ایران به وجود آمده. منظورم این نیست که امروز هم گنبد و حیاط مرکزی بسازیم. تفکر و

جهانبینی که آن روزگار در قالب گنبد متجسم شده امروزه می تواند به فرم های گوناگون و مدرنی تبدیل شود ولی همان احساس خوشایند را به ما بازگرداند .

دکوراسیون مدرن:

این دوران، دوران تغییرات سریع است. تغییرات حاصل در سراسر جهان به دنبال دو جنگ جهانی و پیشرفت های چشمگیر در تکنولوژی طی این قرن آهنگ زندگی را سرعت بخشید .حدود دویست سال پیش ده ها سال طول می کشید تا یک سبک دکوراسیونی در میان کشورهای اروپایی گسترش یابد و سپس اقیانوس ها را به سوی باقی جهان طی کند . اما امروز گسترش وسایل ارتباط جمعی کوچکترین تغییرات در مد را ظرف چند روز به اقصی نقاط جهان می رساند.



از این رو سبک‌های دکوراسیونی تقریباً با سرعت تغییرات مد لباس در حال تغییر و تحول هستند و از آنجا که مردم قادر به تغییر دادن مبلمان و وسایل منزل و دکوراسیون کلی خانه در زمان‌های کوتاه نیستند، امروز اغلب سبک‌های دکوراسیونی دچار تداخل و به عبارتی همپوشانی، حتی در یک خانه واحد، می‌شوند. در ابتدای قرن بیستم در میان طراحان دکوراسیون اروپایی عکس‌العملی نسبت به تزئینات افراطی اوایل قرن نوزدهم پدیدار شد و آنان را به سوی سبکی از معماری که بیشتر بر روی فضاهای باز، تناسب و سطوح صاف تکیه داشت، سوق داد. در فرانسه «جنبش مدرن» «توسط فردی به نام کربوزیر (۱۸۸۷-۱۹۶۵ Corbusier) شکل گرفت. از او کتابی با عنوان «درباره معماری» در سال ۱۹۲۷ به زبان انگلیسی به چاپ رسید که در آن «نکته‌هایی از یک معماری جدید» را مطرح می‌کرد: ردیف‌های افقی پنجره‌ها، نقشه‌ای آزاد، نمای ساده و سقف‌های مسطح. در ایالات متحده آمریکا، فرانک للوید رایت (۱۸۶۷-۱۹۵۶) خطوط ساده افقی و اتاق‌های وسیع و کم ارتفاع در معماری را توسعه داد. خانه‌های معروف طراحی شده توسط او در اطراف شیکاگو به نحوی چشمگیر بی‌پیرایه هستند با نمای ساده اما زیبا از ترکیب آجر با چوب مرغوب. مدرسه طراحی باهاوس که در سال ۱۹۱۹ در ویمار آلمان تاسیس شد، سردمدار بسیاری از ایده‌های جنبش مدرن بود.

هدف مدیر این مدرسه، والتر گروپیوس (۱۹۶۹-۱۸۸۳) ایجاد ارتباط میان همه آموزش‌های هنری، معماری و طراحی بود. معماری حاصل از این تجمع به صورت ساختمان‌های مکعب‌مانندی با سقف‌های مسطح و ردیف‌های عمودی و افقی پنجره‌های بزرگ با قاب‌های فلزی برای راه یافتن نور طبیعی فراوان به داخل بود. نوگرایی، کارایی و بهداشت جوهر اصلی سبک جدید بود. رنگ سفید رنگ ارجح برای دیوارها بود که عاری از تزئینات و گچبری‌های پیشین، سطوحی صاف و ساده بودند. درها بدون قاب بندی‌های سنتی و تنها پوشیده از سطوح تخته سه‌لای رنگ شده بودند. فرم‌ها بیشتر به سوی آیرودینامیک شدن متمایل بود و مبلمان کردن اتاق خواب، اتاق نشیمن و آشپزخانه با وسایل توکار متداول شد. در هلند گروهی تحت عنوان «استایل» (به معنای سبک)، نامی برگرفته از مجله‌ای با همین عنوان نیز رسالت خود را بر بردن هرچه بیشتر از فرم‌های متداول و گذشته و پیش بردن طراحی دکوراسیون به سوی قرن بیستم قرار داده بود.

رهبر این گروه گرت ریتولد (۱۹۶۴-۱۸۸۸) طراحی‌های خود را بر پایه فرم‌های سه گوش آبستره با رنگ‌های اولیه قرمز، آبی و زرد قرار داده بود.

معروف‌ترین ساختمان او، خانه شرودر در اتریش، نمایی با خطوط ساده، سطوحی متشکل از قطعات بلوک مانند بدون هرگونه گچبری روی دیوارها و سقف با ردیف‌های متصل افقی از پنجره‌های فلزی داشت. آرت دکو نقطه اوج زاهد منشی جنبش مدرن بود. آرت دکو نام خود را از نمایشگاهی که با عنوان «هنرهای تزئینی» به سال ۱۹۲۵ در پاریس برگزار شد، گرفته بود و در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم در اروپا و آمریکا بسیار مرسوم بود. بارزترین ویژگی این سبک استفاده از اشکال هندسی بود. دایره‌ها، نیم دایره‌ها، سه گوش‌ها، چندضلعی‌ها و مکعب‌ها به عنوان طرح‌هایی برای فرش، کفپوش، کاغذدیواری، کاشی، پارچه و همچنین فرم مبلمان، ظروف، شومینه، چراغ‌ها، لوازم صوتی و خلاصه هر آنچه در دکوراسیون دخیل است، به کار گرفته می‌شدند. موتیوهای ساده شده که منظره‌هایی چون غروب آفتاب را نشان می‌دادند و فرم‌های استیلیزه شده درختان، گل‌ها، فواره و اشکال حیوانات به ویژه آهو، در حالی که از نقوش تمدن باستانی آرتک‌ها (معبد پلکانی زیگورات) و مصر (پس از راه یافتن به داخل معبد

توتانخ آمون در سال ۱۹۲۲) الهام گرفته می شدند، به طور گسترده مورد استفاده قرار می گرفتند

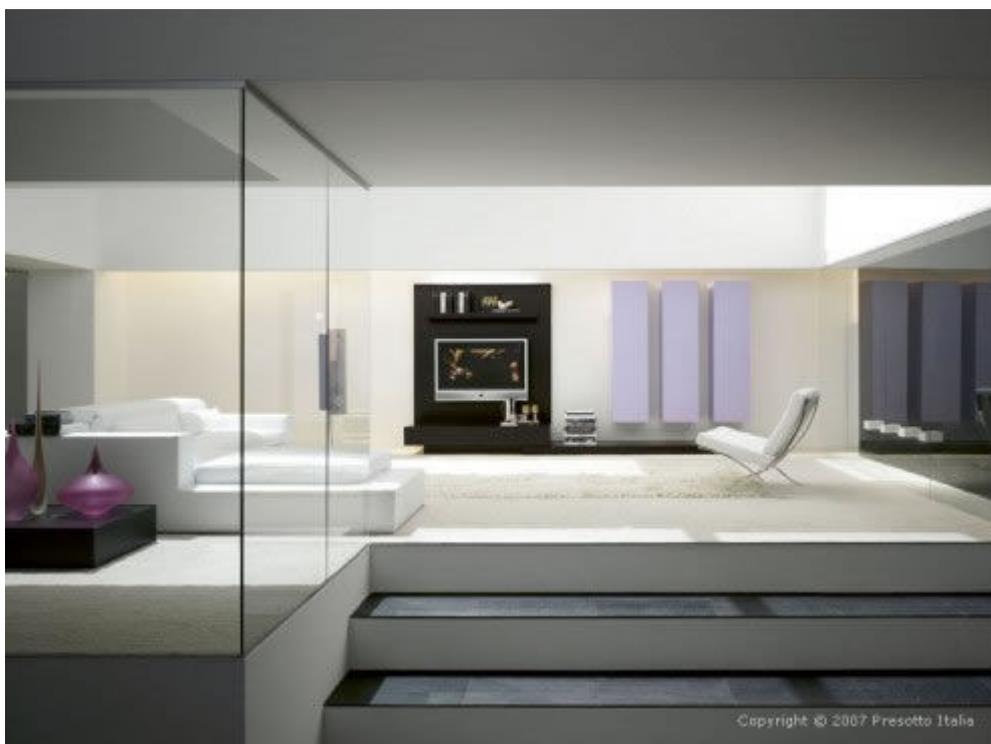
این سبک که به شدت تحت تاثیر هنر شرق بود، مناسب ترین سبک برای طراحی هتل های لوکس، رستوران ها، کشتی های اقیانوس پیما، سالن های تئاتر و صحنه های فیلمبرداری بود. طراحان فرم های پرانحنا با سطوح پرداخت شده کالاهای سبک آرت دکو را با مواد اولیه متنوعی چون چوب خودرنگ روشن (گردو، بلوط و افرا)، چرم، مرمر و شیشه می ساختند. انواع مختلف مبلمان و شیرآلات خانه با کروم ساخته می شد و انواعی نیز با پلاستیک های جدید مانند باکلیت که سخت و براق است، تولید می شدند .



این ترکیب متنوع و مطبوع مصالح و مواد گوناگون در پس زمینه ای از دیوارهای سفید، کرم یا بژ قرار می گرفت و با پارچه هایی به رنگ های روشن ملایم مثل هلویی تکمیل می شدند

لکه هایی از رنگ های نارنجی، سبز زمردی، آبی و قرمز نیز گاه این دکوراسیون ها را مزین می کرد. در آمریکا حرکتی برای آیرودینامیک کردن همه وسایل به راه افتاده بود و چنان که طراحی اتومبیل ها و لوکوموتیوهای قطار به سوی آیرودینامیک شدن می رفت، لوازم خانگی از قبیل یخچال و جاروبرقی نیز به تقلید از این جنبش با اشکال دوکی شکل و

آیروودینامیک طراحی و تولید می شدند. در هر دو سوی آتلانتیک طراحی ساختمان‌ها با نمایی آیروودینامیک، صاف و براق رایج شده بود .



جنگ جهانی دوم توقفی ناگهانی در روند حرکت طراحی و معماری به وجود آورد. با این حال تکنولوژی ساخت تخته سه لایه سبب شد که مصرف آن در صنایع هواپیماسازی رشد چشمگیری یابد. در سال ۱۹۵۱ فستیوال در انگلستان برگزار شد که بر سادگی زاهد گونه پس از جنگ نقطه پایانی نهاد و سبکی که به دنبال این فستیوال و متاثر از آن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم رایج شد، راحت و بی تکلف بود. این سبک «سبک معاصر» نام گرفت. هشت میلیون نفر از نمایشگاهی که خاستگاه سبک معاصر بود، دیدن کردند. در این زمان از بتون، شیشه و استیل در ساخت بسیاری از ساختمان‌ها استفاده می شد از جمله ساختمان فستیوال سلطنتی که هنوز در کناره جنوبی رود تایمز پابرجا است.

فضاهای نمایشگاهی:

نمایشگاه پدیده‌ای برآمده از دوران مدرن است که بنا به ضرورت تولید و عرضه‌ی انبوه کالا در سده‌ی نوزدهم ظهور کرد. آنچه به عنوان نمایشگاه مد نظر است خاستگاه و ضرورت‌های پیچیده این دوران و مابعد آن را دربر میگیرد. در عصر مدرن مکان و فضا باز تعریف شدند نسبت آن با زیست جهان انسان و فناوری در کانون توجه قرار گرفت. بر این اساس معماری و ساختار بصری نمایشگاه در روزگار حاضر کارکردهای متنوعی دارد که حول کنش ارتباطی در عرصه‌های مختلف حیات بشری متمرکز شده است.



بیش از یکصد و پنجاه سال از نمایشگاه هاید پارک لندن که سرآغاز به نمایش در آوردن جهان تکنولوژیک بود میگذرد. در ایران نیز فضاهای نمایشگاهی سنت و سابقه‌ای چهل و پنج ساله دارند. و سالانه صدها نمایشگاه مختلف در سطوح شهری استانی ملی بین‌المللی در کشور برگزار میگردد که به رغم تفاوت‌های ماهوی به لحاظ ارائه‌ی کالا ساختاری یکسان شبیه‌سازی شده دارند. دلیل عمده این فرآیند یکسان‌سازی این است که ما جز چند نمونه‌ی استثنایی نمایشگاه به مفهوم مدرن و پسا مدرن نداریم. پرسش‌هایی مانند: مردم چگونه در فضا حرکت میکنند؟ در فضا چه رخ میدهد؟ تجربه‌ی فرد در مواجهه با محیطی فیزیکی چه مراحل دارد و چگونه بنا از وقایع درون یا اطراف

خود اثر می‌گذارد؟

در خصوص فضاهای نمایشگاهی به نظر میرسد در ابتدا دو مفهوم فضا و نمایش بایستی تعریف شوند. تعریف فضا امری نسبی است و در جوامع مختلف میتواند متفاوت باشد. بر طبق فرهنگ لغت آکسفورد تعاریف زیادی از فضا وجود دارد. مثلا کیفیت تهی بودن و بزرگ بودن به نحوی که بتوان در آن آزادانه حرکت کرد. فضا معمولا با تقابل و محک زدن با یک ماهیت مادی دارای شکل بعد و توده دارای جرم ادراک میشود . مفهوم نمایش نیز بر طبق فرهنگ لغت آکسفورد عبارتست از نشان دادن چیزی در یک مکان عمومی برای مردم برای لذت بردن آنها و یا برای اطلاع رسانی و آگاه کردن آنها. اما واژه ی به معنای "نمایش چیزی که معمولا مخفی است بیان حقیقت در مورد یک شخص یا یک موقعیت و نمایش آن" و به معنای توصیف کامل یک تئوری یا نظریه طرح وهم چنین مناسبی که مردم مشاغل و غیره کالاهای خود را به نمایش یا فروش میگذارند تعریف شده است .



فضای نمایشگاهی در نیجه جایی است که در آن نمایش نوآوری خلاقیت تکنولوژی و فناوری جدید تجارت و رقابت برای نمایش یا فروش عمده ای بازی میکند .

به نظر میرسد در رابطه با فضای نمایشگاهی از چند منظر میتوان بحث کرد که شامل عملکرد و مکانیت استفاده کاربران قرارگیری آن در بافت وزمیننه شهری فرم و ساخت و مقیاس و اندازه میشود .

اولین نکته ای که باید در فضاهای نمایشگاهی دخیل باشد مکانیت و مکان گزینی آنها در بافت شهری یا منطقه است .

دوم نقش و عملکرد این فضاها و ویژگی هایی که آنها را از سایر عملکردهای شهری متمایز میکند

سوم ترکیب بندی و عناصر متشکله این فضاها (بیرونی) و ارتباطات فضایی (درونی) آنها که شامل هر دو فرم و عملکرد است

چهارم خمیر یا مفهوم و روح طراحی فضاهای نمایشگاهی

پنجم تاثیرات محیطی این فضاها بر پیرامون و بستر خود

ششم تاثیرات فناوری جدید و برتر در هر دوره در نقش و عملکرد طراحی و ساخت این

بناها

زمینه های تاریخی اجتماعی پیدایش فضاهای نمایشگاهی :

اصلی ترین نقش فضای نمایشگاهی این بود که آخرین دستاوردهای تکنولوژیک در

زمینه ی نوع مواد مصالح مصنوعات و محصولات و تجهیزات صنعتی که در نتیجه پیشرفت

تکنولوژی در هر دوره به دست آمده است را برای تجارت و استفاده در اختیار بازار

قرار دهد. از این منظر طراحی و ساخت یک فضای نمایشگاهی به عنوان اولین فرصت برا

یتجلی بخشی به توان تکنولوژیک مطرح میشود. و مکانی برای بازتاب امکانات و توان

تکنولوژیک در تولید مواد و مصالح و شیوه های ساخت در خود این فضاها شکل

میگیرد. این فرآیند کالبدی را فراهم میکند که مناسب و در خور یافته های تکنولوژیک در

سایر رشته های علمی و صنعتی باشد و آرمانشهر انسان تکنیک محور را متجلی سازد .

● اهداف عمده در طراحی و ساخت فضاهای نمایشگاهی :

اهداف عمده و پایه ای در طراحی فضاهای نمایشگاهی را میتوان به صورت زیر بیان

کرد. نوآوری در مواد و مصالح ساخت - کاهش ماده ی ساختمانی و افزایش فضا با شیوه

های مدرن و خلق آینده. این فضاها همواره مبتنی بر نوآوری هستند. تولید و ارائه مواد

و مصالح ساختمانی ارائه‌ی طراحی و شیوه‌ها و تکنیک‌های ساختمانی خلق فرم‌های جدید معماری (که خود تابعی از امکانات تکنولوژیک) و نیز بهره‌برداری اقتصادی از فضا که از اهداف اصلی عملکردی این فضاست مواردی از این‌گونه نوآوری‌ها قلمداد می‌شوند.

● ویژگی‌های اساسی فضاهای نمایشگاهی :

فارغ از اینکه فضاهای نمایشگاهی در چه محیطی طراحی و ساخته شده‌اند در سال‌های اولیه پیدایش و حتی در فرآیند توسعه‌ی فرم و عملکرد این فضاها میتوان برخی مشخصات بارز را استنتاج کرد :

۱ (آینده‌محوری در برابر سنت‌گرایی)

در طراحی معماری و ساخت فضای نمایشگاهی نه تنها اصراری بر پیوند با گذشته دیده نمی‌شود که در تقابل با آن به صورت حریصانه‌ای آینده‌پردازی وسیعی در نگاه و تکیه به آینده و واقعیت بخشی به آن دیده می‌شود. لذا در طراحی این فضاها به طور فزاینده‌ای با سعی در کاهش توده و افزایش و انباشتگی فضا روبه‌رو هستیم. فضای مکانیکی سرپوشیده وسیعی که انسان در آن دستاوردهای تکنولوژیک خود برای عدم وابستگی اش به طبیعت و یا برتری اش را بر آن به نمایش می‌گذارد .

۲ (تولید انبوه و مجموعه‌ای در برابر ساخت سنتی)

لوکوربوزیه در طراحی غرفه‌ی فرانسه در نمایشگاه سان فرانسیسکو ۱۹۳۴ با انتقاد از شیوه‌های سنتی ساختمان اظهار داشت: "نمایشگاه‌های قرن اخیر به سطح یک کعبه‌کاری غیر منطقی سقوط کردند به طوری که به بیننده تصور خیالی یک کاخ یا خانه‌ی واقعی را میدهند. ولی فکر میکنم که باید سنت نمایشگاه‌های قرن نوزدهم را دنبال کنیم (نمایشگاه آهن و شیشه) خلق یک فضای قابل نمایش که دعوت به تماشا بکند و همزمان با ارضای جمعیت احساس و هیجان معماری را نیز به آنها عرضه کند یا در حل مسائل نمایشگاه صداقت برقرار رود .

موقتی در برابر دائمی بودن

برعکس ساختمان‌های رایج که برای اهداف دائمی ساخته میشوند. این نکته حائز اهمیت است که در طراحی این فضاها مسئله‌ی متحرک بودن و قابلیت جابجایی نصب سریع

وقابلیت جمع شدن وواسازی آن نقش اساسی ایفا میکند بنا بر این روش طراحی وفرم دهی این فضاها کاملاً متفاوت و متمایز از ساختمان های رایج است .
ساختمانهای نمایشگاهی تغییر پذیرند دارای مدولاسیون مشخص ودر بسیاری از موارد قابلیت تکثیرند

میتوانند در زمینه های متفاوت سر همبندی شوند واز آنجا که ارتباط زیادی با بستر ندارند به جز فناوری ومهندسی تداعی کننده ی بوم فرهنگ ونظایر آن نیستند.اما به طرز واضح وروشنی بیانگر ونماینده ی مسائل اجتماعی محسوب میشوند وهر یک از جوامع غربی سعی در بازتاب ونمایش توانایی ها و برتری های خود بر دیگران در زمینه کسب تکنولوژی دارند

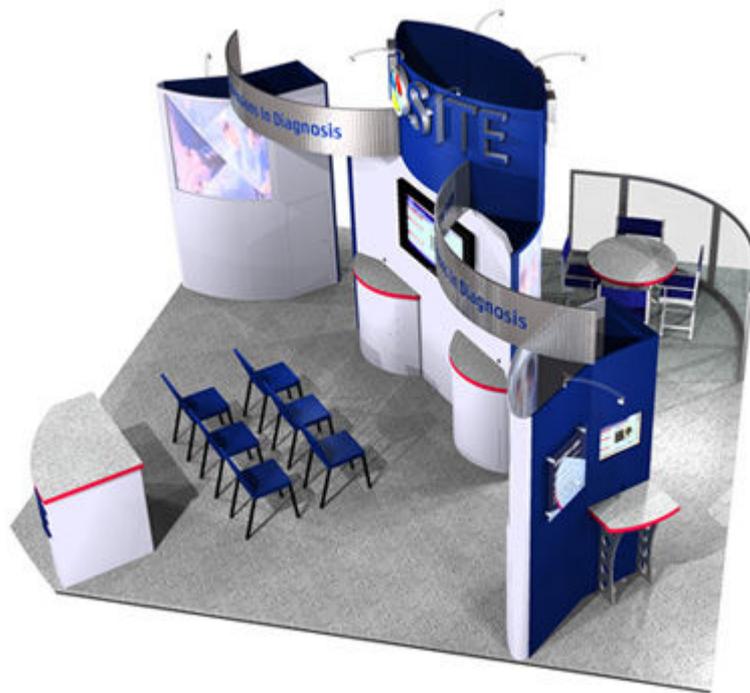
۳ (تکنولوژی در برابر فرم)
در طراحی فضاها ی نمایشگاهی محصولات ومصنوعات باقابلیت های بسیار محدودی از نظر شکل دهی وحالت پذیری همراهند. هنر کاردست روی آنها انجام پذیر نیست وبه صورت تولید انبوه از کارخانه به مقصد حمل میشود .

این محدودیت ها در دستاوردهای تکنولوژیک در ادامه خود توانایی طراح در طراحی وخلق فرم های جدید وبدیع را محدود مینماید. ودر بسیاری از مواقع به خلق فرم های تکراری ویکنواخت وتحمیلی منجر میشود .
۴ (بروتالیزم در برابر آرامش بصری)
:

با توجه به صنعتی بودن عناصر سازندهی این فضاها ترکیب حجمی وفرم حاصله در فضای نمایشگاهی معمولاً دارای روحیه خشن وخشکی است.از آنجا که دارای دوران اخیر شاهد غلبه ی صنعت وتکنولوژی بر طبیعت بوده است استاندارد شدن تولید وفرم مصالح به نوعی خداحافظی باطبیعت شمرده میشود. این امر مورد نکوهش برخی از معماران طبیعت قرار گرفت.راسکین این نوع طراحی را مترادف با غلبه ی مهندسی معماری خداحافظی باطبیعت وبه صدا درآوردن ناقوس مرگ هنر توصیف کرد .
اوج تکامل ایده ی انسان صنعتی از نظر خلق فضاها ی مدرن وبریده از طبیعت رادر مرکز پمپیدو که در سال های هفتاد میلادی نه با هنرمندی به مفهوم کلاسیک آن که با صنعت گری وفن سالاری تمام طراحی وساخته شد میتوان مشاهده کرد.

زھرا غیور





چگونه به موضوع نما در معماری بیندیشیم؟

بررسی آماری نشان دهنده این موضوع است که در هر سال ۵۰ میلیون نفر به جمعیت شهر نشین کشورهای در حال توسعه اضافه می شود. در ایران نیز شهر نشینی طی دهه های گذشته با شتاب فزاینده ای گسترش یافته و همچنان این روند ادامه دارد. رشد سریع جمعیت و گرایش مردم به شهر نشینی، تقاضای فزاینده ای را برای تهیه مسکن به دنبال داشته که این موضوع در پی خود مشکلات عدیده ای در زمینه توسعه شهری بوجود آورده است. ناتوانی در پاسخگویی مطلوب و مناسب به این مساله، وضعیت نامطلوبی را به صورت بی مسکنی، بد مسکنی و تنگ مسکنی برای بسیاری از اقشار جامعه

سمت کوچه و بافت شهر باز می‌شوند، جنبه عمومی تر دارند .
بنابراین وجوه پشت و جلوی ساختمان از یک طرف دارای نمود اجتماعی و از طرف دیگر نمود مشخص ساکنان خود است بنابراین نمای هر ساختمان باید با فضای عمومی همبستگی داشته باشد و هم بتواند حجم داخلی ساختمان را بیان نماید .
نمای هر ساختمان موثر در مجموعه شهری است که در آن حضور دارد و این تاثیر را در بدنه خیابان‌ها یا میدان‌ها که در آن قرار گرفته است می‌گذارد. اگر به نمای ساختمان واحدی، بدون در نظر گرفتن نمای دیگر ساختمانها فکر شود، همگونی نمای شهری در کلیت از بین می‌رود .

تناقض بین جنبه شهری و بیان فردی نما در صورتی می‌تواند از بین رود که ساختمان جزئی از شهر در نظر گرفته شود و ارتباطات آن با محیط اطراف چند جانبه باشد. نمای رو به کوچه و خیابان باید تابع عوامل همبستگی بین نماهای اطراف باشد. اما در عین حال بر اساس ترکیبی از اجزا مختلف بر حسب عملکرد، ابعاد و مصالحشان شخصیت خاص خود را دارد .

نما در واقع یک سطح صاف و تخت نیست بلکه آن سطح انتقالی بین فضای داخل و خارج است که با عقب نشستگی و پیش آمدگی، تراس و غیره با فضای داخل مسکن ارتباط پیدا می‌کند .
برای اینکه نمای ساختمان حریم خصوصی ساکنان خود را حفظ کند باید نسبت به خیابان بسته‌تر و محفظه‌وارتر باشد .

نمای ساختمان باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به وسیله تناسب خوب پنجره‌ها، بازوهای در، سایبان و محدوده سقف‌ها، سازه عمودی و افقی، مصالح، رنگ، عناصر تزئینی و... باشد. پنجره‌ها همواره با دیگر عناصر دیوار، سطوح باز و بسته، تیره و روشن، صاف و ناهموار را بوجود می‌آورند. به علت تکرار دوره ای پنجره‌ها، در ساختمان‌های چند طبقه، نظم کاملی به چشم می‌خورد. اما گاه به علت افزایش نور در طبقات بالاتر کاهش داده می‌شود و این نظم آهنگ خود را از دست می‌دهد .
جداسازی عناصر افقی و عمودی تاثیر کلی در نما دارد. تناسب عناصر ساختمان لازم است با کل ابعاد ساختمان مطابقت داشته باشد. برای مثال در ساختمان‌های کوتاه عریض،

ابعاد عرضی غالب خواهد بود. در ساختمان‌های بلند عناصر باریک برتری خود را نشان می‌دهند. در و پنجره و نعل درگاه‌ها تاثیر خاصی در نما می‌گذارند. ناودان‌ها، سایه بانها، پیش آمدگی‌های سقف و بالکن‌ها ایجاد سایه‌های خاصی بر روی نما می‌کنند. تفاوت سطح‌ها باید در نما مشخص باشد. برای مثال بین طبقه همکف، سایر طبقات و طبقه انتهایی باید یک تفاوت اساسی وجود داشته باشد. ترکیب کلی نما در واقع نظم در این تفاوت‌ها است.

عناصر اصلی نما مثل پنجره، در، سطوح و محدوده پایانی سقف و غیره در شکل، رنگ، و مصالحشان با یکدیگر اختلاف دارند. این عناصر معناهای متفاوتی دارند. مثلاً نمی‌توان بالا و پایین پنجره و در را با هم هم‌ردیف کرد. اگر ارتفاع این بازشوها یکسان نباشد می‌توان از ضرایب مشترک و یا رنگهای یکسان استفاده نمود. نسبت‌های هندسی نقش تعیین کننده‌ای در هماهنگ‌سازی ظاهر نما دارند. می‌توان پنجره‌ها را در گروه‌های کوچکتر ترکیب شده که شکل مشخصی را ایجاد می‌کنند دسته‌بندی کرد. نماها می‌توانند از نظر مصالح نیز با یکدیگر متفاوت باشند.

مصالح نما در رنگ، شکل، زبری و خشنی نما تاثیر می‌گذارد. مصالح بومی نشان می‌دهد که نما مربوط به چه منطقه‌ای است. ترکیب پنجره‌ها، ایوان‌ها، درها و به‌طور کلی بازشوها، همچنین بافت و جنس نما و کمپوزسیون آن در هر عصر متفاوت است و در عین حال در یک تداوم شهری تغییر می‌کند. طراح می‌تواند نما را به عالیترین حد ترکیب معماری برساند و یا آنرا تا حد یک سطح بدون طراحی و فکورانه کند.

در اعصار مختلف بازشوها به شکل مشابهی در سطح نما قرار می‌گیرند و تنوع در قرار گیری آنها تابع عوامل داخلی چون بزرگی ساختمان، عریض بودن آن و یا عوامل اقلیمی چون جهت قرارگیری و محل قرارگیری است. در پهنای دیوار نما تعبیه پنجره دو جداره، آفتاب‌شکن، سایبان و ... نقش تنظیم کننده شرایط آب و هوایی فضاها را خواهد داشت.

در دیوارهای باریک معاصر این عمل با جلو و عقب آمدن ساختمان انجام می‌شود. یکی از عوامل ضروری در هویت نما تعیین محدوده نما است. نمایی می‌تواند در طرح خود

موفق باشد که به این سوال‌ها پاسخ گوید. محدوده عمودی جانبی ساختمان کجاست؟ خط پایانی افقی ساختمانی چگونه است و مرز ساختمان در آسمان به چه شکل است؟ انتهای ساختمان چگونه به پایان می‌رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان همسایه ای دارد ارتباط نمای ساختمان فعلی با نمای همسایه چگونه به پایان می‌رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان همسایه دارد ارتباط نمای همسایه چگونه است و اگر در فضا قطع می‌شود این ارتباط چگونه است. محدوده‌های افقی ساختمان عبارتند از نقطه اتصال به آسمان (محدوده پایانی ساختمان) نقطه اتصال به زمین (محل نشستن ساختمان بر زمین) و پوشش ساختمان مثل بام و شیروانی. محدوده پایانی ساختمان باید معنای اتمام ساختمان را با خود داشته باشد و طبقه همکف ساختمان را با خود داشته باشد و طبقه همکف ساختمان باید مفهوم نشستن ساختمان بر زمین را برساند. طبقه همکف باید در محدوده قد افراد کشش لازم را بر عابر پیاده و بیننده ایجاد کند.

کنج یا گوشه نما در واقع محل برخورد دو نمای عمود بر هم است. کنج می‌تواند حالت عمود ۹۰ درجه، نیم دایره یا سه وجهی را داشته باشد و هر کدام می‌تواند تأثیرات متفاوتی را در نما بگذارد. در یک میدان یا چهارراه هماهنگی کنجهای ساختمان‌هایی که در چهار طرف آن قرار گرفته است می‌تواند در نمای شهری تأثیر زیبایی داشته باشد.

● نمای ساختمان خالق نمای شهری است

نمای شهری از مجموعه نماهای مشرف به فضای عمومی به دست می‌آید. این نماها از جهتی همگن و از جهتی ناهمگن هستند. می‌توانند همگن باشند چون با استفاده از زبانی مشترک روی بدنه اجزا شهر اجرا می‌شوند و اما از آنجا که هر کدام از این فضاها به کمک این زبان، مقاصد و نیازهای خود را بیان می‌کنند، ناهمگن هستند. در شهرهای ما زبان مشترکی بین نماها وجود ندارد. نه فرهنگ مشترکی برای بیان دارند، نه مصالح یکسانی به کار گرفته‌اند و نه سبک مشخصی را دنبال می‌کنند.

در واقع هر یک از نماها در شهر نشانه وضعیت اقتصادی و اجتماعی سازنده و نحوه تفکر و نگرش او به مسایل مختلف است.

نمای شهری در واقع ترکیبی از اجزا متفاوت است که بر اساس اتفاقاتی که در خیابان‌ها

و معاً بر مبنای افتد شکل می گیرد .
این اجزا در صورت رعایت مسایلی که پیش از این نیز به آن پرداخته شد می توانند با یکدیگر نقاط اشتراک جالبی داشته باشند که نمی توان وجود آنها را نفی کرد .

● عناصر پراهمیت درنما

ورودی یکی از عناصر حایز اهمیت نما در ساختمان است که محل و اهمیت طراحی آن به شکل مستقیم نمایانگر نقش و عملکرد ساختمان است. در ورودی نشانه گذر از فضای عمومی خارجی به فضای خصوصی داخلی و یکی از مهم ترین عناصری است که می توان به عنوان نشانه ساختمان از آن نام برد .

لیکن به دلیل اهمیت اقتصادی که سطوح ساخته شده داخلی برای سازندگان دارند، اغلب ورودی ها به فضاهای کم اهمیتی تنزل یافته اند. سرمایه گذاران ساختمانی هم فقط به رعایت ضوابط ضروری طراحی ساختمان بسنده می کنند .

بیشترین مشکل زمانی است که ورودی وسایل نقلیه به حیاط پارکینگ با ورودی خود ساختمان یکی شود. در این حالت فرد وارد شونده به ساختمان فقط یک راه باریک کنار دیوار برایش باقی می ماند. گاه نیز ورودی یک ساختمان مسکونی بیش از حد پرتجمل است، به نحوی که عملکرد ساختمان را دگرگون می سازد. زمانی هم ورودی به یک بنای بزرگ تنها با روزنه ای امکان پذیر می شود. تناسب ورودی و حجم ساختمان می تواند نقش مهمی در توجیه عملکرد و شکل ساختمان داشته باشد .

از آنجا که طبقه همکف ساختمان قسمت اتصال به زمین یا کف پیاده رو است، به صورت قابل توجهی در معرض دید قرار می گیرد. طبقه همکف اهمیت ویژه ای در زندگی شهری دارد، به این علت که عابران پیاده این قسمت را به طور مستقیم می بینند. از این رو نمای این قسمت پر اهمیت است و مصالح مورد استفاده در این قسمت باید نسبت به بقیه ساختمان با دوامتر و مستحکم تر باشد تا عابر در نگاه به نمای ساختمان احساس ثبات کند. ساختمان هایی که طبقه همکف آنها عملکرد تجاری دارد، به دلیل تغییر دکوراسیون واحدهای تجاری دایماً دستخوش دگرگونی می شوند. همین موضوع موجب می شود که ساختمان مذکور شخصیت ثابت خود را از دست داده و دارای نمای شناخته شده ثابتی

نباشد

تراس‌ها چشم‌اندازهای جدیدی نسبت به فضاهای بیرون برای ساختمان فراهم می‌آورند. بالکن‌ها نباید حالت موقت و ناپایداری که در بیننده تصور به‌راحتی جدا شدن از بدنه ساختمان القا شود را داشته باشند.

لبه بام حد و مرز ساختمان و آسمان است و از نظر بصری بام انتهای نماست. بام پوسته‌ای است که بر سر ساختمان قرار دارد. بنابراین لبه بام نمی‌تواند بدون تفاوت با دیگر قسمت‌ها در آسمان رها شود.

صورت‌ظاهر ساختمان و آنچه که در برابر دید عموم قرار دارد، در واقع پر اهمیت‌ترین قسمت ساختمان در برابر عابران و سایر افراد غیر استفاده‌کننده از ساختمان است. همان‌طور که عنوان شد نمای ساختمان‌ها، نمای شهری را ایجاد می‌کند، اما به دلیل ضعف قوانین موظف‌کننده طراح و سازنده در این ارتباط، نمای ساختمان در کمترین اهمیت قرار گرفته است.

در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، ضوابط و مقررات ویژه‌ای در ارتباط با سیما و کالبد شهر وجود دارد و گروهی از برجسته‌ترین افراد با تخصص‌های مرتبط هنر زیبا سازی و زیبایی‌شناسی به کنترل طرح‌های بزرگ و کوچک معماری و شهری از نقطه نظر هماهنگی نمای بیرونی ساختمان‌ها و محیط شهری یعنی از جنبه‌های رنگ، حجم، مصالح مناسب، فضای پر و خالی نما، رعایت اصول هماهنگی و تناسب و... می‌پردازند. آنچه برای علاقه‌مندان به این موضوع نگران‌کننده است، پاسخگویی با شتاب به نیازی کاملاً محسوس است. در این ساخت و ساز پر شتاب نیاز به بررسی طرح‌های ارائه شده توسط جمعی از صاحب‌نظران و مسوولان در مراکز تایید پروانه‌های ساختمانی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی میدانی طرح ساختمانها با بناهای اطراف از لحاظ کیفیت طرح معماری، نمای ساختمان، تناسب حجم آن با ساختمان‌های اطراف، زیبایی طرح و مصالح مورد استفاده و... نیز گامی موثر در بالا بردن کیفیت نماهای شهری است. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده و القا آن توسط شهرداری هر شهر، می‌توان شاهد ارتقا کیفیت شهرها و زیباسازی نمای شهرها بود.

طراحی نمای ساختمان

نمای هر ساختمان در شکل دهی به مجموعه شهری که در آن حضور دارد، موثر است. اگر به نمای یک ساختمان بدون در نظر گرفتن نمای دیگر ساختمان‌های شهر توجه نشود، همگونی نمای شهری در مجموع از بین می‌رود.



این به نقل از پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری، بررسی آماری نشان دهنده

حال موضوع است که در هر سال ۵۰ میلیون نفر به جمعیت شهر نشین کشورهای در
فزاینده ای توسعه اضافه می شود. در ایران نیز شهر نشینی طی دهه های گذشته با شتاب
گسترش یافته و همچنان این روند ادامه دارد.
مسکن رشد سریع جمعیت و گرایش مردم به شهر نشینی، تقاضای فزاینده ای را برای تهیه
توسعه شهری به دنبال داشته که این موضوع در پی خود مشکلات عدیده ای در زمینه
مساله، وضعیت نا وجود آورده است. ناتوانی در پاسخگویی مطلوب و مناسب به این
بسیاری از اقشار جامعه مطلوبی را به صورت بی مسکنی، بد مسکنی و تنگ مسکنی برای
همراه آورده است.
انسان سعی مسکن به عنوان یکی از نیازهای نخستین بشر، ابتدایی ترین سوالی بوده که
برنامه ریزی های ملی در یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن بوده است، اما همیشه در
عینی و ذهنی، بلکه به عنوان به مسکن نه به عنوان محلی برای آسایش ساکنان در ابعاد
است یک مشکل اقتصادی و فقط از این بعد بر خورد شده



بازگشت سازندگان و تولیدکنندگان مسکن آزاد به دلیل اینکه به دنبال فروش سریع و نمایشی سرمایه خود هستند، سعی در هر چه بیشتر مطرح کردن خود در محله مسکونی ناهماهنگی نمای متمایز از بنای خود دارند و به همین دلیل یکی از دلایل عمده ساختن ساختمانها در سطح شهر هستند.

در رابطه با مسکن تعاونی شرایط بدتری وجود دارد. به دلیل وضعیت مالی ضعیف انجام عملیات سازندگان و اینکه ساکنان و مالکان به دنبال فروش ساختمان نیستند، بدون کمترین هزینه و بدون طراحی پایانی نظیر نماسازی مورد استفاده قرار می گیرند و یا با سالهای اخیر در شهر تهران هیچ نما، حجم و کالبد ساختمان رها می شود. البته در

مساله در شهرستان‌ها همچنان انجام ساختمانی بدون نماسازی نبوده است، لیکن این

موضوعی است که

چگونه به موضوع نماند در معماری بیندیشیم؟

نماند در لغت نامه دهخدا به معنای صورت ظاهری هر چیزی، آنچه که در معرض دید و

برابر

چشم است، آنچه از بیرون سوی دیده می شود، منظره خارجی بنا و عمارت، قسمت

خارجی ساختمان و نماسازی، فن روسازی ساختمان و ساختن نمای عمارت است

در سال‌های اخیر پس از مطرح شدن دوباره اهمیت فضاهای عمومی و ارزش زندگی

و فضای شهری، نماند اهمیت دوباره ای یافته است. نماند در عمل درون ساختمان را از بیرون

سازندگان خصوصی را از فضای عمومی جدا می کند. نماند حاکی از موقعیت فرهنگی

و خانه آرایشی ساختمان است و نشانگر میزان نظم طرح ساختمان، امکانات و ذوق تزئین

در بین عموم طراح و مالک است. یک نماند به مثابه معرفی وضعیت ساکنان ساختمان

طراح یا مالک از است. نماند در واقع صورت ساختمان و بهترین بیان حالتی است که فرد

خصوصی دارند، لیکن خود در برابر بیرون دارد. نماهای داخل ساختمان بیشتر جنبه

عمومی تر دارند نماهایی که به سمت کوچه و بافت شهر باز می شوند، جنبه

بنابراین وجوه پشت و جلوی ساختمان از یک طرف دارای نمود اجتماعی و از طرف

دیگر نمود مشخص ساکنان خود است بنابراین نمای هر ساختمان باید هم با فضای



ها، نمای ساختمان باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به وسیله تناسب خوب پنجره عناصر بازشوهای در، سایبان و محدوده سقف‌ها، سازه عمودی و افقی، مصالح، رنگ، بسته، تیره و روشن، تزئینی و... باشد. پنجره‌ها همواره با دیگر عناصر دیوار، سطوح باز و پنجره‌ها، در ساختمان‌های صاف و ناهموار را بوجود می‌آورند. به علت تکرار دوره‌ای به‌علت افزایش نور در طبقات بالاتر چند طبقه، نظم کاملی به چشم می‌خورد. اما گاه از دست می‌دهد کاهش داده می‌شود و این نظم آهنگ خود را لازم جداسازی عناصر افقی و عمودی تاثیر کلی در نما دارد. تناسبات عناصر ساختمان کوتاه است با کل ابعاد ساختمان مطابقت داشته باشد. برای مثال در ساختمان‌های برتری خود عریض، ابعاد عرضی غالب خواهد بود. در ساختمان‌های بلند عناصر باریک

می‌گذارند. ناودان‌ها، رانشان می‌دهند. در و پنجره و نعل درگاه‌ها تاثیر خاصی در نما

سایه‌های خاصی بر روی نما سایه بانها، پیش آمدگی‌های سقف و بالکن‌ها ایجاد

می‌کنند

و تفاوت سطح‌ها باید در نما مشخص باشد. برای مثال بین طبقه همکف، سایر طبقات

واقع نظم در طبقه انتهایی باید یک تفاوت اساسی وجود داشته باشد. ترکیب کلی نما در

این تفاوت‌ها است

رنگ، عناصر اصلی نما مثل پنجره، در، سطوح و محدوده پایانی سقف و غیره در شکل،

مثلاً نمی‌توان و مصالحشان با یکدیگر اختلاف دارند. این عناصر معنای متفاوتی دارند

این بازوها یکسان نباشد می‌بالا و پایین پنجره و در را با هم هم‌ردیف کرد. اگر ارتفاع

نمود. نسبت‌های هندسی نقش توان از ضرایب مشترک و یا رنگهای یکسان استفاده

می‌توان پنجره‌ها را در گروه‌های تعیین کننده‌ای در هماهنگی سازی ظاهر نما دارند

می‌کنند دسته بندی کرد. نماها می‌کوچکتر ترکیب شده که شکل مشخصی را ایجاد

باشند توانند از نظر مصالح نیز با یکدیگر متفاوت



مصالح نما در رنگ، شکل، زبری و خشنی نما تاثیر می گذارد. مصالح بومی نشان می دهد که نما مربوط به چه منطقه ای است. نما و ترکیب پنجره ها، ایوان ها، درها و به طور کلی بازشوها، همچنین بافت و جنس تغییر کمپوزسیون آن در هر عصر متفاوت است و در عین حال در یک تداوم شهری یا آنرا تا حد یک می کند. طراح می تواند نما را به عالیترین حد ترکیب معماری برساند و سطح بدون طراحی و فکرها کند. قرار در اعصار مختلف بازشوها به شکل مشابهی در سطح نما قرار می گیرند و تنوع در عوامل اقلیمی گیری آنها تابع عوامل داخلی چون بزرگی ساختمان، عریض بودن آن و یا

تعبیه پنجره دو چون جهت قرارگیری و محل قرارگیری است. در پهنای دیوار نما هوایی فضاهاى داخلی جداره، آفتاب‌شکن، سایبان و ... نقش تنظیم کننده شرایط آب و هوا را خواهد داشت

یکی در دیوارهای باریک معاصر این عمل با جلو و عقب آمدن ساختمان انجام می‌شود طرح خود از عوامل ضروری در هویت نما تعیین محدوده نما است. نمایی می‌تواند در ساختمان کجاست؟ موفق باشد که به این سوال‌ها پاسخ گوید. محدوده عمودی جانبی به چه شکل است؟ خط پایانی افقی ساختمانی چگونه است و مرز ساختمان در آسمان وضعی دارد؟ اگر انتهای ساختمان چگونه به پایان می‌رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه همسایه چگونه به پایان می‌ساختمان همسایه ای دارد ارتباط نمای ساختمان فعلی با نمای همسایه دارد ارتباط نمای رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان ارتباط چگونه است همسایه چگونه است و اگر در فضا قطع می‌شود این ساختمان) محدوده‌های افقی ساختمان عبارتند از نقطه اتصال به آسمان (محدوده پایانی مثل بام و نقطه اتصال به زمین (محل نشستن ساختمان بر زمین) و پوشش ساختمان خود داشته باشد و طبقه شیروانی. محدوده پایانی ساختمان باید معنای اتمام ساختمان را با ساختمان باید مفهوم نشستن همکف ساختمان را با خود داشته باشد و طبقه همکف محدوده قد افراد کشش لازم را بر عابر ساختمان بر زمین را برساند. طبقه همکف باید در پیاده و بیننده ایجاده کن

حالت کنج یا گوشه نما در واقع محل برخورد دو نمای عمود بر هم است. کنج می تواند تاثیرات عمود ۹۰ درجه، نیم دایره یا سه وجهی را داشته باشد و هر کدام می تواند ساختمان هایی متفاوتی را در نما بگذارد. در یک میدان یا چهارراه هماهنگی کنجهای تاثیر زیبایی داشته که در چهار طرف آن قرار گرفته است می تواند در نمای شهری باشد.

نمای ساختمان خالصتاً نمای شهری است از نمای شهری از مجموعه نماهای مشرف به فضای عمومی به دست می آید. این نماها از زبانی جهتی همگن و از جهتی ناهمگن هستند. می توانند همگن باشند چون با استفاده از این فضاها به مشترک روی بدنه اجزا شهر اجرا می شوند و اما از آنجا که هر کدام هستند. در شهرهای ما کمک این زبان، مقاصد و نیازهای خود را بیان می کند، ناهمگن برای بیان دارند، نه مصالح زبان مشترکی بین نماها وجود ندارد. نه فرهنگ مشترکی دنبال می کنند یکسانی به کار گرفته اند و نه سبک مشخصی را نحوه تفکر در واقع هر یک از نماها در شهر نشانه وضعیت اقتصادی و اجتماعی سازنده و نگرش او به مسایل مختلف است خیابانها نمای شهری در واقع ترکیبی از اجزا متفاوت است که بر اساس اتفاقاتی که در معماری افتد شکل کلی می گیرد

می‌توانند با این اجزا در صورت رعایت مسایلی که پیش از این نیز به آن پرداخته شد
رانی کرد یکدیگر نقاط اشتراک جالبی داشته باشند که نمی‌توان وجود آنها



عناصر پراهمیت درنما

ورودی یکی از عناصر حایز اهمیت نما در ساختمان است که محل و اهمیت طراحی آن
فضای به شکل مستقیم نمایانگر نقش و عملکرد ساختمان است. در ورودی نشانه گذر از

عمومی خارجی به فضای خصوصی داخلی و یکی از مهم ترین عناصری است که می توان به عنوان نشانه ساختمان از آن نام برد.

اغلب لیکن به دلیل اهمیت اقتصادی که سطوح ساخته شده داخلی برای سازندگان دارند، هم فقط به ورودی ها به فضاهای کم اهمیتی تنزل یافته اند. سرمایه گذاران ساختمانی رعایت ضوابط ضروری طراحی ساختمان بسنده می کنند.

بیشترین مشکل زمانی است که ورودی وسایل نقلیه به حیاط پارکینگ با ورودی خود کنار ساختمان یکی شود. در این حالت فرد وارد شونده به ساختمان فقط یک راه باریک پرتجمل دیوار برایش باقی می ماند. گاه نیز ورودی یک ساختمان مسکونی بیش از حد به یک است، به نحوی که عملکرد ساختمان را دگرگون می سازد. زمانی هم ورودی ساختمان می بنای بزرگ تنها با روزه ای امکان پذیر می شود. تناسب ورودی و حجم تواند نقش مهمی در توجیه عملکرد و شکل ساختمان داشته باشد.

از آنجا که طبقه همکف ساختمان قسمت اتصال به زمین یا کف پیاده رو است، به صورت قابل توجهی در معرض دید قرار می گیرد. طبقه همکف اهمیت ویژه ای در می بیند. از زندگی شهری دارد، به این علت که عابران پیاده این قسمت را به طور مستقیم این قسمت باید نسبت این رو نمای این قسمت پر اهمیت است و مصالح مورد استفاده در نگاه به نمای ساختمان احساس به بقیه ساختمان با دوامتر و مستحکم تر باشد تا عابر در عملکرد تجاری دارد، به دلیل تغییر ثبات کند. ساختمان هایی که طبقه همکف آنها

دگرگونی می‌شوند. همین موضوع دکوراسیون واحدهای تجاری دایما دستخوش
را از دست داده و دارای نمای موجب می‌شود که ساختمان مذکور شخصیت ثابت خود
شناخته شده ثابتی نباشد
می‌آورند. تراس‌ها چشم اندازه‌های جدیدی نسبت به فضاهای بیرون برای ساختمان فراهم
به راحتی جدا شدن از بدنه بالکن‌ها نباید حالت موقت و ناپایداری که در بیننده تصور
ساختمان القا شود را داشته باشند
پوسته‌ای لبه بام حد و مرز ساختمان و آسمان است و از نظر بصری بام انتهای نماست. بام
بدون تفاوت با دیگر قسمت است که بر سر ساختمان قرار دارد. بنابراین لبه بام نمی‌تواند
در آسمان همان ره‌ها شود
اهمیت ترین صورت ظاهر ساختمان و آنچه که در برابر دید عموم قرار دارد، در واقع پر
از ساختمان است. قسمت ساختمان در برابر عابران و سایر افراد غیر استفاده کننده
می‌کند، اما به دلیل همان‌طور که عنوان شد نمای ساختمان‌ها، نمای شهری را ایجاد
نمای ساختمان در کمترین ضعف قوانین موظف کننده طراح و سازنده در این ارتباط،
اهمیت قرار گرفته است
و در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، ضوابط و مقررات ویژه‌ای در ارتباط با سیما
هنر زیبا کالبد شهر وجود دارد و گروهی از برجسته‌ترین افراد با تخصص‌های مرتبط
از نقطه سازی و زیبایی شناسی به کنترل طرح‌های بزرگ و کوچک معماری و شهری

رنگ، حجم، نظر هماهنگی نمای بیرونی ساختمان‌ها و محیط شهری یعنی از جنبه های
و... می مصالح مناسب، فضای پر و خالی نما، رعایت اصول هماهنگی و تناسبات
پردازند

نیازی آنچه برای علاقه‌مندان به این موضوع نگران کننده است، پاسخگویی با شتاب به
ارایه شده کاملاً محسوس است. در این ساخت و ساز پر شتاب نیاز به بررسی طرح‌های
ساختمانی ضروری توسط جمعی از صاحب نظران و مسوولان در مراکز تایید پروانه‌های
از لحاظ کیفیت طرح به نظر می‌رسد. بررسی میدانی طرح ساختمانها با بناهای اطراف
اطراف، زیبایی طرح و مصفا معماری، نمای ساختمان، تناسب حجم آن با ساختمان‌های
کیفیت نماهای شهری است. با در نظر لح مورد استفاده و... نیز گامی موثر در بالا بردن
شهرداری هر شهر، می توان شاهد ارتقا کیفیت گرفتن موارد ذکر شده و القا آن توسط
شهرها و زیباسازی نمای شهرها بود











طراحی نمای ویلا با مصالح مدرن



تعریف پلان عمقی:

آیا میتوانیم امروزه با یک مفهوم فضایی متفاوت با آن چه پیشگامان جنبش مدرن به کار میبستند کار کنیم؟ یا در واقع تغییراتی که در فضای مدرن روی میدهد به کاربرد مفاهیم انسان‌گرایانه در دوره باروک شباهت دارد؟ یا برعکس دستخوش گسستی شده ایم از جنس نیهیلیسم که از رخت بر بستن احساس امنیت حاصل از آرمانشهر به وجود آمده است؟

کشف پلان آزاد به معنای لوکوربوزیه ای آن شاید برجسته‌ترین دستاورد جنبش مدرن بوده است. این نوآوری فضایی و ساختمانی در واقع یکی از نقاط گسست از معماری پیشین بود. استخوان بندی آن بعنوان یک راه کار همراه با آزمونهای فردی مختلف مبتنی بر آن یکی از نیروهای محرکه اصلی در تاریخ اخیر بوده است. در اساس پیشنهادی بود برای به هم ریختن بنیان ساختمان سنتی تا آن زمان جدار خارجی و سازه که در دیوارباربر به گونه ای تفکیک نا پذیر ادغام میشدند فضا را تعریف میکردند. بنا از ساختن حجمی پدید میامد که نمایی قطور و توپر و صفحه ای حجیم و متراکم محیط بنا را روی یک خط تیپولوژیک دور میزد. توصیف یک نوع دیوار و تیپولوژی خلاق (خط پیرامونی بنا) مهم ترین عرصه هایی بودند که در آنها تمایز سبکی بروز میکرد. وقتی به یکی از پلان های کف اندره پالادیو نگاه میکنیم به روشنی میتوان دریافت که چگونه دیوار خارجی و سازه کنار هم قرار میگیرند و فضای داخلی را میسازند. ساختار سه بخشی اصلی از حفره های منظم که میشد حجم وارونه شده تلقی شان کرد نظم میبخشد و آنها را در یک سلسله مراتب قرار میداد. نوع سطوح پر از جزییات همراه با ایده قالب گرفتن طرح های کلاسیک روی سطح یک نمای عمیق به ویژگی این سبک جدید بدل شد. وقتی لوکوربوزیه جدایی سازه مقاوم و جدار خارجی را در پنج اصلش درباره یک معماری جدید اعلام داشت نه تنها بر یک نوآوری ساختمانی جدید انگشت مینهاد که اعلام میکرد جای یک دیوار حجیم را طبقه بندی های کاملاً مناسب برای نیاز های گوناگون گرفته اند. این آغاز فرمول بندی نظری یک اصل فضایی جدید بود که بر تارک آمال جنبش مدرن در عرصه فرم قرار گرفت. این فضایی بود ناشی از جاذبه های متقابل که در آن از میان عناصر گوناگون معماری جداره ها

سازه و تیغه های جدا کننده نقش میدانها نیروهای مولد جاذبه را بازی می کردند. درست است که این فضا به تمامی ابداع او نبود استفاده ه از سازه های شبکه ای مکتب شیکاگو پیدایش بتن مسلح تجارب کویستی وجستجوی قوانینی که میبایست انحلال فرم را قاعده مند کنند عوامل مهمی در این تحویل بودند. اما امروز دین ما به او به خاطر وسعت یافتن گستره آزمونها و تجربه کردن ها در عرصه طرح وهم چنین فرمول بندی ساده وبرنامه ای اوست. پلان کف ویلا استاین در سال ۱۹۲۷ در گارینش در اینجا به خاطرمان میآید. تحسین جنبه حیرت انگیز در آنها آرایش منظم در سر تاسر پلان است. هر یک از خانواده های عناصر سازه ای جداره ها و تقسیم بندی داخلی گروهی مستقل ومجزارا تشکیل میدهند. هر گروه منطق خود را دارد. روابط درونی آنها یک فضای داخلی مرکب را پدید می آورد. در این جا عوض حجم در هم شده کلاسیک، تصنعی بودن عناصر پر که حجم را تعریف میکنند به رخ کشیده میشود. پلان همکف هر یک از این ویلاها حالت بسیار نرمی را آشکار میسازد که سبب میشود بتوان آنرا چون یک نقاشی ناب گرا قرائت کرد. تعریف تصنعی دیوار دیگر اهمیتی ندارد وجسمیت ان بر بومی سپید وغیر مادی رنگ میبازد. یکدست، منظم، گسترده، نامتباين، اینها صفاتی اند که میتوانیم در تعریف این فضا به کار بریم. هدف نه آن قدرها سیال بودن بلکه تداوم است. در ستونها موجودیت جسمانی وهنر مندانه آوانگارد به کار میبستند. پس از تعریف پلان کف نوبت به گزینش الگوهای فرمی میرسد. به هر حال پلان ازاد مفهومی یکسان در کل جنبش مدرن نبود آن را به انواع شیوه های مختلف درک کردند وساختند برای مثال میس وندر روهه با تصویری متفاوت کار میکرد. هر چند میتوان عناصر شگفته در مثالهای قبلی را در خانه تو گندهات او در بر توتک پیدا کرد اما نمیتوان هیچگونه نتایج مشابهی را تشخیص داد. لو کوربوزیه تمایل بیشتری به باز بودن دارد. فضای داخلی نمیخواهد با جداری سر تا سری محدود شود. از نظر میس وندر روهه چیزی به نام قالب قوطی شکل موجود نداشت. اما اثری از مرزهای داخل نیز دیده نمیشود. هر اتاق هر محیط به اتاق به محیط بعدی بگریزد. حدودی که عملا از لبه های محیط نرده ها، باغچه ها، ساخته شده کمابیش حضور بیشتری دارد تا حدود خود خانه هم چنین میتوان تشخیص داد که دخل و تصرف او در پلان کف، به اندازه لوکوربوزیه اعتقاد نداشت. او سر سخخانه از ترکیب بندی کلاسیکی دفاع میکرد که بر

دیالکتیک میان دیوار و ستون استوار بود. پلان آزاد در نظر دارد از ریتم های دیوارها محیطها را خلق کنند نه محوطه ها. از نظر لوکوربوزیه دالها و ستونها در اینجا به کار ساختن یک سقف میاید. ویژگی اصلی فضای او ماهیت منحصرافقی آن است که در نهایت با دو صفحه موازی تعریف میشود کف و سقف. این فضا همگن نیست بلکه در واقع با گذاردن قطعات داخلی تنشی ظریف پیدا کرده است. ستونها و تقسیمات همگی از هم مستقل اند. و معمولا تعداد و اندازه آنها کاهش میابد تا تداوم نامنطقی که میس پیوسته در جستجوی آنست بیابد. خلق این فضا در بین صفحات جریان میابد و با گسترش به بیرون از سقفها و کفها. تفاوت میان داخل و اطراف آنرا کم رنگ میکند. هر دو مکان ظاهرا از الگوی واحدی تبعیت میکنند. اسکیس های پرسپکتیو داخلی خانه های پاسیو دار او جلوه غریبی چون تصویر در آینه دارند. اتاقهای نشیمن با پنجره های قدی از کف تا سقف محصور شده اند و مانند تیغه های میانی اند. شفافیت شیشه سبب میشود که قاب پنجره ها دیده نشوند. بدین ترتیب اتاقهای نشیمن و پاسیوها فضایی پیوسته اند. با تفاوت یک وقفه که سقف ایجاد میکند میشود آنرا یک محیط داخلی واحد دانست که در یک بخش ارتفاع مضاعف میشود. پیشتر رایت هم در مسیری موازی به پژوهش پرداخته بود. او به نابودی قوطی معماری و پراکندگی فضایی که بیش از آن از بیرون محصور میشد علاقه مند بود. پیوستگی چهار دیوار ابتدا با از میان برداشتن گوشه و بعد تداخل محیطها با هم او را به تعریف مدنی سوق داد که به فضای واحد اجزای جدا جدای میس نزدیک تر بود تا به گستره بلا وقفه لوکوربوزیه ای فضای فراگیرند و پدیدار شوند. در برابر فضای خرد گرایانه دیوارهایی که چون صفحات عمل میکنند. دخل و تصرف او در قوطی معماری کف و سقف را هم در بر گرفت و ارتفاع های مختلف را مفصل بندی کرد تا فعالیت های مختلفی را که قرار بود در یک اتاق صورت گیرد از هم متمایز کند. عناصر نسبی که در این فرآیندها تجربه میشود دوباره پس از پالایش به خواسته معمار در مجموعه ای دیگر با هم جمع می آمدند هر چند پلان آزاد را معمولا در ارتباط با رایت مطرح نمیکنند. زیرا سیالیت فضایی او برخاسته از همان مفروضات پیشگفته نیست اما با این شرط در ذهن میتوان او را نیز در بحثی که تا به اینجا مطرح شده که همه این تعاریف فضایی با فکر ایجاد سطح در فضا تحقق میابد یا به عبارت دیگر از جنبه سطحی فضا ناشی

میشوند، شریک گرفت. هنر او انگارد تصویری معاصر با مفاهیم مشابهی دست و پنجه نرم میکند. پرسپکتیوهای متداخل گنجاندن زمان در تعریف تجسمی فضا نظامی که کوبیسم ابداع کرده بود و میخواست جایگزین ساختهای پرسپکتیو عصر رنسانس کند و یک روش جهانی برای یک پارچه کردن شود. اما فقط قواعد تغییر کرد شبیه سازی هایی شهودی فضا تماما از یک سطح واحد بیرون زده اند. در کلاسیسم دیوارها ارباب مطلق بودند. اسکلت مدرن با براندازی دیوارهای بار بروصفحات عمودی کف های دالی تو پر و صفحات افقی را جانشین ساخته بودند. آزادی ای که بیشتر در مقطع ها، گنبد ها، قوسهای متداخل و غیره فراهم بود. در برنامه ها توزیع ها و ابداعات فرمی معماران مدرن در پلان کف نصب آنها میشود. در عین حال آن جنبه قدرتمند و انعطاف پذیری که در ترکیب بندی معماری کلاسیک بود و آنها محکومش میکردند در مقطع های خود آنها وارد میشد. فضای عمودی از طریق روی هم گذاری ساده صفحات به صرف برهم انباشتن پیاپی کف ها و سقف ها گسترش می یابد یک مقطع مدرن از لحاظ تکرار پیامی دالهای بزرگ کف بسیار انعطاف نا پذیر است. فضا ۹۰ درجه چرخیده اما مناسبات فضایی خود را حفظ کرده است. آزادی مقطع داده اند و در عوض آزادی پلان کف را گرفته اند. حجم مدرن با استفاده از پلان های آزاد روی هم گذاشته شده ساخته میشود ابا تماشای فضا های داخلی این خانه ها به روشنی میتوان دید مرجع هر فضای داخلی تنها خود آن فضای یک طبقه است. هیچ ایده فضایی ای نیست که ساختمان رادر ارتفاع کامل کند. پلان آزاد فاقد عمق است. لوکوربوزیه این را در یافت و برای همین دست به کار ایجاد سوراخهای در جداره ها شد. بدین وسیله توانست تا حدی به آنها حرکت عمودی بخشد با استفاده از نظامی از عناصر خالی ارتفاع های دو برابر و سه برابر سعی کرد تداوم های فضایی لازم برای باز یافتن کیفیت تندیس وار معماری را در فضای داخلی ایجاد کند در موارد دیگر مفهوم راهرو مسقف را دارد کار کرد به مسیری ثابت و به ستون. فضا ها را به شیوه ای روایی بهم میپیوست. روش اخری که به کار گرفت گنجاندن بی ظرافت یک پیکره ارگانیک بی قاعده یا یک حجم داخلی بزرگ واحد بود تا نظم فواصل مساوی بین دالهای کف را شکند. ویلاهای پرابرتی، مرکز کارپنتر و تالار اجتماعات در چند نمونه های از این مکانیسم های اصلاحی اند. بدین ترتیب گسسته های تجربی مدرن با دوخت و دوز

هـای تجربی کـاهش یافتند .

به رغم کاربرد بارز کلمات و مفاهیمی چون زمینه مکان یا شکل که بیشتر نقشی نداشتند باز هم چنان وامدار مفروضات پلان آزادیم. وقتی به جستجوی همسان در میان نمونه های مختلف فعلی بر میایم به هم راستایی یا تعامد قطعات مستقل بر میخوریم هر کدام به نحوی فضاهای کاملاً بسته یا محدود درون سازه های حجمی دیوارمانند شبکه ای قرار دارند. در باقی مفاهیمی که میتوان ذکر کرد تنها واژه ها تغییر کرده اند. وقتی جنبه های تکه تکه و نامعین مطرح است در واقع پای همان مختصات سیالیت غیر محصور شفاف و نا گسسته که بیشتر ذکر شده در میان است. وقتی از تعامد قطعات برای نمایش شدت کشیدگی استفاده میشود که با ادغام جداره های سازه و کار کرد بر یک پلان کف مدرن بر قرار میشد، اگر عناصر یا پیکره های گسسته بهم چسبانده میشوند معمولاً کار به مجرد واحد ساختمانی کلاسیک کشیده میشود تعالی یا گسستی که جنبش های پس از جنگ دوم جهانی به جستجویش بودند تا حد زیادی محدود است. کاربرد متنوع و مبالغه آمیز همان اجزایی که برای ساختن آن فضا لازم بودند هر منبع نیرو یا نظامی که حالت فضای مدرن را تعریف میکرد. حالا صراحت یافته گسترش پیدا کرده و از مجموعه ای که بیشتر عضو آن بود مستقل شده است آنها تا حدودی نشان داده اند که مستقلند. آنچه زمانی تجربیدی بود امروزه با صراحت بیان میشود. تفاوت با جنبش مدرن که آگاهانه ایجاد شد در نحوه کنترل نظم داخلی بود. یکپارچگی همه عناصر دخیل در تعریف فضا که در مدرنیسم از طریق تاثیر آزادانه نیروها بود بر قرار شد. دوباره روش شی یا قانون افکنده که ربطی به بنا ندارد نیاز به یک نظم بیرونی آغازین که از دلتنگی برای معمار مرکز دار خاسته است به رسمیت شناخته میشود ما استقلال فضای جذب شده را میدهیم و به جایش ارجاع ضروری به یک ارزش بیرونی پایدار را میگیریم که به دلیل فراموش شدنی اش میبایست دوباره ابداع شود. فضای تکامل یافته زمانی به حالت وحدت میرسد که با آنچه ورای آن قرار دارد با شهری بودن با حالت جمعی اش ارتباط می یابد. حفره های عمودی که چندین تراز را بهم می پیوست در نهایت به میدانهای شهری در دل بنا میشود دانش تجربی که میخواست سوراخهای انتزاع را پر کند اختیار معماری را به دست گرفته است و عام را به خاص، فضا را به مکان بدل میکند.

طراحی ساختمان ترمینال فرودگاه های تجاری، مسافرتی:

دو سیستم کلی در طراحی ساختمان ترمینال فرودگاه های تجاری، مسافرتی وجود دارد: سیستم متمرکز و سیستم غیر متمرکز. در سیستم متمرکز کلیه مسافرین، توشه ها، و بارها طی یک حرکت هماهنگ بصورت قیفی شکل، مسیری را طی کرده و در یک ساختمان مرکزی تجمع یافته و آنگاه دوباره در بخش های مختلف استقرار هواپیماها پراکنده می شوند ولی در سیستم غیر متمرکز مسافرین و بسته هایشان مستقیماً به محل سوار شدن هدایت می شوند. انتخاب هر یک از دو سیستم به مقدار سطح موجود که جهت توقف هواپیما تخصیص داده شده بستگی دارد. هنگامیکه جهت سوار شدن به هواپیما پیاده روی بیش از ۱۸ متر لازم باشد، الزاماً باید سیستم متمرکز را به سیستم غیر متمرکز تبدیل نمود. به همین ترتیب هنگامیکه تعداد درب های خروجی (محوطه مورد نیاز جهت سوار شدن به هواپیما) مورد نیاز هر شرکت هوایی در یک فرودگاه از شش عدد تجاوز کند، سیستم غیر متمرکز اقتصادی نخواهد بود. در چنین موقعیتی متمرکز ساختن عملیات هر شرکت هوایی در یک منطقه، از راه حل های منطقی خواهد بود و این راه حل منتهی خواهد شد به سیستمی که در آن، تعدادی سیستم متمرکز در یک منطقه بصورت غیر متمرکز استقرار یافته اند

در گذشته تسهیلات ترمینال مسافرین در غالب فرودگاه ها در یک ساختمان مرکزی مستقر بوده است؛ چنین سیستمی تا زمانی مناسب خواهد بود که تعداد هواپیماها و تعداد درب های خروج کم بوده و بتوان تمام بخش های مختلفه ترمینال را در یک ساختمان متمرکز کرد و این در حالی است که ظرف بیست سال گذشته ترافیک هوایی افزایش سریعی داشته و همین مساله دلیلی بر ناتوانی و عدم اجرایی بودن چنین سیستمی در دوران

اخیر است. امروزه سیستم تمرکز مختلط، که بنام سیستم ترمینال های واحد نیز خوانده می شود، جایگزین سیستمهای دیگر گشته و بتدریج ملاک اصلی در طراحی ترمینال فرودگاه ها گردیده است.

در این سیستم تسهیلات ترمینال در واحدهای کوچکتری تمرکز یافته و آرایش این واحدها پیاده روی از پیاده روی جلوی ترمینال تا محل سوار شدن به هواپیما را به حداقل می رساند. پس از اشباع یک واحد و در صورت لزوم، واحدهای بعدی بدون ایجاد مزاحمت برای سایر واحدها بکار گرفته می شوند. این عمل آنقدر ادامه می یابد تا ظرفیت باند پرواز با ظرفیت کل واحدها برابری نماید. طراح علاوه بر در نظر داشتن عوامل متعدد، تمام یا قسمتی از تسهیلاتی نظیر سالن های انتظار، رستوران، فروشگاه ها و بخشی از دفاتر اداری را برای مسافرینی که مجبورند هواپیمایشان را در این فرودگاه عوض کنند و یا مسافرینی که هواپیمایشان تاخیر طولانی دارد طرح می کنند .

بعضی از تسهیلات رفاهی را می توان در ساختمان هایی که منحصراً بدین منظور احداث میشوند و در نزدیکی و یا در ارتباط با واحدهای مجری تشریفات پرواز قرار دارند در نظر گرفت که توانایی سرویس دهی به آنها را داشته باشد. واحدهای مجری تشریفات پرواز قویاً به اینگونه بخشها وابسته اند. برای مثال وابستگی آنها را به کابین شرکت های بیمه هوایی، محل تبدیل ارزها و یا بلیط فروشی ها نباید از نظر دور داشت. طرح اینگونه تسهیلات در یک ساختمان مجزا خود باعث می گردد تفکیک پروازهای درون مرزی و بیرون مرزی تسهیل شود .

بالاخره سیستم ترمینال های واحد هزینه های اصلی اولیه را تقلیل بسیار داده و این اطمینان را به همراه دارد که امکان گسترش ترمینال در مراحل بعدی بدون تحمیل هزینه های اضافی وجود داشته و هزینه های انجام شده قبلی را بی اثر نخواهد ساخت

فضای داخلی و نحوه و تقسیم بندی پلان ها:

توجه به فضای داخلی و نحوه و تقسیم بندی پلان ها، نقش مهمی را در ساختار معماری یک بنا بر عهده دارد .
طراحی فضایی با انعطاف پذیری بالا و تنوع پذیر از لحاظ چیدمان و آرایش سطوح می تواند کارکرد های مختلفی را بپذیرد و این در حالی است که مخاطب احساس رضایت بیشتری از فضا خواهد داشت.

استفاده از جدا کننده های سبک و قابل حمل، شفاف سازی، رنگ بندی های متناسب با نیاز های موجود، تنوع مصالح، توجه به نحوه قرار گیری و تعامل مابین فضاهای مختلف از جمله ویژگی ه ایی هستند که در کنار ساختار خاصی که برای یک پلان معماری در نظر گرفته شده است، می تواند بر غنای آن افزوده و حتی قسمتی از مشکلات آن را حل کند.

از طرف دیگر معماری داخلی به لحاظ معیارهای روانشناسی اهمیت بسیاری دارد . میزان امنیت، صمیمیت، شور و هیجان و آرامش موجود در یک فضا را با می توان با راهکارهای مناسب تشدید یا تضعیف کرد.
هر کدام از انسان ها دارای تعلقات ذهنی و روحی خاصی هستند که پاسخگویی به نیازهای آنها در معماری داخلی اولویت قرار می گیرد، از این رو نگرشی علمی و راسیونال در کنار خلاقیت های هنری مطرح شده و یکی از مسائل مهم در این زمینه ایجاد تعامل و هماهنگی بین آنها است .

امروزه مبحث طراحی و دکوراسیون داخلی، اهمیتی خاص یافته و حتی به عنوان رشته ای مجزا تدریس می شود. الگوهای و ایده های مختلفی اعم از مدرن و کلاسیک، توسط طراحان این رشته به کار گرفته می شود و از محدودیت های معماری در زمینه اجرا، معمولا خبری نیست و می توان به ایده های بلند پروازانه ایشان تجسم بخشید، چه بسا به گونه ای میان گستره ای، موضوع فعالیت رشته های مختلف هنری از مجسمه سازی گرفته

تــا نــقــش بر جــســتــه قــرار گــرفــتــه مــیــگــیــرد.

پیشرفت تکنولوژی به سبب تسهیل در یکسری از مسائل تاسیساتی و اجرایی از یک طرف و تنوع و کارآیی بالا در محصولات عرضه شده، زمینه مساعد و کارآمدی را در سطح جامعه به وجود آورده است؛ بهانه ای که پرداختن به مقوله طراحی داخلی را جز لاینفک فضاهای معماری برمی شمرد.

معماری داخلی و توجه به جزئیات و تزئینات بعد از چندین دهه سکوت و فراموشی، رویکردی دوباره پیدا کرده و جالب تر اینکه سعی می کند نمود هایی از معماری گذشته را در تلفیقی با الگوهای مدرن بیان کند؛ مساله ای که سال ها است در معماری مورد بحث و جدل قرار گرفته و تا کنون نتیجه ای حاصل نشده است.

معماری گذشته ما سرشار است از ظرافت ها و ریزه کاری هایی که هزاران ایده و خلاقیت را در خود نهفته است. تزئینات و کاشیکاری های داخلی با تناسبات و رنگ بندی خاص خویش در کنار کالبد درونی، فضایی رمزگون را تداعی می کنند و هم اکنون نیز ارزش فضایی خویش را حفظ کرده است

امروزه با افزایش روز افزون جمعیت شهری و قیمت زمین، ساخت و ساز آپارتمان و زندگی آپارتمانی مقرون به صرفه تر شده است. بیشتر ما حداقل یک بار زندگی در محیط بسته آپارتمانی را تجربه کرده ایم و از معایب و مشکلات آپارتمان نشینی آگاهیم.

یکی از عمده معایبی که بیشتر مردم از آن گله مند هستند خفه و بسته بودن فضای آپارتمان است. ما با استفاده از چندین نکته کوچک که بیشتر جنبه بصری دارد میتوانیم این فضای مرده را زنده تر و آپارتمان خود را دلپذیر تر نماییم.

1. انتخاب رنگ دیوارها

انتخاب رنگ مناسب برای فضای آپارتمانی بخصوص آپارتمانهای با متراژ کم بسیار مهم است. رنگها از نظر درخشندگی و شفافیت انواع مختلف دارند که بهترین انتخاب، انتخاب رنگهای روشن با درخشندگی و شفافیت زیاد است. اصولاً "رنگهای روشن با شفافیت بیشتر" می باشد. فضا بزرگتر بنظر آید و هر چه شفافیت و درخشندگی آن بیشتر باشد به دلیل انعکاس نور فضا زنده تر بنظر می آید. یکی از رنگهای مناسب آپارتمان رنگ استخوانی روشن است، که علاوه بر داشتن شفافیت و روشنی با بیشتر رنگهای وسایل منزل همنشینی دارد و کمپوزیسیون مناسبی را ایجاد می نماید. جهت ایجاد تنوع در رنگ میتوان در قسمت دیوار اپن آشپزخانه از مصالح سنگی با رنگهای متنوع استفاده نمود.

2. انتخاب کفپوش

جهت پوشش کف آپارتمان از مصالح گوناگونی میتوان بهره گرفت. (از جمله سرامیک ها، پارکتهای طرح چوب، موکت و...) اگر قصد تعویض کفپوش ساختمان را داشته باشید، در صورت استفاده از سرامیک می بایست در انتخاب رنگ آن دقت زیادی شود، زیرا استفاده از رنگهای تیره در کف، فضا را فشرده تر نشان میدهد. معمولاً استفاده از رنگهای بسیار روشن مثل سفید نیز معایبی به همراه دارند، یکی از معایب آن یکدست شدن فضا است که جهت برطرف کردن یکدستی آن می توان از یک قالیچه در زیر میز مبل استفاده کرد. یا اینکه در میان سرامیک ها طرح هایی با رنگهای متفاوت را بکار گرفت. در صورت استفاده از پارکت نیز میبایست نکات گفته شده را رعایت نمود و رنگهای روشن طرح چوب را انتخاب کرد.

3. انتخاب مبلمان و نحوه قرارگیری

انتخاب رنگ مبلی اختیاری است اما استفاده از رنگهایی مثل کرم روشن و یا حتی سفید به زنده تر کردن فضا کمک بیشتری می نماید و فضا بزرگتر به نظر می آید. در مورد انتخاب طرح مبلی بهتر است حتی المقدور مبلی هایی با اشکال هندسی صلب و یا بدون منحنی انتخاب شود. در مورد نحوه چیدمان آن بهتر است مبلیها را تقریباً "چسبیده به دیوار ها قرار داد علت انتخاب شکل بدون منحنی نیز این است که مبلیها در کنار دیوار صاف ترکیب مناسبتری را ایجاد نمایند. حتی المقدور سعی کنید وسایل خانه را نزدیک به دیوارها قرار دهید تا از هدر رفتن کوچکترین فضاها نیز جلوگیری شود. اگر در جلوی پنجره ها از پرده های پارچه ای استفاده می کنید بهتر است رنگ آنها نیز روشن انتخاب شود

4. نورپردازی

نور نیز نقش مهمی را در زنده کردن فضا به عهده دارد. استفاده از نور مناسب و یکنواخت در آپارتمان خفگی محیط را از بین می برد، البته استفاده از نور طبیعی بسیار مناسبتر است. در صورت ضعیف بودن نور طبیعی کمبود آن را با بکارگیری نور مصنوعی جبران نمایید. حتی المقدور از پرده های عمودی یا کرکره ای استفاده نکنید، زیرا از ورود نور خورشید به داخل تا میزان زیادی جلوگیری می نمایند. پرده های پارچه ای یا توری بهترین انتخاب برای پنجره های آپارتمان محسوب میشوند. زیرا نور را به خوبی از خود عبور می دهند. استفاده از نورپردازی موضعی بر روی قاب ها و ... نیز باعث تحرک و ایجاد حرکت در فضا میشود.

5. استفاده از طبیعت

در ساختمانهای حیاط دار کمبود طبیعت بوسیله ایجاد باغچه در کناره های حیاط جبران میشود. اما برای جبران آن در آپارتمان میتوان از گلدانهای کوچک که در گوشه های فضا قرار می گیرند استفاده کرد. سعی کنید گلدانها را در کنار پنجره ها و یا تا جایی که امکان دارد در کنج دیوارها قرار دهید، زیرا معمولاً " گوشه دیوارها بدون استفاده می مانده_____د.

در مورد استفاده از طبیعت در طراحی داخلی سبک فنگ شویی در سراسر دنیا طرفداران بسیار زیادی دارد که شما می توانید برای داشتن اطلاعات بیشتری به سایت جامعه مجازی فنگ شویی ایران که همکاری نزدیکی با سایت خانه طراحی دارد مراجعه کرده و اطلاعات بسیار خوبی را ببینید_____د.

در نتیجه سعی کنید تا جایی که امکان دارد از رنگهای روشن در طراحی داخلی آپارتمان استفاده کنید. شاید این سؤال برایتان پیش آید که بکارگیری این همه رنگ روشن فضا را یکنواخت و سرد نمی کند؟ در جواب باید بگویم این هنر شماسست که با استفاده از قابها و

وسایل تزئینی کوچک با رنگ بندی متنوع فضا را جذاب تر نماید؛ تاچه ها، رف ها، ارسی ها، هشتی ها، حوض ها و باغچه ها تنها شماری از عناصر کالبدی طراحی داخلی در ایران هستند. روش معماران گذشته ایرانی در به کارگیری این عناصر، در راستای آن بوده تا از جذابیت فرم کاسته شود و به غنای فضا افزوده گردد. این همان هندسه همراه با تزئینات_____است.

به نظر می رسد طراحی داخلی در ایران، از یک سو در چنبره نوستالژیای تاچه ها، رف ها و ارسی های قدیم گرفتار مانده و از سوی دیگر به دکوراسیون و ابعاد دراماتیک و تزئینی فضاها تقلیل یافته است. با تمام اینها، طراحی داخلی فرآیندی است که همزمان می بایست سویه های زیباشناختی و عملکردی را سامان دهد_____د.

طراحی داخلی یک ساختمان، داستانی است که شخصیت اصلی آن خود انسان است؛ در این بین حضور او در این فضا چگونگی آن و ویژگی های فضایی که انسان در آن قرار می گیرد، می تواند تداعی کننده اصولی باشد که در ادامه ۷ اصل از آنها را می خوانید:

۱ - نور را درباب :

نور عنصری است که با آن دیدن اشیا ممکن می شود. نور می تواند ریتم خلاقانه ای به یک فضای داخلی ببخشد. بدون نور، نه فرم را احساس می توان کرد، نه رنگ را و نه بافت را. نورپردازی در یک فضای داخلی پیامدهای مهمی در بردارد. چه بسا نورپردازی مناسب یک فضا آن فضا را خوشامد و چشم نواز کند. نورپردازی در کنار ابعاد زیباشناختی، بعد عملکردی هم دارد. نور مناسب در طول شب در یک فضای داخلی می تواند حس محدود بودن یا ابهام و هراس را بر طرف کند. نور مناسب یک اتاق حتی می تواند چهره آدمی را گرم و صمیمی کند. به کمک نورپردازی می توان یک فضای داخلی را به جزایر نورانی متنوعی تبدیل کرد. پس، از باب مثال، غذاخوری باید نور ملایم و گرمی داشته باشد یا بهترین نورها برای حمام، منابع نوری کم ولتاژ هستند.

۲ - فرم را بشناس :

فرم، توده فیزیکی یک شیء است که سه بعدی بوده و وزن دارد. فرم معمولاً به پوسته بیرونی بنا نسبت داده می شود در حالی که فضای داخلی هم فرم خاص خود را تشکیل می دهد. معمولاً فرم فضای داخلی تابعی از عوامل مختلف است. دسترسی ها و سیرکولاسیون مهمترین این عوامل هستند. هر چند نمود فرم بیشتر در پوسته بیرونی یک بنا است با اینحال نمود بیرون و درون می تواند یک شکل نباشد.

۳ - فضا را احساس کن :

فضا را محدوده در دسترس کاربران دانسته اند. در طراحی داخلی معمولاً استفاده مؤثر از فضا و ارتباط آن با محیط، مهم است. مسأله ای که در رابطه با فضا مطرح می شود، رعایت ابعاد انسانی در طراحی داخلی است. از قرن ها پیش رویکرد عمده فیلسوفان و معماران به عنصر فضا، برجسته بوده است. در طی سال های اخیر هم ارتباط بین ابعاد انسانی با فضاهای داخلی به یکی از فاکتورهای مهم طراحی بدل شده که از آن تحت عنوان ارگونومی یا کار پژوهی در دید کلی و اندام سنجی (Anthropometry) در دید جزئی، یاد می شود. در طراحی داخلی می بایست رابطه درست انسان با فضا تعریف شود و ابعاد بدن انسان ها برای سهولت دسترسی های فضایی مد نظر قرار گیرد.

۴ - بافت را لمس کن :

بافت مشخصه ای از یک شیء است که با لمس کردن یا دیدن به چشم می آید . بافت می تواند نرم یا خشن، کشیده یا برجسته، زبر یا مخملین و یا ابریشمی باشد. در طراحی داخلی پوسته ها و سطوح فضایی معمولاً بسته به عملکرد هر فضا تغییر می کند. چه بسا طراحی داخلی یک خانه نیازمند سطوحی نرم و منعطف باشد، اما فضای داخلی یک سینما چنین سطوحی را برنتابد.

۵ - شکل را بیازم :

شکل، خط بیرونی یک شیء را تشکیل می دهد. در معماری معمولاً شکل و فرم را با هم اشتباه می گیرند. شکل یا صورت معادله کلمه Shape فرنگی است؛ در حالی که فرم املای فارسی همان Form است. معمولاً شکل ها یا طبیعی هستند یا غیرقابل مشاهده یا هندسی. در ترکیب بندی یک فضا شکل اشیا عامل تعیین کننده ای است. طراحان داخلی به کمک این عامل می توانند ترکیبات بصری گوناگونی پدید آورند.

۶ - رنگ را در هم بیامیز :

در تعریف رنگ آن را خاصیت بصری فرم دانسته اند. در حقیقت عنصر فرم از طریق رنگ معنا می یابد. رنگ در طراحی داخلی احساس آدمی را تحت تأثیر قرار داده و روی فرم تأکید می کند، ضمن آنکه رنگ، حس مقیاس را هم موجب می شود. کاربرد رنگ هم، از یک فضای داخلی به فضای دیگر فرق می کند و در کاربرد رنگ، توجه به خصلت های روانی آدمیان ضرورت تمام دارد.

۷ - حجم را بشناس :

حجم عنصر مهم طراحی داخلی است. در معماری سنتی ایران، شاهد فضاهای پر و خالی احجام معماری هستیم. مقیاس و گوشواره ها خود بخشی از احجام خالی هستند. در این معماری مسایل حجمی اهمیت زیادی دارد. ما فضای داخلی را به واسطه لایه بیرونی بنا درک می کنیم. این لایه بیرونی در حقیقت همان حجم کلی بناست. در معماری مدرن، معمار به انتزاع و جدایی پوسته یا حجم بنا از درون آن می اندیشد و این جاست که دیوارها و سقف ها، فضایی تاکیدی ایجاد می کنند و خود را از قید و بندهای فضای داخل رها می کنند. این جا طراحی داخلی به مثابه یک سامان یا روش معمارانه مطرح می شود.

ضوابط و معیارهای طراحی فرهنگسرا:

بخش های مختلف فرهنگسرا:

(بعضی الزامی و بعضی وابسته به نظر طراح دارد.)

- 1- لابی وزیر مجموعه های آن شامل: فضای انتظار و نشیمن, فروش اغذیه, محل نگهداری کودکان, عناصر خدمات عمومی مانند باجه های تلفن و اینترنت, عناصر دسترسی عمودی مانند رمپ, پله و آسانسور
- 2- غرفه های فروش محصولات فرهنگی و هنری
- 3- سایت اداری شامل: اتاق کنفرانس, اتاق ریاست, دفاتر کار, بایگانی, آبدارخانه, سرویس های بهداشتی, محل انتظار ارباب رجوع و منشی
- 4- آمفی تئاتر و سینما
- 5- کتابخانه
- 6- گالری نمایش آثار هنری
- 7- کلاس ها و آتلیه های آموزشی شامل: نقاشی, معماری, طراحی, عکاسی, مجسمه سازی, خوشنویسی, لابراتوار زبان و...
- 8- واحد سمعی بصری و سایت رایانه
- 9- رستوران یا کافی شاپ

کتابخانه:

میزان فضاهای کتابخانه:

عوامل موثر بر تخصیص میزان فضاهای کتابخانه عبارتند از حجم مواد و متون و بخصوص کتابها، میزان سطح که در کتابخانه اشغال م کنند و میزان جمعیت کتابخانه

که از طریق میزان گردش کتابها در سال تعیین می گردد.
فضای مورد نیاز برای محاسبه ی زیر بنای یک کتابخانه طبق فرمولی بنام VSC استاندارد IFLA به دست می آید:

$$110/(\text{تعداد کتابها})+(\text{مقدار محللهای نشستن}+3/72)+(\text{گردش کتابها}/430)$$

مثلا برای جا دادن ۱۱۰ کتاب، یک متر مربع در نظر گرفته می شود. محل نشستن یک خواننده ۳/۷۲ متر است.

ابعاد و استاندارد های پیشخوان و بر گه دان:

حداکثر ارتفاع قفسه های فهرست معمولا به اندازه ی ارتفاع شش کشو است و در هر کشو نیز در حدود صد کارت جای می گیرد. فهرست معمولا در ارتباط مستقیم با میز امانت و میز اطلاعات مرجع قرار دارند و اغلب در مجاورت آنها مجموعه ای از کتابهای مرجع عمومی یا موارد استفاده ی همگانی نیز قرار می گیرند.
از این رو محل قرار گیری فهرستها معمولا فضایی باز است که در نزدیک ورودی قرار دارد و بوسیله ی ردیفهایی از قفسه های فهرستها و پیشخوان بررسی و جستجو کشوها تشکیل شده است.
وسعت چنین محلی برای چهار ردیف قفسه های دو طرفه در حدود ۱۲ متر مربع برآورد می شود.

استاندارد ابعاد قفسه ها و عمق قفسه ها:

در اغلب کتابخانه ها حداقل ۹۰٪ کتابها دارای عرضی کمتر از ۲۳۰ میلیمتر هستند و عملا می توان قفسه های با عمق ۲۰۰-۲۳۰ میلیمتر را استاندارد فرض کرد.
در صورت بکارگیری قفسه های دو طرفه با عمق ۴۵۰ میلیمتر حتی صرفه جویی بیشتری در فضا به عمل می آید.

چنانچه نگهداری کتابهایی با ابعاد کمی بزرگتر مرد نظر باشد عمق 490 میلیمتر جوابگوست.

طبق یک قاعده تجربی در یک کتابخانه ۸۰٪ قفسه ها ۲۰۰ میلیمتری، ۱۵٪ آنها ۲۵۰ میلیمتری و ۵٪ آنها ۳۰۰ میلیمتری هستند.

طول قفسه ها:

طول استاندارد، سالها برابر ۱۹۴۰ میلیمتر بوده است. زیرا که پذیرفته شده بود که چشم خواننده توانایی در بر گرفتن بیش از این اندازه را در یک نگاه ندارد. مطالعات بعدی اندازه بزرگتر تا ۲۲۲۰ میلیمتر را نیز تایید کرد.

ارتفاع قفسه ها:

ارتفاع کتابها بر فاصله ی میان طبقات و در نتیجه تعداد طبقات تاثیر می گذارد. در اکثر کتابخانه ها حداقل ۹۰٪ کتابها را می توان در طبقات مرکز تا مرکز ۲۸۰ میلیمتر جای داد. به این ترتیب ۷ طبقه و یک پا خور ۱۵۰ میلیمتری مجموعا ارتفاع ۲۱۲۰ میلیمتر را برای قفسه ها بوجود می آورند که بالاترین قفسه در ارتفاع ۱۸۳۰ میلیمتری با دسترسی آسان قرار می گیرد.

در مورد معلولین ارتفاع مناسب و دسترسی ۱۳۷۰ میلیمتر برای زنان و ۱۵۰۰ میلیمتر برای مردان می باشد.

پایین ترین طبقه در ارتفاع ۳۰۰ میلیمتری است و چهار طبقه ۲۸۰ میلیمتری (۳۰۰ میلیمتری)

به روی آن می باشد.

استاندارد میزها:

میزها از جمله مهم ترین وسایل فضاهای مطالعه هستند.

استاندارد میزها برای میزهای مختلف به شرح زیر است:

میزهای ۱ نفره:

رقم قابل قبول برای این میزها ۹۰۰×۶۰۰ میلیمتر می باشد. این رقم گاهی برای راحتی بیشتر خواننده تا یک متر نیز افزایش می یابد. اگر چه جذابیت بیشتری دارند ولی جای زیادی اشغال می کنند.

میزهای ۲ نفره:

میزهای ۲ نفره ای که از هم جدا نشده اند ظاهراً برای خوانندگانی که روبروی هم قرار می گیرند جذابیت چندانی ندارند ولی در صورت قرار گیری در یک سمت ابعاد پیشنهادی

1200×900 میلیمتر می باشد.

میزهای طولانی:

میزهای طولانی قابلیت جای دادن ۴ تا ۱۲ نفر را دارند. میزهای ۴ نفره از بروز شلوغی جلوگیری کرده و در عین حال نحوه ی قرار گیری آنها جذاب و انعطاف پذیر است. عرض آنها

نباید از ۱۲۰۰ میلیمتر کمتر باشد. فضای جانبی میان خوانندگان نیز لازم است حداقل ۹۰۰ میلیمتر باشد. بین میزهای موازی باید حداقل 1800 میلیمتر فاصله پیش بینی شود. در عین حال نباید در انتهای این میزها محلی را برای نشستن در نظر گرفت.

نور پردازی:

نور پردازی باید فضایی راحت برای مطالعه را بوجود آورد. موجب خستگی و خیرگی نشود،

میزان گرما را افزایش ندهد و به جلوه ی ساختمان بیفزاید. جهت بر آوردن موارد ذکر شده دو نوع نور وجود دارد:

1- نور مصنوعی
2- نور طبیعی.

برای نور پروژه هم از نور طبیعی و هم از نور مصنوعی سقفی استفاده می شود.

روشنایی توصیه شده:

اتاق مطالعه (روزنامه و مجلات)	۲۰۰
میزهای مطالعه (کتابخانه های امپانی)	۴۰۰
میزهای مطالعه (کتابخانه های مرجع)	۶۰۰
پیسخوان ها	۶۰۰
مخزن بسنه	۱۰۰
صحافی	۶۰۰

فهرست بندی، طبقه بندی و اتاق های مخزن ۴۰۰

آکوستیک:

هیچ استاندارد مشخصی در مورد آکوستیک کتابخانه وجود ندارد، اما اغلب حد تراز صداهای داخلی را ۵۰ دسیبل (Db) تعیین می کنند.

تهویه مطبوع:

به منظور ایجاد بهترین شرایط برای نگهداری مواد و فنون، فضا باید عاری از هر گونه گرد و غبار اعم از گاز، مایع و اسید باشد و دما و رطوبت تحت کنترل باشد، چنین شرایطی تنها با نصب دستگاه کامل تهویه مطبوع امکان پذیر است.

گالری ها:

ساختار عمومی گالری ها:

فضای نمایشگاه بخش مهمی در این مجموعه به شمار می رود که خصوصیات آن بر مجموعه تاثیر می گذارد.

تجربه فرد از فضای سه بعدی نمایشگاه نتیجه ی یک ادراک سریع است. این ادراک در محیطی با ساختار روشن، آسان تر و با خستگی کمتر به دست می آید تا در فضائی که

ترکیب ضعیف و ناخوانایی دارد.

نمایشگاه نوع خاصی از فضا است که در آن علاوه بر رابطه‌ی انسان، فضا یک رابطه‌ی پیچیده بین فضا و شیء وجود دارد. در قسمتهایی از نمایشگاه که دارای مجموعه‌های نمایشی ثابت است.

معماری را می‌توان تا حد امکان با اشیاء تطبیق داد، ولی در قسمتهای قابل انعطاف، این امر فقط از طریق تزئینات و تمهیدات عملی است.

ترتیب قرار گیری اشیاء:

ترتیب اشیاء نمایشی به بازدید کنندگان و خصوصیات اشیاء نمایش بستگی دارد.

رابطه‌ی بازدید کننده و شیء نمایشی به شرح زیر است:

- 1- هر چه نسبت بازدید کنندگان به اشیاء نمایشی کمتر باشد، امکان تمرکز و اینکه هر بازدید کننده بتواند آزادانه با شیء نمایشی ارتباط برقرار کند، بیشتر می‌شود.
- 2- در یک بازدید گروهی تماس نزدیک با شیء نمایشی بدون ایجاد مزاحمت برای سایر اعضاء گروه ممکن نیست. بازدید کنندگان باید به ترتیبی گرداگرد شیء نمایشی قرار بگیرند که همگی فاصله شان تا آن مساوی باشد.

نورپردازی گالری‌ها:

الف) نورپردازی طبیعی (نور روز):

به دلایل اقتصادی، فیزیولوژیکی و تنوع، این نورپردازی هنوز بهترین وسیله‌ی روشنائی است و اگر مسائل حفاظتی اشیاء اجازه دهد ارجحیت، نور روز است. جهت نور ممکن است از بالا (عمودی) یا از پهلو (افقی) باشد. مدت هاست که ارزش نورپردازی از بالا در طراحی موزه‌ها استفاده می‌شود که امتیازات آن عبارتند از:

الف) نورپردازی از بالا روشی است راحت تر و ثابت تر در نورپردازی و کمتر در معرض موانع

جنبی در داخل و خارج از بنا مانند ساختمانهای دیگر و درختان قرار می گیرد.

ب) نوری که از بالا به تصاویر یا سایر اشیاء به نمایش گذارده می تابد، قابل تنظیم است و تامین نور کافی و یکنواخت آن دیدی بسیار مناسب با حداقل بازتاب یا انحراف بوجود می آورد.

ج) امکان به نمایش گذاشتن اشیاء بیشتری را در فضای نمایشگاه امکان پذیر می سازد.

د) با توجه به حذف پنجره ها و کاهش راههای ارتباطی، فضای نمایشگاه از امنیت بیشتری برخوردار شده و تمهیدات امنیتی نیز کاهش می یابد.

ب) نور پردازی جانبی (افقی):

اینگونه نور پردازی از طریق پنجره ها و نور گیر های معمولی به اشکال و ابعاد مختلف و در مکانهای مناسب در دیوارها انجام می شود. پنجره ها و نور گیر ها معمولاً یا در ارتفاعی که بازدید کننده قادر به دیدن محوطه ی بیرون باشد و یا در ارتفاعی بالاتر نصب می شود.

دیوارهایی که پنجره ها با ارتفاع معمولی بر روی آنها نصب شده، غالباً بدون استفاده هستند و علاوه بر آن اشیاء نمایشی که بر روی دیوار مقابل این پنجره ها نصب شده اند نیز به خاطر

وجود نور از مقابل دارای انعکاس هستند که مانع دید کامل و روشن می گردد. با این وجود،

اینگونه پنجره ها برای اشیایی که روی دیگر دیوارها و در زاویه ای درست نسبت به منبع نور قرار دارند، نور مناسب و دلپذیر به وجود می آورند.

ج) نور پردازی مصنوعی:

ملاحظات تکنیکی و مشکلات نگهداری مربوط به استفاده از نور مصنوعی از جمله عوامل

موثر بر کاهش کاربرد نور مصنوعی در فضاهای نمایشگاهی بوده است. نور مصنوعی از منابع نقطه ای یا خطی تامین می گردد و از این رو چون سطوح تعدیل کننده شدت آن با نور فضا قابل مقایسه نیست، لذا دستیابی به شرایط مشابه نور روز نیز تا میزان محدودی امکان پذیر است.

حرکت و دسترسی گالری ها:

حرکت و دسترسی قسمتی از امر ارائه و نمایش اشیاء و عامل مهمی در سازماندهی فضائی نمایشگاه است. زیرا بطور نظری هیچ فضایی در منطقه ی نمایش اشیاء منحصرأ به رفت و آمد اختصاص نداشته و هیچ راهرو یا راه پله ای نباید حرکت سیال در این منطقه را محدود کند. دستیابی به این شرایط با اجتناب از مسائل روز امکان پذیر است.

الف) اجتناب از محدودیتهای باوقف
ب) اجتناب از اختلاف سطوح زیاد

تنظیم شرایط محیطی:

رطوبت، دما و نور باعث فرسایش اشیاء می گردند، دمای ۱۵ درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی 60% برای اکثر نمایشگاهها مناسب می باشد. رطوبت نسبی نباید کم و زیاد گردد و این مساله با اشیاء نمایشی ارتباط مستقیم دارد، ولی در کل رطوبت نسبی 50% تا ۶۰% توصیه می گردد.

تهویه ی مطبوع:

پیشرفت های علمی در امر خلق یک محیط مصنوعی، اکنون به مرحله ای رسیده است که امکان تامین مصنوعی شرایط جوی را به طور کامل فراهم ساخته است. در این شرایط ثابت، انعطاف پذیری و نظم را می توان در چهار چوب فضایی نمایشگاه تامین نمود.

از جمله دیوارهای خارجی می توانند کاملاً بسته بوده و به خوبی عایق شوند و در

صورت وجود اشعه های نامطلوب نورر،می توان آنها را دقیق تر از نور روز بررسی و درمان کرد.

آکوستیک:

کنترل و طراحی آکوستیک باید هماهنگ با سایر جنبه های طراحی ساختمان نمایشگاه انجام شود. برای به حداقل رساندن نوفه ای که ناشی از نواحی و وسایل پرسر و صدا و شلوغ است، موقعیت ساختمان را باید در محلی ساکت و آرام پیش بینی نمود. در صورتی که یک منبع نوفه ی جهت دار در نزدیکی ساختمان قرار گرفته باشد، می توان از عملکردهای مقاوم تر به عنوان مانع استفاده کرد و عملکردهای حساس تر را در فاصله ی

بیشتری از منبع نوفه قرار داد. هماهنگی اصول آکوستیکی با خصوصیات معماری از یک سو مربوط به سبک معماری و سازماندهی فضایی آن می باشد و از سوی دیگر نیازمند توجه به خصوصیات مربوط به طراحی فنی ساختمان نمایشگاه قرار می گیرد.

حریق:

مقابله با حریق شامل مسئولیت حفظ متعلقات و حفاظت از بازدید کنندگان می باشد. بدیهی است نخستین اقدامات مقابله با آتش باید با شناخت محل، خصوصیات مصالح ساختمانی، مراقبت های لازم در بناهای مجاور، انتخاب مصالح ساختمانی مقاوم و پیشگشری

لازم انجام پذیرد. بهتر است از به کار بردن هر گونه ماده قابل اشتعال به منظور تزئین و پوشاندن

دیوارها خودداری شود. دقت بسیار باید به کار برد تا از اتصالات برق در سیستمهای الکتریکی

خودداری شود.

ساختار عمومی فضاهای نمایشی:

ساختار عمومی فضاهای نمایشی می باید بر اساس سلسله مراتبی از فضاهای عمومی (مانند کارگاههای تولید نمایش و فضای کارمندان) استوار گردد و نحوه ی دسترسی به مجموعه فضای نمایشی و تردد در فضاهای داخلی آن با توجه به حریم محدوده فضایی بخشهای مختلف آن انجام گیرد. ساختار فضایی اینگونه ساختمانها را با توجه به اصول هدایت کننده می توان به دو عرصه بیرونی و درونی تقسیم نمود:

الف) عرصه ی بیرونی فضای نمایشی: این عرصه به طور کلی ارتباط مستقیم با تماشاگران است.

ب) عرصه ی درونی فضای نمایشی: این عرصه شامل کلیه ی فضاهایی است که مربوط به امور نمایشی و اداری می شوند و از این رو با کارکنان و بازیگران ارتباط مستقیم دارند.

شکل و انواع مختلف صحنه ی نمایش:

الف) تئاتر های دارای صحنه ی ایوانی که اینگونه تئاترها امکان نمایش فیلم را دارند.

ب) تئاتر های دارای صحنه ی میدانی که صحنه از هر سو با تماشاچیان احاطه شده در اینگونه تئاترها حداکثر عمق میدان تماشاگران ۶ تا ۷ ردیف است و در صورتی که جایگاه در

یک سطح باشد، حداکثر تماشاگر از ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر بیشتر نخواهد بود.

ج) تئاتر های دارای صحنه ی هلالی یا صحنه ی آزاد جلو آمده. در این تئاترها صحنه به قلب

جایگاه تماشاگران کشیده شده و ورودیها معمولاً در پشت صحنه و یا در داخل جایگاه تماشاگران قرار دارند.

د) نوع دیگر از تئاتر که ترکیبی از موارد بالاست در دوران ماصر مورد توجه طراحان بوده است.

این نوع تئاتر با برخورداری از یک صحنه ی انعطاف پذیر برای تبدیل به شکل‌های مختلف از

خصوصیتی مستقل برخوردار است. صحنه در اینگونه از تئاتر ها می تواند با جابجایی صندلی ها

و قسمتهایی از کف به صورت ایوانی-میدانی و هلالی ظاهر شود. به اینگونه صحنه ها چند شکلی می گویند.

شیب سالن نمایش:

در نمایشات تئاتری زنده معمولاً از فاصله ی ۱۲ متری، حالت‌های احساسی صورت بازیگران

قابل روئیت نیست و حرکت آنها نیز از فاصله ی بیشتر از ۲۰ متر نیز به خوبی دیده نمی شود.

برای تامین دید بهتر تماشاگران لازم است تا کف جایگاه شیب ملایمی داشته باشد و یا به صورت پله ای طراحی شود. میزان شیب در طبقه ی همکف جایگاه برای حفظ امنیت تماشاگران

و سهولت رفت و آمد افراد معلول که با صندلی چرخ دار حرکت می کنند، حداکثر ۱۰٪ است

و شیب های بیشتر به صورت پله ای باید طراحی شوند که حداکثر آن ۳۵٪ است.

صندلی تماشاگران:

ابعاد صندلی تماشاگران طبق استاندارد ها حداقل عرض ۴۵ سانتیمتر را باید داشته باشد و فاصله ی پشت تا پشت صندلی ها حداقل ۹۰ سانتیمتر باشد و تا ۱/۱ متر نیز می تواند باشد.

حداکثر فاصله ی هر صندلی از در خروجی نباید از ۱۵ متر بیشتر باشد و حداکثر فاصله ی

هر صندلی از راهرو جانبی ۴۵۰ سانتیمتر باشد و تعداد مجاز صندلی ها در هر ردیف به ازای

هر راهرو ۷ صندلی می باشد. بهترین چیدمان صندلی ها به صورت قوسی و اختصاص ندادن

بهترین نقاط دید (مرکز) به راهرو می باشد.

اتاق رختکن (تنفس بازیگران):

این اتاق محل استراحت، رختکن و گریم بازیگران می باشد. در فضاهای نمایش کوچک یک اتاق ۲۰

متر مربعی برای این منظور کافی است. ولی در فضاهای نمایش بزرگتر یک سالن غذاخوری یا

آشپز خانه و محل استراحت جداگانه ای نیاز است. از این مکان یک اتاق پرو و لباس، سرویس

بهداشتی و آینه قدی، کمد وسایل و میز گریم برای گریم بازیگران قرار دارد.

اتاق سخنرانی:

در هنگام برگزاری جلسات سخنرانی در سالن نیاز به یک اتاق جهت میهمانان سخنران وجود دارد که قبل و بعد و بین سخنرانی از سخنران پذیرایی گردد. در این فضا که مساحت

آن ۳۰ متر مربع است، سرویس های زنانه و مردانه، محل نشستن و استراحت و سایر

وسایل مانند کمد، رختکن و ... وجود دارد.

نور پردازی صحنه:

نحوه ی تابیدن منابع نورانی در بالای صحنه و پلهای صحنه و پلهای روشنایی در بالای جایگاه تماشاگران قرار دارند، معمولاً تحت زاویه ای بین ۵۵ درجه تا ۴۰ درجه است. به طوریکه

تمام صحنه را از جلو تا عقب آن توسط یکی از عناصر نورانی و یا سایر آنها، پوشش داده شود. با افزایش ارتفاع منابع نور می توان دامنه ی پوشش آنها را نیز افزایش داد.

آکوستیک:

آکوستیک در هر فضای نمایشی قادر است تا انواع برنامه های نمایشی را تحت تاثیر قرار دهد و از آن جا که ایجاد تغییرات اساسی در وضعیت آکوستیک سالن های نمایش بسیار دشوار است، از این رو لازم است تا از ابتدا تصمیمات لازم درباره ی خصوصیات آکوستیکی سالن های نمایشی گرفته شود.

فضا های نمایشی باید در برابر کلیه نوفه های خارجی ناشی از صدای هواپیما ، ترافیک و همهمه افراد در سالن انتظار عایق باشند و دستگاه های مکانیکی به گونه ای طراحی شده باشند که سطح نوفه ای که در داخل سالن نمایش ایجاد می شود از یک حد خاص تجاوز نکند.

برای برنامه های نمایشی زنده در صورتی که حد اکثر تعداد تماشاگران ۲۰۰ نفر باشند لزومی به استفاده از دستگاه های تقویت صدا نیست و در صورت کاهش فاصله متوسط بین تماشاگران و بازیگران استفاده از تمهیدات آکوستیکی برای نمایشنامه های معمولی رضایت بخش می باشد.

میزان شیب جایگاه همان قدر که برای شنیدن هم مهم است زیرا صدا در هنگام عبور از جایگاه به علت خاصیت جذب بودن بدن تماشاگران ضعیف می شود، از این رو با استفاده از

بازتابنده های سقفی، باید حد اقل شیب لازم را که مانع دید تماشاگران نشود برای جایگاه در نظر گرفت.

ایمنی از حریق:

بروز نمایش در فضا های نمایشی و خسارات و تلفات ناشی از آن اغلب از عدم دقت در انتخاب و ساخت موارد به کار رفته در ساختمان و تجهیزات آن و رعایت سایر پیش بینی های

لازم برای جلوگیری از توسعه ی آتش و به خصوص ایجاد دود می باشد.

به طور کلی باید در اسکلت ساختمان حد اقل دو ساعت در مقابل آتش مقاومت داشته باشد

و از مواد قابل اشتعال در ساخت دکور ها و برای پوشاندن دیوار ها و سقف استفاده نشود و مواد جاذب صدا و سایر تجهیزات اکوستیکی نیز تا حد مطلوبی در مقابل آتش مقاومت داشته باشد.

در تئاترها معمولا صحنه ی نمایش مهم ترین عامل ایجاد آتش و دود است. برای مقابله با حریق

بر روی صحنه می بایست آتش را درون چهار دیوار برج صحنه محبوس کرد و با استفاده از

جریان قوی هوا به سمت بالا که توسط دود کش اتوماتیک در بالای برج صحنه ایجاد می شود ،

حرارت و دود را از تماشا گران دور نگاه داشت.

نقشه و تجهیزات مربوط به پشت صحنه نیز باید به گونه ای طراحی شده باشد که از آتش سوزی

جلو گیری کند و در صورت بروز حریق در صحنه مانع گسترش آن به پشت صحنه شود. تجهیزات اطفا حریق در فضا های نمایشی شامل کشف کننده های دود و حرارت ، شلنگ های

قرقره ای ، کپسول های کربنیک و کپسول های پودری هستند.

صحنه ی تئاتر هم در عین حال باید به سیستم اب پاش در بالای صحنه و بالای پرده ایمنی نیز مجهز بوده و در آن شیر اب و سطل شن نیز پیش بینی شود.

اغلب لوازم اطفا حریق در راهرو ها قرار می گیرند و اگر وجود شان در این از قبل در نظر

گرفته نشده باشد ، می توانند به موانع خطر ناکی تبدیل شوند و از این رو باید محل های خاصی را برای آن ها پیش بینی نمود.

استاندارد ها و ضوابط طراحی سینما:

سالن انتظار سینما:

طبق استانداردها و ضوابط طراحی سینما مصوب سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور حداقل میزان سطح اشتغال سالن انتظار سینما به ازای هر نفر ۳۵ سانتیمتر مربع و حداقل حجم سرانه سالنهای سینما ۱/۵ متر مربع می باشد.

تعداد صندلیهای سالن به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۰ صندلی می باشد. در صورت داشتن اختلاف سطح سالن با بیرون حداکثر شیب راهرو ورودی ۸ % و عرض آن حداقل ۱/۲ متر می باشد.

حداقل عرض ورودی سالن انتظار به ازای هر ۱۰۰ نفر ۵۶ سانتیمتر می باشد.

ورودی سینما:

به دلیل کار کردن سینما به مجتمع فرهنگی ، ورودی با ورودی مجتمع یکی است و فقط یک در برای ورود به سالن انتظار منظور می گردد.

گیشه بلیط فروشی:

گیشه در سینما باید در مکانی باشد که دید کافی بر فضای خارج سینما داشته باشد و در جایی باشد که صف مربوط به آن فراهم گردد و مردم در معبر عمومی و همچنین مانع ورود و خروج مردم از سینما نباشد. در گیشه بهتر است به درون سالن انتظار باز گردد ، ولی این در طوری نباشد که با باز شدن آن درون گیشه مشخص گردد و سطح آن به ازای هر نفر حداقل ۳ متر مربع می باشد.

راهروهای سالن نمایش:

عرض راهروهای سالن را بر حسب تعداد جمعیت که از آن تخلیه می شوند محاسبه می شود.

ولی نه به این صورت که این عرض متغیر باشد. و اینگونه در نظر می گیریم که از تعداد جمعیت

هر ردیف که در دو طرف آن راهرو می باشد، ۶۰٪ آن از هر راهرو تخلیه می گردند. اگر عرض در خروجی سالن نمایش از عرض راهرو منتهی به آن بیشتر باشد باید حداقل فضایی

برابر عرض خروجی جلوی در ورودی داشته باشد. حداکثر شیب مجاز در راهرو های سالن

نمایش ۸٪ می باشد و اگر شیب بیشتر باشد باید از پله در راهرو استفاده گردد که ارتفاع و

عمق موثر پله باید طبق استاندارد ها باشد. پله ها و یا نقطه ی شروع شیب راهرو های سالن نمایش برای آگاهی تماشاگران باید با چراغ مخصوص روشن گردند. مصالح کف راهروها باید از

مصالح غیر لغزنده و غیر اشتعال باشد.

صندلی تماشاگران:

استاندارد های صندلی تماشاگران در جداول ضمیمه آورده شده است. جنس و مصالح به کار رفته در صندلیهای سالن نمایش باید مقاوم، قابل شست و شو، غیر قابل اشتعال باشد و از نظر آکوستیکی، مقدار صدائی که آن ها جذب می کنند نباید به وجود و یا عدم وجود تماشاچی در آن ها وابسته باشد. چیدن صندلیهای سالن نمایش مانند چیدمان صندلیهای آمفی تئاتر می باشد.

ورودی ها و خروجی های سالن سینما:

ورودی ها و خروجی های سالن نمایش سینما باید به گونه ای باشند که در معرض دید باشند

و از ورود سر و صدا به داخل و خارج سالن جلوگیری کنند. حداقل تعداد در خروجی سالن

نمایش ۲ عدد می باشد و فقط در موارد خاص مانند گنجایش سالن کمتر از ۱۰۰ می تواند 1 عدد باشد.

لازم به ذکر است که برای خروج از سالن نمایش بهتر از که در های سالن نمایش به طرف بیرون باز گردند.

حداقل فاصله دو در خروجی ۵ متر می باشد و نباید از در های یک لنگه استفاده نمود و باید از در های دو لنگه استفاده گردد.

در های سالن نمایش نباید قفل داشته باشند و بهتر است دارای ثابت کننده های فشاری باشند که با یک فشار روی آن ها، در ثابت گردد.

سرویس های بهداشتی سینما:

طراحی و اجرای ساختمانی قسمت های مختلف داخل سرویس های بهداشتی باید به گونه ای باشد که شست و شو و گذر دایمی مستمر تمامی دیوارها و کف های سرویس میس گردد.

اتاق پروژ کتور و ملحقات آن:

اتاق پروژ کتور شامل حد اقل ۲ عدد پروژ کتور به ابعاد ۶۰×۱۰۰ سانتیمتر، میز های بر گردان

و باز بینی فیلم به ابعاد ۱۲۰×۸۰ سانتیمتر و اتاق تقویت کننده های صدا می باشد. دستگاه هایی مانند رکتی نایر، تابلوی اصلی برق اتاق پروژ کتور، و مسیر های نور سالن و قفسه های فلزی مخصوص نگهداری فیلم در فضاها مستقل قرار دارند. اتاقک کوچکی جهت نگهداری باطریهای مخصوص روشنایی ایمنی سینما و سرویس بهداشتی در جنب اتاق پروژ کتور قرار دارند.

ابعاد اتاق پروژ کتور با توجه به ابعاد پروژ کتور ها، فواصل آنها از هم و از دیوارهای جانبی

و میزهای برگردان و بازیینی فیلم و دستگاہهای تقویت صدا در نظر گرفته می شود. دیوارها و کف اتاق پروژکتور باید قابلیت ۲ ساعت مقاومت در مقابل آتش سوزی را داشته

باشند. مصالح به کار رفته در اتاق پروژکتور جهت نازک کاری و آکوستیک نباید قابل احتراق

باشند کف اتاق پروژکتور برای انتقال کابلهای برق و صدا باید دو جداره بوده و کفپوش آن در مقابل برق عایق باشد.

وجود شیر یا کبسول آتش نشانی در نزدیک اتاق پروژکتور نیز توصیه می گردد.

پرده نمایش فیلم:

نوع پرده سینما با توجه به ابعاد سالن، قدرت پروژکتور، بهره روشنایی پرده و میزان روشنایی مطلوب پرده انتخاب می شود. اندازه پرده با توجه به عرض سالن نمایش در قسمت جلوی آن، ارتفاع سالن، عمق سالن و در نظر گرفتن فضائی در دو طرف پرده برای

رفت و آمد به پشت پرده و جمع شدن پرده محافظ تعیین می شود. پرده نمایش بهتر است دارای انحنا باشد؛ به خصوص در سالن های عریض، این انحنا کمائی از دایره به طول فاصله

لنز پروژکتور از مرکز پرده می باشد. اسکلت نصب پرده ی نمایش باید بزرگتر از پرده باشد

(30 سانتیمتر) تا نصب پرده آسان تر گردد و اسکلت از دیوار پشت پرده باید به اندازه ای که

برای نصب بلند گوها مورد نیاز است (۹۰ سانتیمتر) فاصله داشته باشد.

باید اشاره نمود که بهتر است دریچه های هواکش و خروجی هوا یا حتی ورود هوا، پشت پرده تعبیه نگردد و اصولاً سیستم های تاسیساتی و تهویه ی هوا به گونه ای باشند که هوا در پشت پرده چرخش نداشته باشد.

طراحی فضاهای آموزشی:

معماران سقف را به صورتی طراحی کردند که نمادی از آسمان با ابرهایش باشد و با تشبیه ملزومات نورپردازی و روشنایی به کتابهایی که در حال بال زدن میباشند حسی از کوشش و فعالیت را در فضا القاء کردند.



از آنجا که معماری یک فرایند فرهنگی بسیار تاثیر گذار بر ذهنیت جوامع بشری است ، پیچیده گیهای منحصر به فردی دارد. این پیچیده گیها در جوامعی که چالشهای تاریخی ،

فرهنگی زیادی پشت سر گذاشته اند، از شدت و اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. معماران که بنا به تعریف متفکران و فرهنگسازان، پیشگامان جامعه هستند، نقش ویژه ای در حرکت تمدن سازی اینگونه جوامع بعهدہ دارند. اگر پنداریم که معماری، خود قابلیت دگرگونی اجتماعی را دارا می باشد، با برانداختن کنش های متقابل اجتماعی و ایجاد کنش و واکنش و تعاملی صحیح و مستمر ما بین سه اصل انسان، معماری، فرهنگ خواهیم توانست با وارونه کردن فضاهای منفی قلمروئی به رشد رسیده را تعریف نمائیم. به بیان دیگر معماری نوعی دگرگونی متعالی اندیشه هاست و هنر طبیعت و هنر زائیده دست بشری تلاشی عظیم برای رسیدن به بیانی پایدار است که بتواند دغدغه های جاوید شدن و ماندگاری را پاسخ دهد.

اکنون بیش از ۱۰۰ سال است که مفهوم آموزش و پرورش در مراکز اجتماعی هنوز به عنوان سر فصلی داغ مورد بحث است. آموزش و به تبع آن فضاهای آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی این گونه جوامع به عهده دارند. فضاهای آموزشی و در عمده ترین بخش آن، مدارس دوره زمانی طولانی تری از عمر انسان ها را در خود جای می دهد. هدف یادداشت حاضر یافتن کالبدی جدید برای اصلاح فرایند آموزش و پرورش می باشد. فرایندی که جهت گیری آن به سوی رشد مسئولیت پذیری، کار پربار و تداوم در امر آموزش می باشد. هر چند آموزش پرورش، سیاستگذاریهایش تا کنون نتوانسته است شرایطی فراهم کند که موجب پرورش بیش از پیش استعداد های دانش آموزان شود.

امروز واژه انسان استادآموز جای خود را به انسان خودآموز و مسئولیت پذیر داده است. از این رو الگو و روشی که بدان نیاز داریم، نگارشی جدید و بهبود یافته نسبت به الگو های قدیمی نمی باشد بلکه نیاز، مفهومی کاملاً متفاوت از آموزش خواهد بود و البته نظریاتی فراتر از تئوری. هدف ایجاد فضائی بهینه در امر آموزش و یادگیری می باشد. ماهیت فضا های آموزشی، لازمه سر مشقی منحصر بفرد برای پژوهش و ایجاد کنش و واکنش صحیح جهت آموزش و پرورش می باشد. به شرط آنکه تعاملی صحیح و مستمر ما بین سه اصل آموزش و پرورش، دانش آموز و فضای آموزشی برقرار باشد.



طراحی و معماری مدارس امروزی، در سر تاسر دنیا بر اساس ۳ مورد، مسئولیت پذیری، کار پربار، یادگیری مادام العمر (تداوم) انجام می گیرد. این امر در ساختن فضاهای آموزشی با عملکرد بالا، تنها بوسیله کنش در مفهوم پژوهش، مبنی بر برنامه های مراکز فراگیری و راهبردهای اجتماعی و اطلاعات کاربردی و عملی در این زمینه، میسر خواهد بود و در ادامه به اهم آن می پردازیم:

۱. طراحی اصولی شکل کلی فضای معماری

معماری تنها هنری است که ما را در بر گرفته است و انسانها بیش از آنکه بر فضا تاثیر بگذارند، از آن تاثیر می پذیرند. از این رو شکل کلی فضای معماری اهمیتی خاص دارد. یک فضای نامنظم و تکراری، بی نظمی و ناهنجاری را القاء می کند و یک ساختمان حجیم، قدرت و پول را به رخ می کشد. فضایی هندسی و منظم، نظم را القاء می کند. سابقاً فضای هندسی در معماری آنچنان اهمیت داشته است که مهندس باشی با بهره وری از علم هندسه و نجوم، فرای حضور معمار باشی و ناظر باشی وظیفه طراحی بسیاری از عناصر، از جمله شکل کلی فضای معماری را بعهده داشته است. روش معماران گذشته ایرانی در راستای آن بوده است تا از جذابیت فرم کاسته شود و به غنای فضا افزود.

۲. ساختن فضای آموزشی با عملکرد بالا

ضرورت به تفکر و داشتن کودکان در کتابخانه ها قلب یاد گیری خواهد بود. در کشورهای پیشرفته امروزی ، نقش کتابخانه و نسبت و رابطه کتابخانه را با آموزش و پرورش را ، از لحاظ تکنولوژی و جامعه شناسی مورد بررسی قرار دادند و سپس بر تعریف معینی از این کلمه در میان اقشار جامعه پرداخته اند و سپس صراحتاً هدف و روش های یاد گیری در کتابخانه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادند. و به وضوح دریافته اند که کتابخانه ها که تنها ۵ درصد از فضای فیزیکی را اشغال میکنند ، تاثیر ۱۰۰ درصد دارند و این درجه بزرگی از عملکرد است. هدف اولیه آنها ایجاد مدلی قابل اطلاق به دیگر مدارس است و نه ایجاد جعبه یا اتاق و یا قفسه ای جهت کتابها ، بلکه آنها در ایجاد فضایی که در ارتباط پیوسته میان مدرسه و کتابخانه باشد میکوشند. آنها در اولین قدم کتابخانه را از طبقه ای که در انزوا قرار گرفته بود و همچنین مطالعه را که در حاشیه قرار داشت به کلاسهای درس منتقل کردند و بدین ترتیب به مطالعه و یاد گیری به عنوان دو اصل متعامل ————— تاکید ورزیدند.

۳. ارائه آموزشهای غیر مستقیم و گروهی با ایجاد کارگاه های جنبی

معماران در بررسیهای جامعه شناختی و روانشناختی در یافتند با ایجاد کارگاه های جنبی آموزشی در کتابخانه ، در زمینه های فراگیری کار با رایانه و فراهم کردن سرگرمیها و هر آنچه در ایجاد تحولی آزادانه در رشد و تحول شخصیت کودک و شناسایی استعداد های آنها موثر می باشد ، خواهند توانست فضائی فعال و پویا را ایجاد نمایند. در این چنین محیط هائی اغلب آموزشها به طور غیرمستقیم و به صورت آموزشهای گروهی به کودک داده میشود. آنچنانکه مکانهایی با چنین مشخصاتی خواهند توانست پذیرای کودکان برای فعالیتهای دسته جمعی و گروهی باشد. بدین طریق مدرسه به عنوان محیطی جهت ایجاد کنش در دانش آموزان نسبت به مفهوم پژوهش خواهد توانست محیطی فعال ، به رشد رسیده و پویا را ایجاد نماید.

۴. ایجاد فضایی مطلوب و منطبق با شرایط جسمی و روانی دانش آموزان
فضاهای مرتبط با فعالیت آنان باید دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی و ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنان باشد. تحقق این امر از طریق بکارگیری ضوابط طراحی معماری ای که منطبق با شرایط جسمی و روانی کودک باشد، امکان پذیر است. اهداف اساسی طراحی و مناسب سازی فضاهای کودکان را می توان به ترتیب زیر برشمرد:

۴-۱ محیط دلپذیر:

استاد محمد تقی جعفری در کتاب زیبایی هنر از دیدگاه اسلام می گوید: ((دلپذیری و جذابیت هر پدیده، نتیجه فرایندی است بین معیارهای وجودی فرد با عینیت واقع در محیط، که حاصل آن ایجاد تمایل و احساس وابستگی با پدیده مورد نظر است.)). نقاشیهای کودکان نشان میدهد که کودکان در تصوراتشان، فضا را چگونه می بینند. آنها بطور دقیق و کامل، (بعنوان کاربر) فضا را قبول کرده و آن را با جزئیات در ترسیماتشان بیان می کنند، که باعث تعجب است.

۴-۲ وضوح و خوانایی:

از دیگر شرایط دلپذیری محیط، تامین وضوح و خوانایی است. کوین لینچ می گوید: تصویری شایسته از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می دهد. وی همچنین غرض از داشتن تصویر روشن از محیط را چنین عنوان می کند که فرد بتواند به آسانی اجزای محیط را بشناسد و آنها را در ذهن خود، در قالبی به هم پیوسته ارتباط دهد. در واقع، سامان یافتگی و امنیت روانی حاصل از این دو فرایند است که احساس دلپذیری را در محیط ایجاد می کند.

۴-۳ در نظر گرفتن فضای بازی:

بازی یکی از مهم ترین عوامل در شکوفایی و بالندگی جسم و روان کودکان است. بزرگترین بخش های بازی های انفرادی و گروهی کودکان باید در فضاهای باز

صورت گیرد، زیرا این فضاها اولین مکان برخورد مستقل کودک با جهان خارج از خانه است. برنامه ریزی و طراحی زمین بازی باید پاسخگوی نیازهای کودکان و نوجوانان در دوره های گوناگون رشد باشد. از دیدگاه برخی روان شناسان، ماهیت دوران کودکی، بازی و اکتشاف است. اما این دو فعالیت باید در محیطی امن صورت گیرد که این کار با تمهیداتی در طراحی فضاها امکان پذیر خواهد بود. محیط خارجی به طور طبیعی تحریکات حسی را ایجاد می کند. کودکان محیط پیرامون خود را با جزئیات درک می کنند. رنگ ها، بافت ها، شکل هل و در نهایت طرح زمین بازی، کودک را برای ایجاد ارتباط با محیط و فراگیری بیشتر ترغیب می کند.

۴-۴ تنوع:

تنوع و غنی بودن محیط، که تمرینی در جهت کاربرد و حواس گوناگون مانند بینایی، شنوایی، و لامسه است و از این طریق ایجاد تنوع در رنگ، صدا، بافت و... تامین می شود.

۴-۵ مشخص کردن محدوده ها به وسیله کف سازی:

کف سازی مشخص، روش موثری برای تعیین یا ایجاد ارتباط بین سطوح مختلف یک سایت است. مثلاً یک محوطه ورودی برخوردار از نوع کف سازی، که متشکل از الگوی خاص و مصالح معینی باشد، به فضاهایی که در تقابل این محوطه قرار می گیرند وحدت و هویت خواهد بخشید و در ایجاد احساس قلمرو در کودکان سهیم خواهد شد. در ضمن بر میزان تنوع و مطلوبیت بصری محیط نیز خواهد افزود.

۴-۶ طراحی جزئیات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان:

لازم است شعاع حرکت و حیطه طبیعی تحرک گروه های مختلف سنی بررسی شود و طراحی جزئیات فضاها متناسب با توانایی های جسمی و ویژگیهای روانی و هماهنگی با الگوهای حرکتی و رفتاری آنان طراحی شود.

۴-۱۷ ایجاد حس کنجکاوی و خلاقیت:

آنچه مسلم است، معماری حس کنجکاوی و خلاقیت را برمی‌انگیزد. با انتخاب هوشمندانه و استفاده از ابزارهای مشخصی همچون مصالح، فرم، بافت می‌توان به غنای فضا افزود.

۴-۱۸ رعایت عوامل زیبایی شناسی:

عوامل زیبایی شناسی در آن باید طوری طراحی شوند که کودک را به آموزش ترغیب کند. از این رو باید محیطی شاد و سرشار از انرژی را، با توجه به هر گروه سنی، توسط رنگها و حجمها پدید آوریم.

۴-۱۹ رعایت قیاس و مبلمان:

طراحی فضای منطبق با شرایط کودکان به طور قطع بستگی به شناخت کافی از ویژگی‌های رشد آنان دارد. خصوصیات جسمی و روانی کودکان در مراحل مختلف رشد، اساس برنامه ریزی فضا و طراحی برای آنان است. اندازه میز و صندلی، کمد های اسباب بازی و نیز ارتفاع مناسب دستگیره درها، دستشویی‌ها، شیرها و .. ضروری است. اگر فضا و عناصر آن متناسب با اندازه های کودکان باشد (از جمله: قطعات متنوع مبلمان، نیمکت، میز و صندلی، تابلوها، قفسه‌ها و غیره)، آن‌ها به سادگی می‌توانند از فضاها و وسایل مربوط به خود استفاده کنند. به همین سبب کودکان اثاثیه و مبلمانی‌هایی را که با مقیاس و در حد و اندازه آنان ساخته می‌شود و در تقابل و مرتبه چشمانش است را بیشتر دوست میدارند، بطوریکه دیگر مجبور نیستند برای استفاده از آنها قد بکشند.

۴-۱۰ همسازی با اقلیم منطقه:

جهت همسازی با اقلیم منطقه می‌بایست با مطالعه در عوامل اقلیمی و فرهنگی و اقتصادی آن منطقه، از طریق برداشت جذابیت‌های طبیعی و الگوهای شهری همان منطقه، خرده فرهنگ‌های محلی را لحاظ کرد. این امر باعث می‌شود دانش آموزان از لحاظ فکری،

فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی ارتباط عمیقتری با پیرامون خود و به دنبال آن با محیط آموزشی به دست آورند.

پی نوشت :

معماری برای کودکان نوشته والتر کروگر ، ترجمه احمد خوشنویس
ضوابط طراحی معماری مهد کودک ، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
زیبایی هنر از دیدگاه اسلام ، نوشته استاد محمد تقی جعفری
رهنمودهای طراحی ، نوشته شعله نوروزی ، مجله صفا شماره ۳۹
طراحی اتاق کودک ، همین نویسنده ، مجله صنعت ساختمان داریس شماره ۴۰

ریز و درشت طراحی مهد کودک:

کودک محور طراحی مهد کودک در طراحی ساختمان مهد کودک ، کودک محوری اولویت دارد. به این معنی که ساختمان باید برای نگهداری موقت کودکان طراحی شود



نادیده گرفتن عادت‌مان شده است. حتی اگر پای کودکانمان در میان باشد. شاید در این هنگام بیشتر از مواقع دیگر. چه کودکان زبان اعتراض ندارند. شهر باید انسان محور باشد. این را بیشتر کارشناسان شهری می‌گویند. شهر بزرگ شده، رشد پیدا کرده اما توسعه هنوز غایب است. زنان، راهی محیط‌های کاری شده‌اند، اما از ملزومات حضور اجتماعی آنان در شهر خبری نیست. کودک جزئی از جامعه انسانی شهرنشین است و توجه به او از اصول شهرنشینی. با این حال گویا این بخش از جامعه در شهرهای ما چندان جدی گرفته نمی‌شوند. مگر به مناسبت روز جهانی کودک آن هم با پخش چند کارت‌تون. از آموزش اصول شهروندی

گرفته تا رعایت ضوابط استاندارد محیط های ویژه آنها. چند مدرسه یا مهد کودک را سراغ دارید که با شرایط جسمی کاربر آن یعنی کودک همخوانی داشته باشد؟



یک مهد کودک استاندارد در آلمان

ضوابط مهد کودک سازی:

شورای عالی معماری و شهرسازی سال قبل ضوابطی را برای طراحی مهد کودک به تصویب رساند.

شاید این تنها ضابطه موجود از سوی متولیان امر ساختمان برای ساخت مهد کودک به عنوان فضای مختص کودکان باشد. گو این که بر این ضابطه نیز نقدهای فراوانی وارد است، با این حال همین ضوابط ناقص نیز اغلب نادیده گرفته می شود. چه بیشتر مهد کودک ها، خانه های قدیمی هستند که تنها با رنگ کردن و چسباندن چند نقاشی به در و دیوار تغییر کاربری داده اند.

در این ضابطه که با نام ضوابط طراحی معماری مهد کودک نامیده می شود، آمده است، «اجرای مصوبه حاضر و پیوست آن در تمام طرح های آتی و در دست تهیه انواع مهد کودک اعم از دولتی، خصوصی و خود کفا از این تاریخ (14/2/1383) در سرار

کشور الزامی بوده و تمام مراجع مسوول تهیه، بررسی و تصویب و اجرای طرح های مهد کودک موظفند در مراحل مختلف تصویب ، صدور پروانه و نظارت بر اجرا ضوابط مهدکودک را رعایت کنند.»

با این همه از تصویب ضوابط طراحی مهد کودک تاکنون اتفاق خاصی در زمینه ساخت مهدکودک نیافتاده است.

هر چند بندهای این مصوبه چندان با شرایط کودکان انطباق ندارد . علاوه بر ضوابط شورای عالی شهرسازی و معماری سازمان بهزیستی نیز ضوابطی را برای ساختمان مهد کودک لحاظ کرده که در اغلب بندهای آن با عنوان کلمه ” حتی المقدور ” بیشتر جنبه توصیه ای پیدا کرده تا مصوبه ای .

برای مثال در این ضوابط آمده است : ساختمان مهد کودک حتی المقدور یک طبقه باشد. در غیر این صورت طبقه دوم به نگهداری شیرخواران و اطفال نوپا اختصاص یابد.





اسـتـانـدارـد _____ تـانـدارـد _____ دور از دسـ _____ ترس

«هر ساختمان باید سرپناه محکمی، کارآمد و زیبا باشد.» این یک تعریف ساده است که محمود نجاری سی سی، کارشناس ارشد معماری و مدرس معماری دانشگاه هنر از ساختمان‌ارایسه می‌دهد .

وی می‌گوید: «در طراحی ساختمان مهد کودک، کودک محوری اولویت دارد. به این معنی که ساختمان باید برای نگهداری موقت کودکان طراحی شود. بنابراین ایمنی کودکان در مدت زمان حضورشان در مهد کودک اصلی‌ترین نکته و دستورالعمل در ضوابط طرح و اجرای ساختمان است.»

گو اینکه به زعم سی سی، منظور از ایمنی تنها استحکام ساختمان نیست، بلکه رفتار شناسی کودک و توجه ظریف به روحیات و اخلاق کودکان و تامین امنیت و بهداشت او باید مورد توجه قرار گیرد .

«در کشورهای توسعه یافته و قانونمند مانند آلمان مسوولیت سنگین پذیرش کودک سبب شده تمام نکات و ضوابط ساختمانی، بهداشتی، آموزشی و مراقبتی مورد مطالعه قرار گرفته و در طراحی ساختمان مهد کودک لحاظ شده است.»

مهندس سی سی درباره ضوابط ساخت مهد کودک در کشورهای توسعه یافته می گوید:»
ساختمان های مهد کودک در مناطق شهری باید در نقاطی اجرا شوند که سرعت خودروها
در آن نقاط حداکثر ۳۰ کیلومتر باشد. ساختمان از شریان های اصلی تاسیسات شهری ،
برق فشار قوی ، ترن و مترو و مراکز آلوده کننده دور باشد. در مسیرهای اطراف ساختمان
مهد کودک تفکیک مسیر پیاده رو از سواره رو انجام شده باشد. ورودی مهد کودک
نباید مجاور خیابان باشد .همچنین محدوده امنیتی برای کنترل عبور و مرور کودکان
وجود داشته باشد.»
گذشته از نکات قابل ملاحظه در مکانیابی ساختمان مهد کودک ، ضوابط دیگری نیز باید
در خصوص ساختمان رعایت شود .
برای مثال مسیر حرکت کودک از خارج ساختمان تا داخل و داخل ساختمان نباید
اختلاف سطح داشته باشد.استفاده از اشیا تیز و برنده در محوطه سازی و فضاسازی
مهد کودک مجاز نیست.سطل های جمع آوری و تفکیک زباله باید به لحاظ ترشح و نفوذ
زباله کنترل شده و از دسترس کودکان دور باشد.طراحی فضای باز باید به شکلی باشد که
در والدین احساس نگرانی ایجاد نکند .عناصر محیط باید به شکلی طراحی شود که
احتمال بالا رفتن کودک از او سلب شود. طراحی **** ورودی برای کنترل دمای
داخل و خارج و تمیز کردن کفش ها ضروری است. دستگیره در ورودی که در حالت
معمول در ارتفاع یک متر طراحی می شود. در مهد کودک از سمت داخل باید ارتفاع
بیش از یک متر و ۵۰ سانتیمتر داشته باشد. تا کودک نتواند آن را باز کند.





نمونه وطنی:

نجاری سی سی به همراه دانشجویان معماری خود تحقیقی را در ارتباط با طراحی مهد کودک در ایران به انجام رسانده است. این تحقیق نشان می دهد در بیشتر مهد کودک های وطنی ضوابط استاندارد رعایت نمی شود. برای مثال در یکی از مهد کودک های زنجان، حیاط مهد کودک با ساختمان آن به اندازه ای اختلاف سطح دارد که ناچار چندین پله این دو فضا را به هم مرتبط می کند. آن هم پله هایی با بدنه فلزی و پوشش سنگی. فضاهای ناامن داخل ساختمان، ساختمان های دو طبقه و پله های متعدد، روشویی ها و دستشویی های نامتناسب با قد کودکان و موارد متعدد این چنینی از دیگر مشکلات طراحی ساختمان مهد کودک در ایران است.

آن سی سی **روی** **رویا** :

محمود سی سی می گوید: «در طراحی ساختمان مهد کودک باید سه بخش مورد توجه

قرار گیرد. ۱_ قسمت کودک ۲_ قسمت کارکنان ۳_ قسمت والدین. در طراحی مهد کودک، توجه به فضای کارکنان و مدیریت مهد کودک و تفکیک فضاهای استراحت، کاری، بهداشتی و کارکنان و جلوگیری از تداخل این فضاها با فضای کودکان حایز اهمیت است. فضاها باید با توجه به وسعت برنامه ها و تعداد کارکنان طراحی شود. فضای انتظار نیز باید در طراحی مهد کودک لحاظ شود. (فضایی که در آن والدین به انتظار کودکان می نشینند). این فضا باید در مجاورت **** ورودی و بخش مدیریت ساختمان قرار گیرد. در این فضا باید وسایل اندکی برای سرگرمی کودکان تعبیه شود.» . به گفته سی سی در طراحی ساختمان مهد کودک نکات دیگری از جمله کوتاه بودن ارتفاع تابلوهای مخصوص کودکان و مرتفع بودن تابلوهای مخصوص بزرگسالان در نظر گرفته می شود.

«در این محیط باید از رنگ های ملایم در کف و دیوار و رنگ های اصلی زرد، آبی و قرمز در وسایل دیگر استفاده کرد. درها باید امکان خروج سریع را برای کودکان فراهم کند. سرویس های بهداشتی کودکان باید به تناسب قد آنها طراحی شود. این نکات را باید در طراحی محل آویزان کردن وسایل شخصی کودکان نصب لگوهای هر کودک (در مهد کودک های کشور های پیشرفته هر کودک لگویی را برای خود انتخاب می کند که معرف وسایل شخصی اوست. برای مثال یک شخصیت کارتونی). در این فضا در محل قرار گیری کلید پریشا باید دقت کرد تا از دسترس کودکان دور باشد.»

به اعتقاد سی سی پارکت به دلیل حفظ دمای محیط و تمیزی برای پوشش مهد کودک مناسبتر است.

وی ادامه می دهد: «ساخت این اتاق ها برای یک مهد کودک الزامی است ****_ 1 . ورودی ۲_ هال مرکزی ۳_ اتاق مدیریت همراه با محلی برای گفت و گوبا والدین ۴_ فضای انتظار والدین ۵_ فضای سرگرم شدن موقت کودکان ۶_ رخت کن کارمندان ۷_ سرویس کارمندان ۸_ آشپزخانه و انبار ۹_ سالن ورزش و بازی دسته جمعی ۱۰_ انبار وسایل بازی ۱۱_ کارگاه نقاشی و کار با رنگ و کاردستی ۱۲_ فضای مربوط به نظافتچی و انبار مربوط به آن ۱۳_ کلاس های گروهی ۱۵ تا ۲۰ نفره کودکان (فضاهای گروهی باید برای اوقات قصه گویی، نقاشی و بقیه فعالیت های مرتبط عملکردی باشد). ۱۴_

فضای سرویس هر گروه ۱۵_ فضای استراحت کودک (در مهد کودک های استاندارد فقط یک مکان برای استراحت کودک آن هم برای کودکی که نیاز به استراحت دارد تعبیه می شود. چه خواب دست جمعی کودکان معمول نیست. کودک به ذات اهل تحرک است نه خواب!) محوطه بازی کودکان باید پاکیزه باشد و در طراحی آن ایمنی کودک در نظر گرفته شود.»

نگاهی به ضوابط مهد کودک استاندارد فاصله عمیق مهد کودک های وطنی را از شرایط مطلوب بیشتر به نمایش می گذارد. دلسرد نشوید با اجرای مصوبات دست و پاشکسته مهد کودک سازی در کشور شاید کودکان نسل بعد فرصت بهره گیری از یک محیط مناسب را در زمان حضور والدین خود در محل کار داشته باشند .

ایده تا فرم و موضوع طراحی:

همانقدر که در معماری، داشتن ایده مهم است، گذر از مرحله ایده به فرم نیز اهمیت دارد. ایده ها، مصالح طراحی هستند و فرمها تبلور فرآیند تولید، پالایش و تلفیق ایده های خرد و کلان، برای رسیدن به ساختاری منسجم، در معماری، به معنی خاص آن، ساختن ایده مهمتر از ساختن بناست.

اما اگرچه وجود مصالح خوب، یعنی داشتن ایده های مناسب و بدیع معمارانه، ضروری است، به کارگیری صحیح و خلاقانه ایده ها اساسی ترین بخش معماری است . در حالی که معماری گذشته با تلفیق، تطبیق و تکمیل ایده های فضایی مشخصی که فرم و

مصادقاتهای عینی آن، نظیر هشتی و ایوان، حیاط و پنج دری، از قبل موجود بود، سر و کار داشت؛ معماری امروز، بیشتر از گذشته به جوهر معماری، فضا، فرم، نور و رنگ توجه دارد .

طراحی معماری نیز در این شرایط از ایده‌هایی مجرد آغاز می‌شود و سپس به طرح فضای عینی زندگی، می‌انجامد. عبور از مقوله‌ای ذهنی و مجرد به پدیده‌ای عینی، لحظه‌ای جادویی است. این مسئله در آغاز طراحی که مسئله تبدیل ایده‌های اصلی و محور پروژه به ساختاری دارای شکل، مطرح است؛ بسیار حساس و تعیین کننده است. ایده‌های مکمل بعدی که تا مرحله تعیین جزئیات فنی و تزئینی بنا، رفته رفته شکل می‌گیرند، این امکان را می‌یابند که از تجربه شکل‌های حاصل شده یا از تجربیات قبلی طراحی سود ببرند . «تبدیل ایده به فرم، دانش و مهارت طراح را می‌طلبد. منظور از دانش، اطلاعات طراح از تکنیک‌های خلاقیت، تکنیک‌های ترکیب و مقوله‌هایی از این قبیل است که هر فردی می‌تواند از طریق مطالعه بیاموزد. مسئله مهارت، پیچیده‌تر است و به تربیت ذوق و سلیقه و کسب تدریجی توانایی در بکارگیری فرمها مربوط می‌شود .

تبدیل ایده به فرم در طراحی معماری یک مرحله خاص و محدود از زمینه‌های پژوهشی و تجربی است که بسیار وسیع‌تر و مهم‌تر از یک پروژه - با تمامی مسایل آن - است. هر نوع قاعده طراحی درونی یک پروژه، که از ویژگی‌های موضوع طراحی استخراج می‌شود، هر چقدر مفید و جذاب باشد، نمی‌تواند با نگرش کلی طراح، نسبت به معماری و مسایل آن تفاوت اساسی داشته باشد و به همین دلیل قالب‌ها و قواعد فرمال خاص یک پروژه، باید همواره به صورت انتقادی و انعطاف پذیر دیده شوند. در غیر این صورت یک جزء، یعنی مسایل مربوط به یک پروژه خاص، ممکن است به کل، یعنی اهداف و مسایل اصلی پروژه معماری، خدشه وارد کند .

ایده، اصطلاحی است که در بحث‌های معماری زیاد به کار می‌رود و همین نکته، اهمیت آن را می‌نمایاند. در تمدن بشر، ایده، نقش بسیار مهم یا شاید بتوان گفت مهمترین نقش را ایفا کرده است. اگر به اطراف نگاهی کنیم، می‌بینیم که تمامی اشیاء زندگی ما در اصل براساس ایده‌هایی مشخص به وجود آمده‌اند .

پوسته خرچنگی که لوکوربوزیه در سال ۱۹۴۶ در یک ساحل یافته بود، به ایده‌ای برای

یکی از مهمترین آثار معماری معاصر تبدیل شد: سقف کلیسای رونشان .

در هر حال نه تنها فرمهای طبیعی، بلکه تمام پدیده‌هایی که در این جهان وجود دارند، از قبیل یک ساختمان یا حتی یک داستان و یک شعر نیز ممکن است به کاتالیزورهایی برای پرورش ایده‌ای در ذهن تبدیل شوند. نکته ی مهم، چگونگی استخراج ایده از مقولات شناخته شده است. زیرا تبدیل مستقیم چیزهایی که کنجکاوی ما را جلب کرده‌اند، به معماری، به اندازه ساختن ساختمانی به شکل خرچنگ، مضحک است. ذهن کنجکاو، عصاره یا ویژگی مهم آن چیزهایی را که با حواس، شناخته شده است، استخراج می‌کند و سپس آن را به زبان مناسب پروژه ترجمه می‌کند. در طول زمان، معانی اولیه فراموش می‌شوند، کاربری‌ها عوض می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند فرم است. به همین جهت، صحیح است که شکل‌گیری ایده یا تبلور آن، مسیر خود را طی کند .

معماری پیش از آنکه یک ساختمان باشد؛ یک تفکر، یک اختراع و یک واقعه پیش‌بینی نشده است. اختراع معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که به یک راه حل استثنایی نیاز باشد و کار معماری، همواره در شرایطی صورت می‌پذیرد که به لحاظ زمانی، مکانی یا موضوعی، منحصر به فرد محسوب می‌شود و بنابراین نیاز به اختراع دارد .

کار اصلی معمار، یافتن جوهر منحصر به فرد هر پروژه و پرداختن به آن است. از این طریق، ایده تولید می‌شود و در کنار ساختمان، که راه حلی برای مسئله‌ای محدود و مشخص است، فرهنگ معماری نیز به پیش می‌رود ..

ایده ابزاری برای گفتگو و پیشنهاد راه حلی مکمل است، آن هم نه راه حلی که به صورت نقطه ضعف درآید و سرنوشتی انگل وار داشته باشد. اگر در گذشته تنها ابنیه بسیار خاص، به ایده‌های نوین دست می‌یافتند و اکثر سازندگان به استفاده از ایده گذشتگان یا تکمیل تدریجی آنها می‌پرداختند، امروزه وضعیت کاملاً متفاوت است و معماری اگر صاحب ایده نباشد؛ نه تنها به لحاظ فرهنگی بی‌ارزش است، بلکه حتی به جای پرداختن به مسایل پروژه، ناچار است به دور آنها بچرخد و با شعبده بازی‌های سلیقه‌ای، مشروعیت ظاهری برای خویش کسب کند .

«ایده» همواره ماهیتی جهانی است ولی سلیقه محلی است. به دلیل فقدان ایده است که اینقدر از نفوذ معماری جهانی به کشور نگران می‌شویم. تنها راه مقابله با تهاجم فرهنگی

نیز تولید ایده‌هایی اصیل و باارزش است. معماری ما هم زمانی که دارای ایده بود، مسئله تهاجم فرهنگی را حل کرده بود. پیش بینی می‌شود که در آینده‌ای نزدیک، عمده‌ترین فعالیت بشر، تولید ایده خواهد بود و روباتها و کامپیوترها بقیه کارها را انجام می‌دهند. تولید ایده در حقیقت یکی از مهمترین فعالیت‌های مغز است که کامپیوتر قادر به انجام آن نیست.

اگر اظهار نظریه‌های عمومی در مورد معماری، سرمشقی برای معماران حرفه‌ای باشد، توفیقی برای طراحی است. برطبق نظر ویتروویوس معماری باید سه مقصود اصلی را برآورده سازد: پایداری، سودمندی، زیبایی معماران مدرن سودمندی را هدف عملکردی ساختمان و فرم را هدف زیباشناختی آن در نظر گرفته‌اند تفکیک فرم و عملکرد، ممکن است که این معنا را داشته باشد که زیبایی هیچ مقصود بنیادینی را برآورده نیم سازد. روشن است که اینگونه نیست. عملکردهای زیباشناختی باید به‌مراه بقیه عملکردهای محیط کالبدی در نظر گرفته شوند. با وجود اینکه تحلیلهای زیادی سعی در جدا ساختن فرم و عملکرد داشته‌اند باید توجه داشت که سودمندی همان زیبایی و زیبایی عین سودمندی است.

فضای انتظار:

چگونگی به دنیا آوردن فضای معماری به گونه‌ای که بتواند برانگیزاننده غرور شود و میان آنچه ماده‌ی شده و میان آن کس که به بهره‌وری از آن پرداخته، پلی بسازد که بر روی آن بتوان دو سویه حرکت کرد، مشروط از عاملیت و عملکرد است که بدون تدبیر و ابداع

تحقق نمی یابد. عاملیت و عملکرد فضاها را تغییر میدهند و نهایتاً کنش به سوی آن تجربه های زیبایی شناسی را دگرگون خواهد کرد.

این صفات موج دار با رویه چمن مصنوعی برای اتاق انتظار بیمارستان کودکان توسط "Alice Hampson" و "Sebastian Di Mauro" طراحی و ساخته شد. این صفحات موجدار به طور مناسبی با هم جور میباشند. این موجها میخواهند حرکات جنبشی شان با اسودگی و اسایش توصیف شود. فرم این سطوح موجدار بیان گر آن است که در نقش خود اسرار امیز هستند.

دولت محلی شهر " Queensland " در برنامه هایش موظف شده است نسبت به هزینه دو درصد از محل بوجه عمومی خود در این زمینه و در تمام مکانهای عمومی به جز زندانها اقدام نماید.

بدون شک طراح به دنبال گشتی فیزیکی " و ایجاد نوعی فضائی پویا و جالب در نظمی شاعرانه است و میکوشد روابطی از فضائی سیال در اتاق انتظار ایجاد کند.

این صفحات موجدار برقرار کننده جدالی مکالمه برانگیز می باشد و تجردی از تصویری خیالی از فضائی سبز بوسیله چمن مصنوعی می باشد. بدیهی است که نقشی چند گانه خواهد داشت و البته جاذب. و ناظر بدون اینکه کیفیاتش را از دست دهد خواهد توانست در تجریدی مرموز شریک باشد و همچنین طراحی به گونه ای انجام شده که در کنشی متقابل دعوت کننده باشد.

اتاق انتظار به طور ادراکی فضائی نامرئی است. فضای منفی جمعی را بدون جلال و انزوا توصیف میکند. رمزها بازنمایی نامرئی بودن ادراک را در فضای منفی اساس می بخشند و توسط این رمزها تضمین کردن گمنام ماندن رفتار های شخصی هماهنگ خواهد شد.

تثاثر به وسیله بر انداختن کنش های متقابل اجتماعی و وارونه کردن نیروی فضاهاى منفى قلمروئى به رشد رسیده را ایجاد میکند. بچه ها با بالا رفتن و ایستادن بر روی صندلی های پلاستیکی نوعی بد رفتاری را ایجاد میکنند. این بازی ها عاملیت و عملکرد اتاق های انتظار را تغییر میدهند و نهایتاً کنش به سوی انتظار تجربه های زیبائی شناسی را دگرگون خواهد کرد.

فضای انتظار :

چگونگی به دنیا آوردن فضای معماری به گونه ای که بتواند برانگیزاننده غرور شود و میان آنچه ماده یی شده و میان آن کس که به بهره وری از آن پرداخته، پلی بسازد که بر روی آن بتوان دو سویه حرکت کرد، مشروط از عاملیت و عملکرد است که بدون تدبیر و ابداع تحقق نمی یابد. عاملیت و عملکرد فضاها را تغییر میدهند و نهایتاً کنش به سوی آن تجربه های زیبائی شناسی را دگرگون خواهد کرد.

این صفات موج دار با رویه چمن مصنوعی برای اتاق انتظار بیمارستان کودکان توسط "Alice Hampson" و "Sebastian Di Mauro" طراحی و ساخته شد. این صفحات موجدار به طور مناسبی با هم جور میباشند. این موجها میخواهند حرکات جنبشی شان با اسودگی و اسایش توصیف شود. فرم این سطوح موجدار بیان گر آن است که در نقش خود اسرار امیز هستند.

دولت محلی شهر " Queensland " در برنامه هایش موظف شده است نسبت به هزینه دو درصد از محل بوجه عمومی خود در این زمینه و در تمام مکانهای عمومی به جز زندانها اقدام نماید.

بدون شك طراح به دنبال گشتی فیزیکی " و ایجاد نوعی فضائی پویا و جالب در نظمی شاعرانه است و میکوشد روابطی از فضائی سیال در اتاق انتظار ایجاد کند.

این صفحات موجدار برقرار کننده جدالی مکالمه برانگیز میباشد و تجردی از تصویری خیالی از فضائی سبز بوسیله چمن مصنوعی میباشد. بدیهی است که نقشی چند گانه خواهد داشت و البته جاذب. و ناظر بدون اینکه کیفیاتش را از دست دهد خواهد توانست در

تجربیدی مرموز شریک باشد و همچنین طراحی به گونه ای انجام شده که در کنشی متقابل دعوت کننده باشد.

اتاق انتظار به طور ادراکی فضائی نامرئی است. فضای منفی جمعی را بدون جلال و انزوا توصیف میکند. رمزها بازنمایی نامرئی بودن ادراک را در فضای منفی اساس می بخشند و توسط این رمزها تضمین کردن گمنام ماندن رفتارهای شخصی هماهنگ خواهد شد.

تثاثر به وسیله بر انداختن کنش های متقابل اجتماعی و وارونه کردن نیروی فضاها منفی قلمروئی به رشد رسیده را ایجاد میکند. بچه ها با بالا رفتن و ایستادن بر روی صندلی های پلاستیکی نوعی بد رفتاری را ایجاد میکنند. این بازی ها عاملیت و عملکرد اتاق های انتظار را تغییر میدهند و نهایتاً کنش به سوی انتظار تجربه های زیبایی شناسی را دگرگون خواهد کرد.

نحوه طراحی ساختمان های اداری :



- ساختمان یک اداره بزرگ شامل مکانهای مختلف و متعددی است :
- ۱ (بخش های اداری دفاتر مجزا برای یک تا سه نفر به همراه کارگاههایی برای کار آموزان و دفاتر گروهی برای حداکثر ۲۰ نفر، بعضی ادارات کارگاههای مجزا را با بخش های گروهی یکی می کنند. در اداره ای با پلان باز به جز یک بخش منشی گری مجزا، بقیه مکانها برای کار فردی و گروهی چند منظوره اختصاص می یابد .
 - ۲ (قسمت های انبار اسناد برای نگهداری پرونده ها، طرح ها، میکروفیلم و وسایل الکترونیکی، لوازم بایگانی و ثبت ، ثبت اسناد باز سازی و خرد کردن .
 - ۳ (بخش های خدمات اصلی اداری، دارای تجهیزات نوشتاری، تکثیر ، چاپ، فتوکپی و کامپیوترهای شخصی
 - ۴ (قسمت پست خانه، نامه ها و محموله های پستی، کنترل ورود و خروج اجناس

۵ (بخش نمایش گروهی شامل اتاقهای گروهمایی با دیوارهای متحرک و بخش های نمایشگاه، تالارهای کنفرانس و گردهمایی .

۶ (امکانات اجتماعی شامل رختکن، آشپزخانه، توالت برای هر طبقه یا بخش، بخش استراحت کارکنان، محل خوردن و آشامیدن، امکانات ورزشی، سالن غذاخوری با آشپزخانه .

۷ (مکانهای اضافی و ضمیمه، احتمالاً برای تعلیم در زمینه استفاده از وسایل سمعی و بصری

۸ (امکان نیاز به وجود یک قسمت برای ورود اتومبیل ، جای پارک (به صورت زیر زمین) و بخشش های تحویل

۹ (فضاهای گروهی شامل راهروها - پلکان - آسانسورها - ورودی های خروجی و اضطراری به صورت داخلی و خارجی .

۱۰ (خدمات اصلی شامل وجود مسائل خدمات فنی ، تهویه مطبوع، دستگاه تهویه، سیستم حرارتی ، برق، سیستم آرمانی ، پردازش اطلاعات، مرکز کامپیوتری، مخابرات و نظافت و مراقبت

سطح زیر بنای لازم در ادارات را تقریباً از ۲ تا ۳ متر مربع به حدود ۱۵ تا ۱۸ متر مربع افزایش می دهند

● روند کار :

تاثیرات تکنولوژی اطلاعات کامپیوتری کردن سیستم اداری پیشرفت در زمینه ی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به تغییر شرایط کاری در اداره ها کمک شایانی کرده است. تاثیر کامپیوتری کردن سیستم اداری بر کارگاهها و نقشه ها، نیازهایی را دفع کرده که ساختمانهای اداری موجود دیگر نمی توانند آنها را برآورده نمایند. طراحی مناسب ، موانع روند کار را به حداقل می رساند .

● شرایط قرارگیری فضاهای اداری :

ساخت ساختمان اداری جدید به موقعیت محلی آن بستگی دارد. ساختمان باید تا حد امکان در محلی ساخته شود که از روشنایی مفید روز بهره برده و از تابش شدید نور و گرمای خورشید دور باشد. در ایالات متحده، ۹۰٪ از ساختمانهای اداری در جهت شرق و

غرب ساخته شده اند زیرا نفوذ نور خورشید در صبح و بعد از ظهر ناخوشایند است. استفاده از سایه بان برای ممانعت از نور خورشید از سمت جنوب آسان می باشد. با این وجود اگر جهت اولیه، شمالی - جنوبی باشد نور خورشید به همه ی اتاقها می رسد .

● سیستم هـ

ساخت یک ردیف اتاق معمولاً مقرون به صرفه نبوده و تنها برای بخشهای انتهایی اداره که نور خورشید یک معضل است قابل قبول می باشد. طراحی اتاقهای سه ردیفه و منظم مخصوص ساختمانهای اداری و مرتفع است .

در ساختمانهایی که بدون راهرو ساخته می شوند. همه ی اتاقها (با نور طبیعی و مصنوعی) در اطراف یک هسته ارتباطی شامل آسانسورها - پلکان کانالهای تهویه و ... جمع می شوند. ولی در ساختمانهای دیگر بخشهای خدماتی در حاشیه قرار می گیرند .

می توان از نور خورشید تا فاصله ۷ متری از پنجره استفاده کرد. با استفاده از سیستم های جدید تکنولوژی روشنایی روز که مسیر نور را هدایت کرده و تغییر می دهند. (منشور ها و بازتابنده ها) می توان از روشنایی روز حداکثر استفاده و بهره برداری کرد .

● شناخت انواع ادارات (اصول کلی):

ساختمانهای اداری بزرگ معمولاً بناهای چند طبقه با دیوارهای متحرک داخلی هستند. مراکز تاسیساتی مثل لوله کشی - پلکان - آسانسورها و غیره معمولاً در حداکثر مراجل تعیین شده از طرف مقررات ساختمان سازی قرار می گیرند .

برای صرف حداکثر زمان و تداوم کار در محیط های اداری، می توان هسته های تاسیساتی را در جلوی ساختمان در یک طرف از داخل ساختمان، در گوشه های داخلی در انتهای یک گذرگاه، پایین راهروها نزدیک منبع نور قرار دارند .

یک ردیف ستون ساده مرکزی باغث ایجاد راهرو در یک سمت یا سمت دیگر می شود .

ساخت یک ردیف دو تایی از ستون، دفاتری با ارتفاع یکسان را ایجاد می کنند .

در چنین شرایطی راهروها باید مستقیماً توسط پنجره های مرتفع و یا از طریق درهای شیشه ای داخل دیوار روشن شوند. می توان راهروها را از طریق نور گیرهای سقفی در ساختمانهای پهلو دار و ساختمانهای کوتاه، ساختمانهای زاویه دار، ساختمانهای T شکل و U شکل به صورت مقرون به صرفه با روشنایی روز روشن کرد .

● مبلمان فضاهای اداری :

تناسب لوازم اداری با دفاتر، تحت تاثیر عواملی چون قابلیت تطبیق، تنظیم، دوام، سازگاری، فضای نگهداری، بهره‌وری، زیبایی و چگونگی سیم‌کشی می‌باشد. فضای مورد نیاز برای کارمندان در حالت نشسته یا ایستاده، مبنایی برای محاسبه‌ی حداقل فاصله بین میزها و میز تحریرها است (حداقل فاصله مطلوب ۱۰ متر) صندلیها باید قابل تنظیم چرخدار و مبله و مجهز به پشتی تکیه‌دادن باشند. دفاتر بایگانی، آرشیو و کارتهای اطلاعات مربوط به دانشگاهها و ... را می‌توان در کمدهای بدون پهلو که معمولاً از جنس استیل و در ابعاد استاندارد ساخته می‌شوند قرار داد.

طراحی تالار اطاق عمل بیمارستان:

بیمارستان به عنوان محل درمان بیماران، همواره با شاخص اطاق‌های عمل مقایسه و دارای معنی و مفهوم خواهد بود. از اولین بیمارستان‌هایی که داریوش کبیر به واسطه احداث آنها در سرزمین‌های باستانی تحت نفوذ ایران عزیز، در کتیبه‌های مصری لقب نیکو کار بزرگ، را از آن خود کرد، تا بیمارستان افتخار آمیز جندی شاپور در زمان ساسانیان، و همچنین از بیمارستان‌های مشهور قرون سوم و چهارم ایرانیان تا به امروز، تعریف بیمارستان بعنوان محل درمان بیماران، ثابت بوده لیکن درباره اطاق‌های عمل همواره تغییراتی را در تعاریف، ظرفیت، جانمایی، اختصاصات، معماری داخلی، ارتباطات با سایر بخش‌ها، اندازه‌ها، پارت بندی‌های عملکردی، تجهیزات و منصوبات پزشکی و غیر پزشکی ثابت و پرتابل، ... شاهد بوده و هستیم.

از همه مهمتر چگونگی طراحی فضای نهایی اطاق های عمل، بدون آنکه چیزی فدای چیز دیگر شده و قابلیت اجرایی و نگهداری این مجموعه را در طول بهره برداری، حفظ نماید، اصلی ترین هدف بیمارستان سازان بوده است.

اگر به تمامی پیچیده گی های ذکر شده در بالا، اهمیت منظور نمودن امکان توسعه در ابعاد مختلفی که بعضی از آنها هنوز در آن مقطع، کشف و یا اختراع هم نشده است، را بیافزاییم، سختی و جامع نگری الزامی کار بیشتر روشن خواهد شد.

در حال حاضر منابع مطالعاتی طراحان بیمارستانی در کشورمان، منحصر به چند کتابی است که اساتید بزرگوار و پیشکسوتی همچون استاد دکتر صدقیانی، استاد دکتر آصف زاده، و ... آنها را منطبق با شرایط بومی ایران تالیف نموده و همچنین تعداد زیادتری ترجمه های کتب خارجی که دیگر زحمتمکشان این عرصه، آنها را به جامعه علمی کشور تحویل داده اند. اما در بخش خاص اطاقهای عمل، بدلیل اهمیت و پیچیده گی های طراحی و اجرای فنی آن، بغیر از آثار جزوه ای دوران طلایی شرکت خانه سازی ایران، متأسفانه کار مطالعاتی که حاصل بررسی های متخصصین رشته های مختلف جراحی (به عنوان بهره برداران نهایی) و مهندسين ساختمان و تاسیسات) بعنوان سازندگان این فضای خاص تخصصی و پیچیده) بوده باشد، کمتر وجود دارد. این مهم باعث گردیده گرانترین، مهمترین، و اصلی ترین بخش بیمارستان، در اکثر پروژه ها، شاهد تغییرات الزامی بوده و تقریباً کمتر بیمارستانی یافت شود که در آن در طول سال شاهد کار اکیپ های بنایی و تاسیساتی نباشیم.

قصد ما به عنوان سایت تخصصی صنعت بیمارستان سازی در ایران، ارائه مطالب تخصصی و تیمی از این منظر، بوده و انشاء... با پیشنهادات و انتقادات سازنده تمامی اساتید و دست اندر کاران بیمارستانی خطاهای احتمالی را کاهش و مطالب ارائه شده را استغناء دهیم.

از آنجائیکه بحث «چگونگی احداث و ساخت» و نیز «تعمیر و نگهداری» و همچنین موضوع «توسعه و بازسازی» اطاقهای عمل، خود جوانب و ملاحظات خاص خود را دارد، توجه همگان را به این نکته جلب مینمائیم که این مقاله صرفاً، موضوعات و شاخص های بحث طراحی را ارائه مینماید. همچنین بدلیل حجم مطالب و سرفصل ها، به صورت

سلسله وار ، این مطالب روی سایت رفته و شما انشاء آ... به مرور سرفصل ها را در دنباله صفحه قبلی ، مشاهده خواهید فرمود .

فصل اول) محل جانمایی اطاق های عمل در بیمارستان محل قرار گرفتن اطاق های عمل در بیمارستانها از مهمترین شاخص های اثر گذار بر بهره وری و نیز رعایت اصولی سیکل درمان بیماران و همچنین مقوله های دیگری از جمله کنترل عفونت های بیمارستانی و مهندسی ارزش در منابع تاسیساتی و ... میباشد . از طرفی محل قرار گرفتن اطاق های عمل در طرح هر بیمارستانی نیاز به مطالعات خاص همان بیمارستان نیز دارد به گونه ای که با تعاریف و اهداف احداث بیمارستان مذکور نیز همخوانی لازم را داشته باشد .

حال با توجه به موارد بالا به شرح فاکتورهای مهم طراحی برای جانمایی اطاقهای عمل می پردازیم :

۱ (اطاق های عمل را تا حدود دو دهه قبل به بالاترین طبقات ساختمان اصلی بیمارستان منتقل می نمودند و برای این کار نیز دلایلی به این شرح داشتند : دور بودن از مسیر رفت و آمد عمومی ؛ دور بودن از جریان هوای الوده بین بخش ها ؛ نزدیکتر بودن به دستگاه های تهویه روی پشت بام که منجر به تهویه اسانتر و خطر خرابی کمتر و هزینه انتقال انرژی ارزاتر خواهد بود ؛ امکان بهتر توسعه و تغییرات در تجهیزات و لوازم مورد نیاز اطاقهای عمل در دراز مدت بدلیل نزدیکی به پشت بام و قدرت مانور روی بام که بسیار سهل تر از طبقات زیرین قابل اجراء خواهد بود ؛ و جزییات دیگری مانند آرامش کامل و نبود مزاحم پیرامونی از قبیل سروصدای محوطه و خیابان- سر و صدای بخش ها -

۲ (امروزه تفکر طراحان بیمارستانی همگام با تبلور تجهیزات و تکنولوژی جدید و همچنین تغییر استاندارد های درمانی ، بناچار تغییراتی را در جانمایی بیمارستان ها پدید آورده است . از جمله الزاماتی که در حال حاضر نمی توان از آنها چشم پوشی کرد عبارتند از :

-اطاق های عمل برای سهولت دسترسی همه بخشها به آن ، بایستی در طبقات میانی ساختمان اصلی گنجانده شود ؛

-وجود اسانسور های اختصاصی اطاق عمل و برای منظور های مختلف (تخت بیماران-

پرسنل بخش -سی اس ار کثیف - سی اس ار تمیز - اختصاصی بخشهای ویژه مثل اورژانس و ای سی یو و) تقریباً الزامی میباشد ؛
-با توجه به وقوع کشور ما در نیمکره شمالی زمین ، برای عدم استفاده از نور شدید افتاب و همچنین امکان الزامی استفاده از یک نور یکنواخت و ملایم در طول روز ، اطاق های عمل در یال شمالی ساختمان قرار گیرند ؛
-اطاق های عمل بایستی کمترین فاصله را با سی .اس .ار یا استرلیزاسیون مرکزی داشته باشند ؛

-دسترسى اطاق های عمل با بخش بستری جراحی بایستی کوتاه و سریع و حتی الامکان مستقل باشد ؛
-اورژانس بیمارستان و ای .سی . یو . و سی .سی .یو با اطاق های عمل کمترین فاصله ممکنه را داشته باشند ؛

-امکان گسترش و تغییرات در آینده هم از نظر ابعاد ، وهم از نظر بکار گیری تجهیزات جدید را با کلیه جوانب تاسیساتی مورد نیاز آن روز ، حتی الامکان داشته باشد ؛
-در مسیر تردد داخلی بیمارستان باشد . یعنی جهت دسترسی بخش های مختلف به مجموعه اطاق های عمل ، نیاز به تردد به خارج از ساختمان اصلی بیمارستان وجود نداشته باشد ؛

-بخش اطاق های عمل ، کاملاً بسته و ایزوله بوده و در مسیر تردد و عبور مرور دیگر بخش ها قرار نگیرد ، حتی برای استفاده از پله فرار و یا تعمیرات نوبه ای امکانات تاسیساتی بیمارستان ؛

۳ (گذشته از جوانب کلی ذکر شده در بالا ، در بعضی پروژه های بیمارستانی ، نوع کاربری و اهداف تاسیس آن بیمارستان خاص الزاماتی را در تعیین جانمایی مجموعه اطاقهای عمل همان بیمارستان ، از قبل تعیین می نماید که به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم :

-در بیمارستان های خاص در مانی با تعاریف خاص در مانی ، محل قرار گرفتن مجموعه اطاقهای عمل الزامات خاص خود را دارد که با اصول کلی ذکر شده در بالا همخوانی ندارد مانند بیمارستان های روانپزشکی یا بیمارستان های تخصصی خاص مانند فقط

پوست و فقط چشم و

-در بیمارستان های نظامی ، محل قرار گرفتن مجموعه اطاق های عمل تعاریف خاص خود را براساس ملا حظات طرح دفاعی (طرح پدافندی) مورد نظر ان بیمارستان و در ان سرزمین ماموریتی ، و ... خواهد داشت که الزامآ مطابق تعاریف ذکر شده در بالا نخواهد بود ؛ مثلاً اطاق های عمل بیمارستان های نظامی بیشتر گرایش به طبقات زیرین همکف دارد و ...

-اگر چنانچه مراکز جراحی محدود فعلی کشورمان را ، که تقلید ناقص و کاسبکارانه ای از دی کلینیک های اروپا میباشد ، به دلیل وجود اطاق عمل و بخش های بستری و جزء مراکز بیمارستانی محسوب نماییم (که بایستی بنماییم ولی نمی نمایند؟؟) چون روابط بین بخشی و سیکل درمانی انها تفاوت هایی با بیمارستان ها دارد ، جانمایی اطاق عمل انها نیز ویژه گی های خاص خود را دارد .

فصل دوم) جانمایی اجزاء داخلی در مجموعه اطاقهای عمل در داخل خود مجموعه اطاق های عمل در یک بیمارستان هم ، اجزاء مختلفی وجود دارد که تقسیم بندی ونحوه قرار گرفتن انها در کنار هم نیز بر کل بهره وری و یا تاثیر گذار تر بودن سیکل درمانی بیمارستان ومؤثر خواهد بود . این مجموعه شامل اطاقهای بیهوشی ، اطاقهای اسکراب ، سالن ریکاور ، اطاق های عمل ، پذیرش ، اطاق تعویض تخت ، اطاق آماده سازی بیماران ، اطاق های نگهداری وسایل ، اطاق استریل ، اطاق گچ گیری ، اطاق استراحت پرسنل ، اطاق منشی بخش ، اطاق شستشو وسایل ، دفتر کارکنان ، اطاق گزارش نویسی پزشکان ، و . . . میباشد .

از طرفی اهمیت عملیات ضد عفونی در اطاقهای عمل با جان بیماران و میزان موفقیت جراحی ، پیوند ناگسستنی دارد ؛ به همین دلیل در داخل مجموعه اطاق های عمل یک خط بندی و تقسیم بندی براساس سیکل کاری ونیز نوع ضد عفونی مورد نیاز وجود دارد که بایستی با درک صحیح ان کادربندی ؛ اجزاء مختلف را در طراحی براساس ان در کنار هم قرار داد . این خط بندی ها بشرح ذیل میباشد :

۱ (منطقه ورودی بیماران و کارکنان و وسایل : این منطقه در حقیقت خارجی ترین ناحیه از اطاق های عمل بوده وبایستی از ورود افراد غیر به ان جلوگیری وبه عبارتی تحت

حفاظت باشد. این منطقه الزاماً نیاز به استریل ندارد و صرف رعایت تمیزی بیشتر در آن کافی است. معمولاً این منطقه را در طراحی ها با یک کریدور عریض و یا یک سالن ۴×۴ الی ۸×۵ (بستگی به تعداد اتاقهای عمل و تعداد جراحی در ساعت پیک دارد) از دیگر قسمتهای داخلی و خارجی اتاقهای عمل جدا مینمایند. بهترین نوع طراحی این منطقه بگونه ایست که سیکل آمد و شد کارکنان و وسایل و بیماران، از قبل مشخص و مسیر این تردها حتی الامکان یک طرفه باشد؛ در این صورت مسیر داخل به خارج و بالعکس از هم مجزا ولی در کنار هم هستند. اگر چنانچه اسانسورهای اختصاصی برای اتاقهای عمل وجود دارند، محل باز شدن درب آنها همین منطقه خواهد بود. قسمت پذیرش بیماران، اتاق تعویض تخت بیماران، و در بعضی مواقع اتاقهای مربوط به پرسنل اتاق عمل (رختکن ها، استراحت شیفت) در این قسمت قرار دارند.

۲ (منطقه داخلی تالار اتاقهای عمل: این منطقه همان منطقه تمیز یا خط زرد است که در بیشتر بیمارستان های کشور یا با کم توجهی آن را برابر منطقه تحت حفاظت میدانند و یا با وسواس بیمورد آن را با خط قرمز یکی میدانند. در صورتی که هر دو مورد غیر علمی و اتفاقاً هر دو مورد به یک اندازه موجب ریسک عفونت های بیمارستانی خواهند شد. بایستی کاملاً توجه نمود که خط زرد در تالار اتاقهای عمل همان محلی است که بایستی لباس های مخصوص اتاق عمل را پوشید (شال و گان و دمپایی و کلاه). در این منطقه کل وسایل و کارکنان و بیماران تحت کنترل قرار گرفته و کاملاً بایستی تمیز و غیر الوده باشند؛ لیکن این بدان معنی نیست که این منطقه ضد عفونی و استریل باشد. در طراحی ها، این منطقه را به صورت یک سالن اصلی مستطیل یا دایره شکل در نظر میگیرند که می تواند درب تمامی اتاقهای عمل و اسکراب به داخل آن باز شود. انبارهای وسایل و تجهیزات و نیز انبارهای داروهای مصرفی همگی در این منطقه قرار دارند. اتاق منشی و اتاق گزارش نویسی پزشکان و بعضی مواقع اتاقهای شستشوی وسایل جراحی (واشینگ و پکینگ ست های جراحی) نیز در این منطقه بایستی منظور گردند. آخرین محل تلاقی این منطقه با منطقه سوم را (یعنی به عبارتی دورترین محل از منطقه اول را) بایستی برای محل سالن ریکاور در نظر بگیریم.

۳ (منطقه اصلی در تالار اتاقهای عمل: این منطقه را ناحیه سترون شده یا ناحیه ضد عفونی

شده یا ناحیه خط قرمز میگویند؛ همه چیز در این منطقه بایستی ضد عفونی شده یا به عبارتی استریل شده باشد. کلیه اقسام، تجهیزات پزشکی و غیر پزشکی، پرسنل، بیماران، حتی سطوح دیوارها و کف و سقف، در این منطقه حتی الامکان استریل شده وجود خواهند داشت. تک تک اتاق های عمل حتی الامکان دارای سیستم سیر کولاسیون هوا به صورت مستقل از دیگر فضاهای بیمارستان و مجهز به ----- های مختلف به خصوص <هپا > خواهند بود. در طراحی این فضا بیشترین نقش مربوط به امور تاسیساتی خواهد بود. الزامات تاسیساتی در کف (مانند شبکه ارت زیر کفپوش ها، بعضی از اتلت های گازهای طبی از کف، شبکه برق مورد نیاز تخت جراحی از کف) و همچنین نیازهای تاسیساتی در بالای سقف کاذب) شبکه گازهای طبی، شبکه کانال های هدایت هوای سرمایش و گرمایش، شبکه برق روشنایی، شبکه برق مصارف تجهیزاتی، فضای مورد نیاز نصب پلیت چراغ سیالتیک، و...) اجباراً ارتفاع این قسمت از بیمارستان را با دیگر نواحی بیمارستان متمایز میکند، به همین دلیل در جا نمایی داخلی در تالار اتاق های عمل، از همان ابتدای طراحی بایستی فضای منطقه اصلی و یا استریل را، در کل کار مشخص و مابقی قسمت های تالار اتاق های عمل و بدون اغراق، حتی مابقی بیمارستان را، بعد از تعیین تکلیف این منطقه، تکمیل و نهایی نمود. منطقه اصلی در تالار اتاق عمل بیمارستان ها میتواند خود یک سالن مستقل که درب تمامی اتاق های عمل به آن باز گردد باشد و یا اصلاً سالن مجزایی در کار نبوده و تک تک اتاق های عمل به سالن منطقه داخلی (بند ۲ بالا) وصل باشند؛ در این صورت صرفاً هر اتاق عمل یک خط قرمز خواهد داشت. ولی در هر حالتی خواه به صورت منطقه قرمز کلی و یا چند خط قرمز (البته کلی بهتر از چند منطقه ای میباشد) در طراحی سیکل هوا، بایستی فشار هوا بگونه ای باشد که امکان ورود هوای غیر استریل به داخل اتاق عمل وجود داشته باشد.

۴) منطقه خروج کارکنان از تالار اتاقهای عمل: این منطقه را راهروان استریل و یا راهرو دفع هم میگویند. اصلی ترین نقش در کنترل الودگی محیط و یا کنترل عفونتهای بیمارستانی، را، در نحوه طراحی و از آن مهمتر چگونگی استفاده از این منطقه، بایستی جستجو کرد. این منطقه بهتر است به صورت یک کمر بند تمام اتاق های عمل را در بر گرفته، تا بتواند ابزار و وسایل و مواد استفاده شده و یا زاپد و نیز اقسام کثیف را، از این

طریق از منطقه خط قرمز خارج نمایند . در این صورت دیگر خط قرمز محل عبور اجسام ان استریل نخواهد بود (چیزی که بیش از ۸۰٪ بیمارستانهای کشور در حال حاضر به ان مبتلاء هستند) . نکته مهم در طراحی این منطقه الزام به رعایت فشار هوای کمتر از ناحیه استریل است به صورتی که این راهرو نه تنها باعث ورود هوای کثیف خودش به منطقه قرمز نگردد ، بلکه ، خود به نوعی کمک سیستم سیرکولاسیون مکانیکی تعبیه شده در تخلیه هوای کثیف هم محسوب گردد . در طراحی ها میتوان از این محل به اطاق واشینگ و دیگر فضاهای غیر استریل تالار اطاقهای عمل ورودی در نظر گرفت .